وقف مرحوم میرزا رضا خان نائینی
بر کتابخانه مبارکه
۱۵ مرداد ماه ۱۳۱۱

میکروفیلم تهیه شد

باز بین شد
۱۳۵۳ خ

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: تاریخ کشف امریکا از ترکی عثمانی بفارسی جلد اول و دوم

مصنف / مؤلف: مترجم محب علی خان

خطی / چاپی: نسخ ۱۶ سطری

سال طبع یا تحریر: ۱۳۰۵ عدد اوراق: ۹۷

جزء کتب: تاریخ شماره: ۱۳۴

شماره عمومی: ۴۱۸۳ شماره قبض:

واقف: میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف: مرداد ۱۳۱۱

طول: ۲۲ عرض: ۱۷ ... قفسه ۸

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

باز بین شد
۱۳۵۳ خ

شناسنامه آسیب شناسی

نسخه شناسی	عنوان	تاریخ کشف امریکا		
	درجه نفاست	عادی		خطی ✓ / چاپ سنگی
	تعداد اوراق	۹۷	اندازه	۱۷×۲۲
	قطع	وزیری کوچک	شماره اموالی	۴۱۸۳
آسیب شناسی و اقدامات مرمتی	درصد تخریب اوراق	۱۰ / ۲۰ / ۵۰ / ۸۰	از هم پاشیدگی عطف	دارد / ندارد ✓
	نیاز به جعبه	دارد / ندارد ✓	نوع آفت	شیمیایی / زیستی / فیزیکی
	نیاز به جلد سازی	دارد / ندارد ✓	نیاز به مرمت جلد	دارد / ندارد ✓
	نیاز به مرمت اوراق	دارد / ندارد ✓	نیاز به دوخت عطف	دارد ✓ / ندارد
	نیاز به لکه گیری	دارد / ندارد ✓	نیاز به گردگیری	دارد / ندارد ✓
	نیاز به آفت زدایی	دارد / ندارد ✓	نیاز به اسیدزدایی	دارد / ندارد ✓

بررسی کنندگان: ۱. [illegible] ۲. دهقان [illegible] ۳.
تاریخ بررسی:

اقدامات انجام شده:

تاریخ اقدام: ۵/۸۳

۹ ۱۳/۱/۷

ترجمه تاریخ کشف امریکا از عثمانی بفارسی مترجم محمدعلیخان
اجودان و ترازنده جلیله جنگ که در سلطنت مظفرالدینشاه و
برعایت آقای نیرالملک وزیر علوم ترجمه نموده و شرح حال (کولومب)
و سیاحت اول او و سیاحت (پیزارو) و (کورتز) که (کامپیر) بلد
کشفیات ایشان پرداخته و آن در سه مجلد انجام یافته در جلد اول
سیاحت کولومب تا مراجعتش باسپانیول در جلد ثانی سیاحت
ثانویه کولومب تا وفاتش و در جلد ثالث سیاحت (پیزارو) و (کورتز)
نسخه مجلد اول الی آخر اول [illegible] بمقیاس [illegible] را نیز است
[illegible] بواسطه سیاحت مذکور مجدداً کشف گردید تمت تاریخ تحریر
سنه ۱۳۱۵

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد [illegible]

[illegible] شده ۱۳۵۳

کتابخانه آستانه قدس

فارسی معمولی ترجمه نموده امید که در موقف حضور مبارک قبول گردد و باب عفو و غفران
زلات حقیر بسته آید

(مقدمهٔ مؤلف)

بر ضمیر ارباب دانش و وقوف که مألوف به تتبع آثار تاریخیه و مشغول بتحقیق
احوال اجتماعیه میباشند ظاهر و هویدا است که کشف امریکا مبدء ترقی
عالم مدنیت گشته و شاهراه سعادتی برای جمعیت بشریه گشوده است
توسیع دایرهٔ تجارت و زراعت که مواد اصلیهٔ ثروت هر مملکت و ترقی
علوم و فنون که اساس مدنیت هر ملت است از کشف مملکت نمو و ظهور
و سیاحانیکه بجهت کشف قطعهٔ مذکور اجرا شده است جغرافی
و (ژئولوژی) طبقات الارض ترقیات عظیمی نموده است محصولات مختلفه و معادن
معینه از جهان جدید بعالم عتیق نقل و ایصال گردید یا اینکه بتعقیب انکشاف
چنین قطعه که فواید بیشمار بعالم مدنیت نموده است هر فردی که طالب وقوف
امور عالم باشد واجب و تا یکدرجه با اینها که از علوم و فنون بهره دارند لازم است
قطعه امریکا چون بجانب و معاونت پادشاه اسپانیول (فردیناند) و ملکه (ایزابل) آنجا
کشف شده است و ممالک مکشوفه جدیده در تحت ادارهٔ دولت مذکوره بوده است
اطلاعات رسمیه که دایر با حوال ممالک مزبوره است در (مادرید) محفوظ مانده
از مشاهیر دانشمندان امریکا (واشنگتون ایرونیک) در سنه ۱۸۲۰ میلادی بشهر مذکور

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

مظفرالدین شاه قاجار

کتابخانه آستان قدس

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی‌قیاس مالکی را سزا است که در جهان هستی و عالم امر و خطه آفرینش و قلمرو
حیات حکمتش چون آب جیحون و فرات دوان است و درود نامحدود بر برگزیده و دود
نبی اکرم و رسول خاتم احمد مختار محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین و
پیشوایان دین سلام الله علیهم اجمعین باد و بعد در عهد سلطنت و جهانداری
شاهنشاه معظم و مالک رقاب امم سلطان هنرپرور و خدیو عدل گستر السلطان العادل
الباذل و الخاقان الکامل الکافل السلطان مظفرالدین شاه خلد الله ملکه و دولته و از
تشویقات جناب جلالتمآب نیر الملک و دیگر علوم که بنان و بیان از شرح فضائل
و ذکر مناقب آن ذات حمیده خصال که دانشمند دانش دوست قاصر است این
خانه‌زاد دولت قوی شوکت اجودان و ادات جلیله جنات محمدعلی که سالها در مدرسهٔ
دار الفنون طهران و مدارس نظامی اسلامبول تحصیل السنه خارجه و فنون نظامی
و غیره نموده است مجلد اول تاریخ فتح و کشف امریکا را از زبان ترکی عثمانی بلسان

فارسی

عزیمت و باجازهٔ دولت نمود و او و اینکه در کتابخانهٔ رسمی دولت محفوظ بوده است از

بعضی تتبعات نموده یک رساله ترتیب داده است پس از آن رسالهٔ مذکور را

روی او و اینکه رد (دون فرناندز) که منشی اول انجمن تاریخیهٔ دولت اسپانیول بوده است

تکمیل نموده از تواریخ غیر مطبوعه که مورخین اسپانیول در باب کشف امریکا نگاشته‌اند

تاریخ کشف امریکا را بدرجهٔ کمال رسانیده است با نهم اکتفا ننموده بجهت اکملیت کار

خود بعضی اطلاعات صحیحه هم از اوراقیکه نزد یکی از منتسبین خانوادهٔ (کولومب) بوده

اقتباس نموده یک کتابی موسوم به [ترجمهٔ احوال و سیاحتنامهٔ کولومب] تألیف نموده است اثر مذکور

چون از سایر مؤلفاتیکه در باب کشف و فتح امریکا نوشته شده صحیحتر و کاملتر است

بجهت تألیف این کتاب ماخذ اتخاذ شده است [واشنگتون ایرونیک] تا تاریخ وفات کولومب

بذکر وقایع کشف امریکا پرداخته انکشافاتیکه پس از (کولومب) بتوسط (پیزارو) و

(کورتز) ظاهر گشته (کامپ) بذکر کشفیات ایشان پرداخته است لهذا اثر مشار

الیه ماخذ ثانوی بجهت تألیف این کتاب اتخاذ شده است

وقایع مشروحه در سه جلد ذکر و بیان گشته سیاحت اول (کولومب) تا تاریخ مراجعتش

باسپانیول در جلد اول و سیاحت ثانویش تا تاریخ وفاتش در جلد ثانی

سیاحت (پیزارو) و (کورتز) در جلد ثالث ذکر و بیان گشته است

جمیع وقایع مهمه متعلقه بتاریخ کشف امریکا بطریق اختصار و بعبارات روشن ذکر و بیان

گشته

گشته امید که در نظر مطالعه کنندگان کرام مقبول افتد

از اعضای شورای دولت عثمانی (الکساندر باکوباس)

(تاریخ کشف و فتح امریکا)

(جلد اول) (فصل اول)

کشف امریکا که یکی از وقایع مهمهٔ تاریخیه معدود است بواسطهٔ حمایت و معاونت

(فردیناند) پادشاه اسپانیول و (ایزابل) ملکه از طرف (کولومب) کشف شده است

مسقط الرأس (کولومب) که یک طریق ارتباط ما بین نصف کرهٔ شرقی و غربی باز

نموده بین المورخین مشکوک ولی بروایت اکثر ایشان در سنه ۱۴۳۵ میلادی در شهر

(ژن) که یکی از بنادر ایتالیا است بدنیا آمده است

(کولومب) اگرچه منسوب بیک خاندان اصیلی بوده ولی بواسطهٔ اخلاق حمیدهٔ

که دارا بود مظهر التفات و حرمت عموم شده بود در یک (فابریک) کارخانهٔ مستخدم

گشته امر معاشش بدان وسیله میگذشت دارای دو برادر دیگر موسوم به (بارک)

و (بارتلمی) بودند و یک همشیره هم داشت در سن طفولیت خواندن و نوشتن را

در کمال سهولت تحصیل نموده و نقاشی را هم بطور خوبی آموخته بود

بعد از آن بشهر (پاویا) عزیمت نموده در یک مدرسه زبان لاتینی را هم در اندک

مدتی آموخت میل مفرطی بفنون بحریه داشت و چون در آن زمان اساس و مقدمات

مذکور عبارت از علم هندسه و جغرافی و هیئت بود فنون مذکوره را هم تحصیل نمود
از مدرسه (پاتاو) پس از آنکه فارغ التحصیل شد بشهر (ژن) که وطن اصلیش بود
معاودت نموده بخدمات بحریه اشتغال نمود

بوقایع بحریه که بجهت فتح و ضبط سلطنت (ناپل) فراهم شده بود مشارکت نموده
[دلیل دوکابر]
این سفر اولین سفر مهمی بود که (کولومب) اقدام نموده بود در سنه ۱۴۵۴ میلادی
هنگامیکه در بندر (ژن) چند قطعه کشتی تدارک نموده بنام پدرش بفتح و ضبط
(ناپل) مبادرت نموده بود (کرهیتوف) هم در آنسفر حضور داشت بتعاقب یکی از
کشتیهای دشمن مأمور شده و این مأموریت را با کمال مهارت اجرا نموده نظر توجه
رؤسا را بسوی خود جلب نمود جنگ (ناپل) چهار سال طول کشیده و کشتیهائیکه
تحت امر او بود بفتوحات عظیمه نایل شد

پس از ختام جنگ مزبور چند سالی چگونگی حال (کولومب) مجهول مانده بروایت
بعضی مورخین در بحر سفید برای تجارت مسافرت نموده است و بروایت برخی
دیگر در جنگ ایتالی مشارکت نموده است و بروایت بعضی از مورخین دیگر
(کرهیتوف) داخل خدمت بحریه دولت فرانسه گردیده بعضی کشتیهای جنگی
دولت فرانسه را فرماندهی نموده و بواسطه ظهور بعضی وقایع کشتیهای
جنگی دولت اسپانیول را ضبط نموده پادشاه اسپانیول بدولت فرانسه اعلام

کولومب

(کولومب) شکایت نموده است خلاصه تا سنه ۱۴۷۰ میلادی ترجمه حال (کولومب) بین مورخین
مشکوک و پس از زمان مذکور سرگذشت احوالش معلوم است

در سنه مذکور (کرهیتوف) بپای تخت پرتغال (لیزبون) عزیمت نموده و بنا بر نوشته
هموطنانش که در آنجا سکنی داشتند در شهر مذکور توطن نموده است

(کولومب) مردی طویل القامه و خوش سیما افکارش عالی و اخلاقش پسندیده
بود در حین مصاحبت با دوستان خیلی متواضع و مؤدب بوده در خصوص
ادای فرایض دینیه خود اصلا تغافل نمینمود در کلیسای (نوسن) همیشه تکالیف
شخصیه خود را بجای میآورد هنگامیکه در شهر (لیزبون) اقامت داشت دارای
شهرت عظیمی گشته با (فیلیی) دختر (باونلرمی) نایب الحکومه جزیره (پورتوریکو)
ازدواج نموده پس از وفات (باونلرمی) با مادر زنش در یکجا اقامت نموده
مادر زنش چون دید که (کولومب) از انکشافات طرف بحر محیط اهمیت زیادی
میدهد اسفار شوهرش را بدو نقل و حکایت نموده بعضی نقشه و روزنامجات
متوفی را بدو تسلیم نموده (کرهیتوف) آنها را مثل یک گنج گرانبها پنداشته
بمطالعه طریق بحریه که اهالی پرتغال مرور نموده بودند صرف وقت مینمود
اکثر اوقاتش را بکره سازی و نقشه کشی صرف نموده منافعیکه از این حرفت
پیدا مینمود یکمقدارش را برای پدر و برادرش که در (ژن) اقامت داشتند

کتابخانه آستان قدس
دایره مخطی

فرستاده وما بقی را صرف معیشت خود مینمود

فن جغرافی اگرچه از چندین عصر معلوم بود ولی در آن زمان ترقی نموده اهالی پرتقال

بجهت تشبثات بحریه احتیاج عظیمی بیک نقشهٔ صحیح وکامل داشتند واز

طرف دیگر در آن زمان افکار عموم چون مصروف بکشف ممالک مجهوله بود مثل (کریستوف

کلمب) طولانی در فن جغرافی و نقشه کشی داشت و نقشه جاتیکه ترسیم مینمود

از هر حیث رجحانیت بسایر نقشه جات موجوده داشته است بدان سبب در

مدت قلیلی شهرت عظیمی پیدا نموده بود

(کریستوف) از مشاهیر دانشمندان فلورانس با [پاولو طوسکانلی] وسایر دانشمندان

شناسائی پیدا نموده هم‌منوالیه که بجهت کمال فن جغرافی صرف مینمود

کشف ممالک مجهوله در ذهنش پیدا شد

(کولومب) نقشه جات کره ارض را بیکدیگر مقایسه نموده وخط حرکت

سیاحین مشهوره را مدققانه مطالعه نموده از این تحقیقات ادراک نمود

که قسم اعظم کرهٔ ارض هنوز مجهول است لهذا قرار براین داد که ممالک مجهوله

را کشف نماید

بواسطه ازدواج با (فیلیی) با بعضی اشخاص معتبر شناسائی پیدا نموده از

تقریرات و بیانات ایشان قناعت حاصل نمود که تصوراتش ممکن است بموقع

اجراء برسد [پورتوریکو] که تازه منکشف گشته بود بعضی املاک او تا بزوجه‌اش

منتقل گشته بانو وجه اش جدا بانجا نقل و مکان نمودند که در آنجا اقامت داشت

دارای یک اولاد ذکور گردید با نایب الحکومهٔ انجا هم چون قرابت داشت اینها نا

هم در یک نقطه جمع شده از سفرهائیکه بعض سیاحین کرده بودند صحبت نموده

واز نقاطیکه در آنها کشف شده بود بعضی سخنان در میان اورده اخر الامر

درباب کشف یک راهی بهندوستان بعضی مطالب در میان امد از اینگونه

مباحثات هرچه زیاد تر گفته میشد هوس (کولومب) درباب کشف ممالک

مجهوله بیشتر میشد چنانچه سابقا ذکر شد خیالات عموم معطوف بر کشف

ممالک مجهوله چون بود و جزیرهٔ (اطلانتیس) که افلاطون ذکر کرده است در آن زمان

تاثیر زیادی نموده هر کس تصور مینمود که انجزایر با بستی در بحر محیط موجود

باشد و بعضی اشخاص دیگر ادعا مینمودند که در بحر محیط جزایر کوچک بسیاری

برای العین مشاهده نموده اند از اهالی جزیرهٔ (مادیرا) راشون لیوم با (کریستوف)

ملاقات نموده از قرار تقریرات یک قایق در طرف غرب مسافرت نموده پس از

یکصد ساعت مسافت قطع نموده سه قطعه جزیره مشاهده نموده است این

حکایت شبیه بحکایتی بود که اهالی جزیرهٔ (کاناری) دیده و میگفتند اهالی

جزیرهٔ (کاناری) بدرجه موجودیت جزیره مذکور را قناعت حاصل نموده

بودند که بجهت کشف وضبط جزایر مذکور از پادشاه پرتقال اذن طلب نموده
بدانسمت مسافرت نمودند ولی بدون انکه جائی را کشف نمایند مراجعت نمودند

(فصل ثانی)

درباب ممالک مجهوله روایاتیکه سابقا بیان شده بود اگرچه بیک اساس
مبنی بوده است ولی از افکار عمومی معلوم شد تا چه درجه موجودیت ممالک
مجهوله در اذهان عمومی جای گیر شده بود (کولومب) این روایات را باکمال دقت
تفکر و ملاحظه نموده درباب اراضی مجهوله افکارش را بسه اساس وضع نمود اساس
اولی مبنی باقتضای خلقت کره ارض دویمی مبنی برأی و مطالعهٔ حکما سیمی مبنی
بروایات سیاحین برای ایضاح اساس اول لازم است که تفصیلات انرا شرح
و بیان کرده. (کریستوف) کرویت و حرکت دورانیه ارض را اساس اتخاذ نموده
در نصف کره متقابل بنصف کرهٔ ما قناعت حاصل نموده اراضی و ابحار موجودات
بنا بر قول (بطلمیوس) محیط خط استوا را با نقشه جات موجوده تطبیق نموده از
جزیرهٔ (کاناری) تا نقطهٔ (سنه) که در اسیا واقع است واخذ نیاسترده معلوم میشد
نمود که پانزده ساعت مسافت میباشد اهالی جزیره پرتقال جزیرهٔ دماغه
سبز را کشف نموده بمسافت مذکور یکساعت دیگر هم علاوه نموده پس از ان تخمین
نمود که هشت ساعت دیگر یعنی ثلث کره ارض مجهول است

اساس دوم مبتنی بر روایت مؤلفین قدیم میباشد (کولومب) را قانع نمود که عبور
از بحر محیط سهل و اسان است در میان ایشان افلاطون و ارسطو و (سنه کو) و
(استرابون) روایاتیکه ذکر نموده بودند با روایات بعضی از کشتیبانان معتبر مثل
(مارکوپول) و (گون ماندویل) مزج نموده خیالاتش قوت پیدا نمود
سیاحین مذکور در قرن سیزدهم و چهاردهم در ممالک بعیدهٔ اسیا دا فتند
حدود دیگر (بطلمیوس) در ان باب تعیین بود تجاوز نموده ممتد بودن قطعه اسیا
بطرف شرق (کولومب) را قانع نمود که هرگاه یک ادمی بغرب سیاحت نماید
بممالک غیر معلومه خواهد رسید
اساس سیم (کریستوف) در سواحل افریقا سیاحت نموده از بعضی کشتیبانهای
سالخورده و از اهالی جزایر یکه تازه کشف شده بود بعضی اطلاعات حاصل
نموده اطمینان کلی حاصل نمود که انطرف بحر محیط بعضی ممالک منبت و مسکون
موجود است مثلا (مارتینو ونزری) که سینین قهره در خدمت بحریهٔ دولت
پرتقال بوده بیان مینمود که وقتی مانی بطرف غرب سیاحت نموده پس از انکه
چهارصد و پنجاه میل مسافت قطع نمود یک پارچه هیزمی مشاهده نمود که
ان هیزم را ازالت اهنین قطع نشده بود (پیتر و کوره ا) هم در سواحل جزیره
(پورتوسانتو) یک پارچه هیزمی دیده میگفت که باد ان هیزم را اورده است

از قرار یکه پادشاه پرتقال بیان مینمود در ساحل جزیره یک نوع علف طویل
و نباتاتی که جنسش در جزیره موجود نبود مشاهده نموده علف مذکور خیلی
شباهت داشت به نیهائیکه (باربولومئو) از محصول هندوستان ذکر کرده بود و اهالی
جزیره (اجوره) یکنوع درخت (کاج) در جوار جزیره مذکور دیده بودند که
کلیتاً مغایر با جنس درخت جزیره مذکور بوده است از همه غریب تر اهالی جزیره
مذکوره بیان مینمودند که در ساحل جزیره (فلورانس) دو نعش آدم دیده بودند
که این آدمها ابداً مشابهت بملل و اقوام معلومه نداشتند

اخبارات و روایاتیکه تا کنون ذکر شد (کولومب) با تصورات و نیات خودش
تطبیق نموده خیالاتش را به (پاولو طوسکانلی) اظهار نموده (پاولو طوسکانلی) رای (کولومب) را
تحسین و تصویب نمود . محض سهولت پیشرفت تصورات آن یک نقشه هم
برای او فرستاده آن نقشه یکقسمتش از تعریفات (پتولومئو) و قسمت دیگرش
از قرار تعریفات (مارکوپولو) کشیده شده بود

تصورات مشروحه (کولومب) روز بروز قوت میگرفت تا اینکه خیالاتش
را بموقع اجرا برساند مدت مدیدی کذشت چونکه اجرا نمودن چنین تصور
عظیمی موقوف بمصارف کلی بود و ثروت (کولومب) متناسب با اجرای چنین اقدام
بزرگ نبود علاوه براین تصور نمود که ممالکیکه کشف خواهد نمود اهالی آنجا

بت

بت پرست و هیچ حکومت مشروعی چون تابع نخواهند بود این کشفیات لازم بود که
بنام یک پادشاهی اجرا شود که قادر بر این باشد اقوام آن ممالک را بحت اطاعت
در آورد در سنوات اخیره رغبت عامه چون درباب ممالک مکشوفه تناقص
نموده بود پادشاه پرتقال بجهت برقرار نمودن (پرنس یوانا) سلطنت (کاستیل)
با دولت اسپانیول هم چون جنگ داشت غیر ممکن بود که بتواند وسائطیکه
برای اقدام بدین مسئله لازم است فراهم نماید ولی پس از مدتی وضع بکلی تغییر
نموده فن طبع ایجاد شده علوم و فنون ترقی کاملی نمود

و (ژان دوم) جالس تخت سلطنت گشته میل مفرطی بکشف ممالک مجهوله
پیدا نمود بر موجب (النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِم) این مسئله مهمه در اذهان عموم
مجدداً تولید شد هر کس کشف راه جدید هندوستان نماید سبب کلی ازدیاد
ثروت مملکت میشود

روایاتیکه در کتاب (مارکوپولو) درباب ثروت ممالک جنوبیه چین و
احوال جزیره (سیپانگو) مندرج شده بود هر کس مطالعه نموده عموم
اوقات عموم بدانطرف معطوف شده بود و یکی از رهبانان یهود بجهت
اینکه جمیع ملت یهود را در یک نقطه جمع نماید در سنه ۱۱۷۰ میلادی از
(ساراکوس) حرکت نموده اکثر نقاط کره ارض را ضمن سیر و سیاحت نمودند و در

داخل مملکت چین گشته ملت سفرنامه که حاوی اطلاعات غریبه بوده است
تالیف نموده مندرجات کتاب مذکور حیرت انگیز عموم خلق شده و میل
سیاحت مداین صفحات وقت گرفت

(ثانی) دوم کم جالس سریر سلطنت گردید چون رغبت عموم را مایل بسیاحت
ممالک مجهوله که در باب مکنت و تمولش مؤلفین مطالب عجیب و غریب
روایت کرده اند و کشفیات سواحل افریقا هم بطول انجامید یک مجلس
مخصوصی که مرکب از اطبای مخصوص خودش که در علم هیئت ید طولائی داشتند
امر نمود که آلتی بجهت سهولت مسافرت دریا ایجاد نمایند ایشان با کشتیبانان
ماهر مذاکره نموده پس از مباحثات علمیه اسطرلاب را ایجاد نمودند پس از ایجاد
آلت مذکور (کریستوف کولومب) تصوراتش را بپادشاه عرض نمود و تمنا نمود که پادشاه
برای اجرای تصوراتش لازم بود استدعا و طلب نمود ابتدا شرف حضور پادشاه
را طلب نموده پس از آنکه بشرف حضور پادشاه نایل شد چیزهائیکه مبنی
تصوراتش بود عرض و ایضاح نموده و استدعا نمود ملزومات مسافرتش
مهیا کرده باو بدهند مطالب (کولومب) راجع بیک مجلسی که برای تحقیق کشف ممالک
مجهوله تشکیل شده بود کرد بین مجلس مذکور عرایض (کولومب) را تحقیق نموده
بپادشاه عرض نمودند که جمیع مطالب (کولومب) عبارت از خیالات واهی است پادشاه

ر

رای اهل مجلس را رد نموده مجددا بجهت تحقیق مجلسیکه مرکب از مشاهیر
دانشمندان پرتقال بودند حواله نمودند مجلس مذکور هم عرایض (کولومب)
را رد نموده پادشاه از این مسئله متاسف گردید بعضی از مشاورینش قرار
دادند که محرمانه یک کشتی فرستاده صحت بیانات کولومب را تحقیق نمایند
هرگاه عنوانات او صحت داشته باشد دولت پرتقال بدون تعهد هیچ
تکلیفی از عرایض و فواید بزرگی خواهد برد

قرار مشاورین را پادشاه قبول نموده ظاهرا بجهت تحقیق مطالب (کولومب)
او را بمجلس احضار نمود و نقشه جاتیکه بجهت سیاحتش ترتیب داده بود بمجلس
آورده نقشه جات مذکور بیک (کاپتن) ماهری تسلیم شد امر شد که از روی
آن نقشه جات بسیاحت مبادرت نماید (کاپتن) بعنوان اینکه مامور
از دماغه جزیره سبز میباشد فورا عازم جانب مقصود گردید پس از آنکه از
جزایر مذکور مرور نمود دوچار طوفان شدید گشته با کمال خوف و
وحشت معاودت نموده بیان نمود که جمیع مطالب (کولومب) عبارت از
توهمات خیالیه است (کولومب) از خیالات محرمانه پادشاه مخبر گشته
زیاده از حد متأثر شد حتی روایت است که مجددا برای کشف ممالک جدیده
پادشاه او را دعوت نموده از قبول این مسئله امتناع نموده بجهت طلب معاونت

از دولت دیگر از مملکت پرتقال هجرت نمود

در سنه ۱۴۸۴ میلادی (کولومب) از شهر (لیزبون) محرمانه عزیمت نمود
بروایت بعضی از مورخین عزیمت (کولومب) محرمانه از مملکت مذکور از آن
بابت بوده است که دولت ممانعت ننماید و بروایت برخی دیگر بواسطهٔ عدم
اقتدار ادای دیونش بوده است بهرحال مدت یکسال پس از عزیمتش از
مملکت مذکور بوطنش معاودت نموده تصورات خود را بمجلس اعیان عرض و اظهار
نمود اظهارات او را مجلس مذکور قبول نکرد و بجمهوریت (ونیز) بیان مطلب نمود
جمهوریت مذکور هم بواسطهٔ اغتشاشات داخلی که در مملکتش بظهور رسیده
بود مناسب ندانست که بچنین کار بزرگی اقدام نماید بناء علی ذلک مجدداً به (ژن)
عزیمت نموده پس از آنکه اسباب آسایش پدرش را فراهم نمود بجهت استحصال
مقاصدش از آنجا مفارقت نموده بممالک مختلفه سیاحت نمود حتی
روایت دارند که از برای پیشرفت خیالاتش برادرش (بارتولومئو) را نزد
(هانری) هفتم پادشاه انگلستان فرستاده نتیجه حاصل نکردید

از تاریخ مفارقت (کولومب) از (لیزبون) تا ورودش باسپانیول روایاتیکه
مورخین درباره آن ذکر نموده اند مشکوک و مخالف یکدیگر فقط این فقره محقق
است که در ظرف این مدت (کولومب) دچار فقر و پریشانی شده بوده است

کیفیت احوالش مجهول است بروایت بعضی از مورخین در ظرف مدت مذکور
صح

(فصل سیم)

در مناستر (سانتا ماریا دی لا پیدا) که بنصف میل مسافت دور از بندر و قصبهٔ (پالوس)
که در مملکت اسپانیول واقع است یک روزی دیده شد که یک فقیری با یک
طفل در جلو کلیسای مذکور ایستاده از قاپوچی کلیسا یک قدری آب و نان بجهت طفلش
صدقه طلب نمود پس از چند دقیقه قاپوچی معاودت نموده آب و نانی که طلب نموده
برایش آورد در حینیکه صدقه را از دست قاپوچی میگرفت کشیش اول کلیسا وارد
شده از ناصیهٔ حال (کولومب) درک نمود که این شخص عالی میباشد بدانسبب او
را بکلیسا دعوت نموده فقیر مذکور دعوت او را اجابت نموده به (کلیسا) داخل
شد و شروع بحکایت سرگذشت خودش نموده آخر الامر معلوم شد که آن
فقیر یکه صدقه طلب نموده بود (کولومب) بود کشیش اول کلیسا چون شخص عالم
و بفنون بحریه بیش از سایر فنون اشتغال داشت تصورات (کولومب) را بدقت
استماع نموده و (فرناندز) که از مشاهیر دانشمندان و اخص دوستانش بود نزد خود
طلب نموده ما بین ایشان درباب تصورات (کولومب) بعضی مباحثات فنیه جریان
نمود کشیش مشارالیه تصورات (کولومب) را تصدیق نموده ملاحظه نمود که
هرگاه تصورات مشروحه بموقع اجرا برسد فواید عظیمی بجهت دولت
اسپانیول استحصال خواهد شد بناء علیه به (کولومب) وعده داد که خیالات او

را بپادشاه عرض نموده هرگونه تسهیلات برای پیشرفت مقصودانش بعمل
خواهد اورد کشیش مشار الیه یکزمانی کشیش مخصوص ملکه بوده و مناسبات
نامه که مابین او و ملکه موجود بود ملکه اعتماد کلی بوی داشت و در دربار
(فردیناند) هم با (طالاوه را) چون دوستی کاملی پیدا نموده بود کشیش مذکور یک
قطعه توصیه نامه خطاب به (طالاوه را) درباره (کولومب) تحریر نموده
مقصودات (کولومب) را در ان ضمن درج و توصیه نموده بود که هرگونه معاونت
و معاضدت را درباره اش درخواست نموده سفارش نامهٔ مذکور را به
(کولومب) تسلیم نمود و طفلش را هم بجهت تربیت در مناستر نگاهداشت
(کریستوف) هم شک و شبهه نداشت که توصیه کشیش نتایج حسنه خواهد
بخشید لهذا طفلش را بجهت تربیت در کلیسای مذکور گذارده در سنه ۱۴۸۴
میلادی از روی دستور العمل کشیش بجانب سرای پادشاه حرکت کرد
مستقیما نزد (طالاوه را) رفته سفارش نامه کشیش را رسانید (طالاوه را)
اگرچه بموجب توصیه نامه مذکور مایل بود که معاونتی به (کولومب) نماید
ولی مقصودات (کولومب) را فرض محال پنداشته بدان درجه که (کولومب) امید
داشت بوی معاونت ننمود . از یکطرف (طالاوه را) معاونت لازمه را
درباره اش بعمل نیاورد و از طرف دیگر از لباس کهنه پوشیدن بوی چون حالت

فقرش

فقرش از او ظاهر بود هر کس بی اعتنائی باو نظر مینمود (کولومب) خیلی مضطرب
شده بود یکی از اسباب مهمه تاخیر امورات (کولومب) هم این بود که انزمان
دولت اسپانیول مشغول بعضی غوایل داخلیه بود (کولومب) هنگامیکه وارد
انجا شد وضع سرای سلطنتی مثل یک اردوگاه بود پادشاه اسپانیول بضبط و
محاصرهٔ (مالاگا) رفته ملکه در شهر (کوردوا) مشغول انتظامات امور مملکت و
روانه کردن عسکر بود (طالاوه را) هم چون مستشار (فردیناند) بود در میان
اینهمه مشاغل ممکن نبود که بامور مخصوصه (کولومب) بپردازد و اشکال
داشت در ان حین عرایض و مطالب (کولومب) را بسمع پادشاه برساند (کولومب)
هم مجبور شد که در انجا منتظر زمان مساعدی باشد و در مدت اقامتش در شهر
(کوردوا) امر معاشش بواسطه ترسیم نقشه جات میگذشت
در ظرف مدت مذکور با بعضی اشخاص معتبر مثل (النزو دی کنتانیلا) و (الکساندر گرالدینی)
که وکیل پاپ بود اشنائی پیدا نموده همگی درایت و استعداد (کولومب) را
تصدیق نموده مقصودانش را قبول نمودند بواسطه سفارشات و حمایت ایشان
در حضور کشیش اول (تولدو) و (کاردینال) بزرگ (مندوزو کونزالس) قبول
شد (مندوزو کونزالس) بدرجه طرف اطمینان فردیناند واقع شده بود که در هر امری
رای او را قبول مینمود و بحدی با اقتدار بود که پادشاه سیم مینامیدندش در علوم

و فنون ید طولائی داشت ولی در علم هیئت اطلاعاتش کامل بود و تصورات (کولومب)
هم در باب کرهٔ ارض چون مطابق کره کتب سماوی بود بدایت امر تصورات (کولومب)
را حسن تلقی ننمود ولی چون شخص عالی بود در باب یک مسئله فکر یکه حاصل نمود
بود بی اساس بودنش را پس از آنکه درک مینمود عادتش این بود که تصحیح فکر نماید
تصورات (کولومب) را همینکه فهمید بیجا اساس مستند است از رای سابق خود
انحراف ورزید تصورات (کولومب) را تصدیق نموده وعده هر گونه معاونت
را به (کولومب) داد پس از مدتی توسط نموده (کولومب) بحضور (فردیناند) پادشاه اسپانیول
و (ایزابل) ملکه نایل شود این مطلب قبول شده تصورات خود را مفصلاً عرض نمود
پادشاه عرایض (کولومب) را بدقت استماع نموده مناسب دید که این مسئله را
بیک مجلس مرکب از مشاهیر حکما و منجمین مملکت بجهت تحقیق حواله نماید
و تشکیل مجلس مذکور بعهده (طالاورا) محول شد

در ایالت (سالامانکا) در کلیسای (سنت اتین) مجلس مذکور منعقد گشته (کولومب)
بدانجا دعوت شد در آن زمان نفوذ صنف رهبانان در هر خصوص چون غالب
بود اکثر خدمات کشوری و امور درباری و معلمی مدارس راجع برهبانان
بود علاوه بر این کتب و رسایل راجع بعلوم و فنون در کلیساها مضبوط بود
بناء علیه بجهت تحقیق معروضات کولومب در (سالامانکا) مجلس مرکب از اشخاص

مشهوره

مشهوره که در علم جغرافی و ریاضیات و نجوم و غیره ماهر بودند و اکثر اینها از
کشیشها بودند تشکیل گشته در حضور اعلم علمای اسپانیول (کرینوف) ادله و
براهین تصورات خود را ملبساً فی عرض و بیان نمود کشیشهای کلیسای (سنت اتین)
چون از سایرین عالمتر بودند با کمال دقت بیانات (کولومب) را استماع نمودند اعضای
سایر مجلس فوراً ایما نمودند که در صدد رد عرایض (کولومب) برآیند و اعتراضات
ایشان عبارت از این بود که میگفت تا کنون چندین حکیم شکل کرهٔ ارض را
تحقیق نموده هزاران هزار کشیش اطراف و اکناف جهان را سیاحت نموده در
باب اراضی مجهوله مطلبی اظهار نداشتند در این صورت خیالات مثل (کریستوف)
آدم بی اهمیتی صحیح پنداشتن شرط عقل نمی باشد ای اکثر اعضای مجلس که
عبارت از رای کشیشها بود تصورات (کولومب) را تصدیق نکردند علاوه بر
این اظهار نمودند که بیانات (کولومب) مخالف قواعد مذهبی است و بجهت ثبوت
آن بعضی فقرات از کتب مقدسه استنساخ نموده مغایر بودن اظهارات
(کولومب) را بقواعد دین اثبات نمودند بخصوص در باب (انتیپود) بدرجه کشیش
خشمناک شد که در مجلس بیان نمود آیا بهیچوجه از این مسئله اگر موجود است که
تصور نمائیم (انتیپود) موجود است یعنی آدمهائی هستند که پاهایشان در مقابل
پاهای ما و سرهای ایشان سرازیر بطرف دیگر بوده اطراف کرهٔ ارض وضعیت هر

چیزی بعکس و ضعیف نصف کره ما باشد تصور کرویت شکل ارض باعث این
شده است که انبود را قبول نمائیم حکما در خیالیکه دارای رای مفید هستند
بجهت ثبوت مدعا بعضی قواعد غیر صحیحه هم اجرا مینمایند] ملت راهب بکرات در
باب عدم صحت مسئله (انتیپود) بعضی دلایل اورده که عبارت از ... میگفتند (انتیپود)
را قبول نمودن مثل اینستکه مذهب کاتولیک را انکار نمائیم زیرا که اگر باور کنیم که
در انطرف کره ارض بعضی اراضی مسکونه موجود است غیر از سلاله حضرت
ادم لازم است مخلوقی موجود باشد بجهت انکه ملل مذکور غیر ممکن است که
بتوانند از بحر محیط عبور نمایند حال انکه در کتب مقدسه ذکر شده
که ابو البشر حضرت ادم است] و بعضی اعضای مجلس کرویت شکل ارض را تصدیق
نموده ولی بیان دیگر ادعا نمودند که در انطرف کره ارض حرارت شدیدی
موجود است و از این نصف کره بنصف کره دیگر رفتن لااقل سه سال قطع
مسافت لازم است و بعضی دیگر ادعا نمودند که اگر کشتی بسمت هندوستان
حرکت نماید غیر ممکن است که بتواند بمحل عزیمت مراجعت نماید
در مقابل مطالب (کولومب) اعتراضاتیکه نمودند عبارت از این بود که ذکر شد ولی
(کولومب) در باب مطالب خود استادگی نموده بجهت تماشای اعضای مجلس و ازالهٔ
اشتباهات تحقیقات علمی نمود لا بلکه برای اثبات مطلب بیان مینمود بجدی

مقنع

مقنع و بدرجه فصیح بود که بعضی از اعضای مجلس تبدیل فکر نموده تصورات (کولومب)
را مصدق نمودند در میان اشخاصیکه تبدیل فکر نموده بودند یکی از رهبانان
(سن دومنیک) (دیکو دی دوزا) بود این شخص در کلیسای (سان استبن) معلم علم کلام بود در ازمان
مراتب عالیهٔ روحانی برقرار و بجهت ترویج اظهارات (کولومب) استادگی قوی
نموده بواسطهٔ اشتعال نائره فساد داخله اسپانیول مذاکرات مجلس مذکور تعطیل شد
بمرور ایام بر (کولومب) زندگی دشوار گشته بجهت انکه انها تکبر [illegible]
بودند بعضی اراجیف انتشار میدادند برخی (کولومب) را دیوانه تصور مینمودند
و قسم دیگر شخص بی پای میپنداشتند اخر الامر کار (کولومب) بیچاره بجائی کشید
که در کوچه و بازار اطفال بمجرد دیدن او دست به پیشانی خود گذارده مقصود شان
از این اشارت این بود که علامت جنون او را بنمایند (کولومب) با کمال صبر انحالات
را تحمل میکرد و بواسطهٔ نقشه کشی مدار معیشت میگذرانید گاهی از طرف
(دیکو دی دوزا) باو معاونت میشد و چون (دوک دو مدینا سیلی) درباره اش توجه داشت

از او هم خیلی معاونت به (کولومب) میرسید
اگر چه پادشاه با موافقت (کولومب) نتوانست بپردازد ولی گاهی او را بسرای
دعوت نموده با انعام احسان مینمود اغتشاشات داخله تا یکسال دوام
نموده در ظرف این مدت از هر طرف معاونت نقدیه بدو رسید چندان هم

ضرورت نمیکشید منتظر یک زمان مساعدی بود که به نتیجه علی سپرد از ند در سنه ۱۴۸۸
میلادی (ژان) دوم پادشاه پرتغال (کولومب) را دعوت نموده (کولومب) به بیان
بعضی معاذیر مقبوله نمود دعوت او را اجابت نکرد در سنه ۱۴۸۹ میلادی پادشاه
و ملکه اسپانیول به (ردینادل کامپو) رفته در آنجا سفرهائیکه از طرف (هانری) هفتم
پادشاه انگلستان فرستاده شده بود قبول نموده و بواسطه ایشان پس از آنکه با
دولت انگلیس عقد اتفاق نمودند بشهر (کوردو) و از آنجا بشهر (سویل) رفتند در شهر
(سویل) عقد ازدواج (پرنسس) ایزابل با ولیعهد دولت پرتغال (دون الونزو) چون مقرر
بود در آنجا هم بامراسم ازدواج پرداخته بدان مناسبت چندین ماه پس از آنکه
بشهر اختتام دادند بواسطه دوام عوایل داخلیه سرای سلطنتی بامورات
عدم پرداخته (کریستوف) در این طول مدت همه را بانتظار بسر میبرد

(فصل چهارم)

در سنه ۱۴۹۱ میلادی بجهت اینکه بمسند عنایات (کولومب) ملت فرادی بد هند مجددا
بحضور امپراطور رفته با وجود اینکه (فردیناند) بجهت کارهای مهمه منتهی عزیمت (وکال)
بود بجهت تحقیق عرایض (کولومب) (طالاورا) احضار نموده نتیجهٔ مذاکرات مجلس را
سؤال نمود (فردیناند) جواب عرض نمود که اکثریت آرای مجلس بر اینستکه تصورات
(کولومب) بی اساس است و فریب این گونه تصورات را خوردن موافق مصلحت نیست

ع

مع ذلک پادشاه و ملکه اسپانیول چون نمیخواستند که از تصورات (کولومب) دست بکشند
جواب دادند که پس از رفع اغتشاش داخله برای (کولومب) تکلیف مشخص خواهند نمود
جواب پادشاه را (کولومب) حمل بطفره نموده قطع امید نمود که تصوراتش معرض قبول
نیامد ولی سالها چون در اسپانیول اقامت نموده بود مفارقت از آنجا بنظرش
خیلی اشکال داشت مع ذلک در هر دقیقه سعی میکرد و بوسائل مختلفه اسباب
فراهم می نمود در اجرای خیالاتش پس از مدتی با (دوک دو مدینا سیدونیا) آشنائی پیدا
نموده چون فهمید که از طرف آن بتصوراتش معاونت خواهد شد خیالاتش
را باو عرض و اظهار نمود

(مدینا سیدونیا) از اعاظم (سینورهای) اسپانیول بوده معاونتیکه (کولومب) از
او منتظر بود اقتدار اجرای آن را داشت (سینور) مشار الیه در باب تصورات
(کولومب) تحقیقات لازمه بعمل آورده همینکه فهمید که خیالاتش با اساس است
اطمینان هر گونه معاونتی را به (کولومب) داد

ولی پس از اندک مدتی تأملی چون ملاحظه نمود که تابع دولت اسپانیول میباشد
شخصا اقدام بامورات (کولومب) منافی با سمت تابعیتش است لهذا این کیفیت
را به (کولومب) اظهار نموده همینقدر بدو وعده داد که در حضور پادشاه توسط
او را خواهد نمود در آن اثنا پادشاه فرانسه کاغذی به (کولومب) نوشته (دکولومب)

را بفرانسه دعوت نمود

از روز مفارقت (کولومب) تا مراجعتش بکلیسای مذکور مدت شش سال کذشته بود کشیش اول کلیسا از ملاقات (کولومب) خیلی اظهار امتنان نمود و فقط چون در عملش هیچ کونه اصلاح و همراهی نشده بود زیاده از حد متأسف شد و علت خوشنودی کشیش مذکور از بابت این بود که تصورات (کولومب) هر کاه بموقع اجرا برسد دولت اسپانیول از منافع بی پایانی محروم خواهد ماند لهذا بجهت اینکه یک چارهٔ برای پیشرفت کار او پیدا نماید بدریای فکر و رفته (فرناندز کارسیا) و یکی از دوستانش که در شهر (پالوس) بودند و از فنون بحریه اطلاعات کاملی داشتند بکلیسا دعوت نمود اشخاص مشار الیهما با کشیش مذکور و (کولومب) در باب پیشرفت تصورات (کولومب) بعضی مذاکرات در میان آورده قرار براین دادند که کیفیت را مجدداً (کولومب) بملکه عرض نماید و (داربنوالنزو) در عهده کرفت که هر کونه معاونتی در بر (کولومب) بنماید کشیش مشار الیه حسب القرار مجلس یک عریضهٔ توصیه نامه در بارهٔ (کولومب) بملکه عرض نموده و بر (کولومب) توصیه نمود که آن عریضه را تقدیم نموده تا جوابی نرسد بهیچ کار اقدام ننماید

بجهت ارسال عریضهٔ مذکور یک شخص امینی بحری نموده آخر الامر از اهالی شهر (پالوس) به (سواستیانو رودریکز) که از هر جهت امنیت بدو داشتند عریضه را بدو دادند که

بملکه

بملکه برساند . در آن اثنا چون ملکه در قلعه (سانتافه) که در شهر (کرانا) واقع است اقامه داشت (سواستیانو) عریضه را بدانجا برده بیک وسیله بملکه تقدیم نمود ملکه اساساً چون مایل بود که به (کولومب) همراهی نماید و (دودیناسا) هم بر حسب عادت خودش طرفداری از (کولومب) نموده ملکه کشیش مشار الیه را احضار نموده و امر نمود تا ورود او مراتب (کولومب) در کلیسا بماند

دستخط ملکه پس از چهارده روز بتوسط (سواستیانو) بکلیسا آورده کشته اشعارات ملکه موجب مسرت عموم کردید کشیش مذکور فوراً مهیای عزیمت کشته نصف شب از کلیسا بیرون آمده بقلعه (سانتافه) عزیمت نمود پس از ورود بدانجا بواسطهٔ سمت روحانیتیکه داشت فوراً بحضور ملکه باریافت چنانچه سابقاً ذکر شد کشیش اول کلیسا چون معروف ملکه بود تصورات (کولومب) را مشروحاً عرض و بیان نمود و در ضمن محسنات و فواید یکه از سیاحت و کشفیات (کولومب) بدولت اسپانیول عاید خواهد شد عرض نمود ملکه اهمیت بیانات و عرایض کشیش را درک نموده بجهت اینکه در این باب یک قراری داده شود (کولومب) را نزد خودش خواست و از پریشانی (کولومب) مستحضر شد بجهت امور معیشتش از مسکوکات اسپانیول بیست عدد (ماراوادی) باو انعام احسان نمود مبلغ مذکور را با یک کاغذی کشیش مشار الیه نزد (فرناندز) فرستاده او هم

به (کولومب) اینبلغ را داد (کولومب) را روانه حضور ملکه نمود هنگام ورود (کولومب)
بسرای سلطنتی اگرچه حسن پذیرائی از او نمودند ولی در آن اثنا بمناسبت انجام
بعضی امورات مهمه عموما مشغول این شهر بودند و باظهارات او دقتی نکرده بلکه بجهت
(کریستوف) زیاده از حد متاثر گشته هر کس در حالتیکه بمسرت عموم اشتراک مینمود
(کولومب) در هر جا مشغول بفکر حال خودش بود حتی در اینباب یکی از مورخین
اسپانیول نوشته است که [در آن زمان در سرای سلطنتی یک آدم غیر معروفی در
گوشهٔ دیوانخانه نشسته بدریای فکر فرو رفته در حین این دستین شهر و سرود
عامه با کمال یاس این شهر را بنظر اکراه نگاه مینمود]

آخر الامر پس از مدتی اجل انتظار (کولومب) منقضی گشته پادشاه اسپانیول و ملکه
مجدداً مطالب (کولومب) را عودرسی کرده پس از آنکه صحت اظهارات او را تصدیق
نمودند بطور رسمی بنای مشاوره با (کولومب) گذاردند در میان وکلا (فردیناند) طالاوه را
هم در میان مشاورین حاضر بود (کولومب) در مجلس اظهار داشت که ممالکیکه کشف
خواهد نمود نسبت (ویسرواتی) و امیرالبحاری قرار گشته منافعیکه از آنجا استحصال
خواهد نمود عشر مقدارش عاید بخودش باشد وکیلهای (فردیناند) چون مشاهده
نمودند که امتیازاتیکه (کولومب) خواسته بود از امتیازات خودشان عالی تر
بود بنظر استخفاف بر (کولومب) نظر نموده در باب مطالب او بعضی اشکالات در میان آوردند

ازانجمله

ازانجمله بجهت رد مطالب او اظهار نمودند که در صورتیکه (کولومب) در بنا دی متحمل
مخارج این سیاحت نمیشود چگونه جایز است که عشر مقدار منافع ممالک مکشوفه
باو واگذار گردد (کولومب) جواب داد که سدس مخارجیکه بجهت اجرای این سیاحت
لازم است خود شخصه خواهد گرفت بشرط اینکه منافعیکه از آنجا استحصال
خواهد شد سدس مقدارش عاید بخودش باشد اینمسئله را ایشان قبول
ننموده (کولومب) در حالتیکه سالها (بفردیناند طالاوه را) التجا آورده بجهت ترویج
تصوراتش مکرر از او استمداد نموده بود حال امتیاز اینکه طلب نموده
نزدیک بمقام سلطنت بود این فقره باعث نفرت (طالاوه را) گردیده بحضور
ملکه رفته عرض نمود که امتیازاتیکه (کولومب) طلب مینماید هرگاه باو داده شود
دولت اسپانیول مثل آنست که از طرف یک شخص بی پائی مصادره گردد
علاوه براین تصوراتش هرگاه بموقع اجرا نرسد این همه امتیاز بچنین شخصی
دادن باعث این خواهد بود که مردم در بارهٔ پادشاه بدگمان شوند
(طالاوه را) بدین بیانات ملکه را قانع نمود و خواهشهای (کولومب) را در
حضور ملکه رد نمود ملکه چون نمیخواست که (کولومب) را بکلی مایوس نماید امر
نمود که شرایطیکه (کولومب) طلب نموده است جزئی تعدیل نماید (کریستوف)
راضی بدین مطلب نگشته مشاورات معطل شد از روزیکه داعیه کشف امریکا

بسرش افتاده بود بجهت ترویج تصوراتش اقدام نماید و مقابل اینهمه مشکلات و
صدمات تحمل آورد حقیقةً شایان حیرت و موجب تعجب است از وقتیکه
بناآنرا به (پاولو طوسکانلی) اظهار نمود تا زمان انقطاع مشاورات مدت هیجده سال
طول کشید در ظرف این مدت طولانی هر گونه اشکالات ثابت نموده اصلاً
یأس حاصل ننمود از این کیفیت معلوم میشود تا چه درجه تصوراتش را مقرون
بصحت میدانست از همه عزیب تر با وجود فقر و پریشانی که دچار بود چون
اهمیت کشف امریکا را ملتفت نموده بود ابداً بجرح و تعدیل آن راضی نشد
خلاصه (کریستوف) طلب معاونت از دولت دیگران نمودن هنر از قبول جرح و تعدیل
امتیازاتیکه طلب نموده بود دانسته در سنه ۱۴۹۲ میلادی از (سانتافه)
پس از وداع با دوستان مفارقت نموده متهیئ عزیمت فرانسه گردید

(فصل پنجم)

مدتی قلیلی که در اواخر دوستانش باعث مانع بود از عزیمت (کولومب)
متأثر گشته چون تفکر نمودند که از عدم پیشرفت مقاصد (کولومب)
خسارت و ضرر عظیمی بدولت اسپانیول وارد میشود یکی از دوستانش
موسوم به (سانتانگلو) که در (ارا گونا) تحویلدار موقوفات مناسترها بود
با (الزنودی کنتانیلا) بحضور ملکه رفته فواید یکه از کشفیات (کولومب) بدولت

اسپانیول

اسپانیول عاید خواهد شد عرض و ایضاح نمودند و مخارج این کشفیات را هم
سیصد هزار (کورون) که آنزمان از مسکوکات اسپانیول بوده است با دو قطعه
کشتی تخمین نمودند (الزنودی کنتانیلا) بیانات (سانتانگلو) را تصدیق نموده
(مارکیزدی موبیا) هم جهد وافری در خصوص اجرای مقاصد (کولومب) بعمل آورد
آخر الامر ملکه شرایط مذکوره را قبول نموده موافقت بمعاونت (کولومب)
نمود ولی دولت اسپانیول چون بجهت عوایل داخلیه مخارج جنگیه متحمل شده
بود با مور مالیه اسپانیول تنگی کلی بزرگی وارد شده بود چنین کاری
بنود (فردیناند) مناسب ندانست که اقدام بچنین کاری نماید
(سانتانگلو) در مقابل بیانات (فردیناند) عرض نمود که نخواهیکه بجهت
اجرای این سیاحت طلب نموده است خیلی جزئی و فواید یکه در مقابل
آن مصرف جزئی حاصل خواهد شد کلی خواهد بود علاوه بر این ممالک
مجهوله بنام دولت اسپانیول کشف گشته خاندان سلطنت اسپانیول
یک شهرت عظیمی احراز خواهند نمود پس از این بیانات ملکه جواب داد
[وسایط اجرای این کشفیات را من خواهم داد و بجهت تهیه نخواه لازمه
جواهرات خود را رهن خواهم گذاشت] جواب ملکه دلالت بعلو
طبع او نموده از آن روز نام شرف کشف امریکا در تواریخ مشهود شد

(سانتانلکو) از این جواب خیلی ممنون شد پس از بیان تشکر عرض نمود تنخواه لازمه
را در عهده خواهد گرفت و هفتهزار (فلورین) بپادشاه قرض داده ملکه
فوراً یکسوار بجهت آوردن (کولومب) فرستاد

(کریستوف) بجهت عزیمت بفرانسه به (کوردوا) رفته سوار مذکور در محل
باو رسید امر و ارادهٔ ملکه را باو تبلیغ نموده (کولومب) ابتداء محض اینکه
مبادا تصوراتش با خیر بیافتد مردد ماند پس از آن چون فهمید که ملکه
در باب این تعهد قطعی نموده است فوراً به (سانتافه) عودت نمود
ورود به آنجا از رفتار مرحمت آمیز ملکه در ظرف این مدت صدماتیکه باو وارد
آمده بود بکلی فراموش نمود از بابت مساعدت و ملکه بیانات کرده (کولومب)
مسرور گشته عرض تشکر نمود

پس از آنکه هر نوع مشکلات برطرف شد در باب حقوق و امتیازاتیکه بر موجب
مقاوله نامهٔ مخصوص که در اینجا ذکر میشود (دی کولوما) مأمور تحریر آن گردید

مواد مندرجهٔ مقاوله نامهٔ مذکوره

۱) امیرالبحرک در ایالت کاستیل هر حقوق و امتیازاتیکه دارا میباشد
ممالکیکه در بحر محیط کشف خواهد نمود بعین همان امتیازات را (کولومب)
در ایالات ممالک مکشوفه دارا خواهد بود و این امتیازات مادام الحیوة راجع

بخودش

بخودش بوده پس از وفاتش بورثه اش انتقال خواهد نمود
۲) ممالکیکه کشف خواهد نمود در تحت ادارهٔ (کولومب) بوده بسمت (ویس روا)
برقرار خواهد بود و بجهت اداره هر ایالت و یا جزیره سه نفر مأمور معین گشته
یکی از طرف (کولومب) و یکی از طرف (فردینان) دیگری از طرف ملکه خواهد بود
۳) منافعیکه از ممالک مکشوفه استحصال میشود عشر مقدارش تعلق به (کولومب)
خواهد داشت
۴) منازعاتیکه در خصوص تجارت و غیره در ممالک مکشوفه ظهور خواهد
رسید از طرف (کولومب) بر نایب مناسب و قطع و فصل باید بشود
۵) مخارجیکه بجهت کشف ممالک مجهوله لازم است سدس مقدارش
در صورتیکه (کولومب) در عهده بگیرد سدس مقدار منافع مستحصله تعلق
به (کولومب) خواهد داشت

مقاوله نامهٔ مذکور در سنه ۱۴۹۲ در شهر (سانتافه) از طرف فردیناند و ملکه
امضا کرده شد

این فقره هم در مقاوله نامهٔ مذکور علاوه شد که سلالهٔ (کولومب)
عنوان دون که در آن زمان بخانواده های بزرگ داده میشد دارا باشند
ایزابل چون ملکه ایالت (کاستیل) بود در مقاوله نامهٔ مذکور حسب الامر

ملکه تصریح شد که اهالی پالت (کاستیل) حق توطن در ممالک مکشوفه خواهند داشت
اهالی سایر ولایات هرگاه خواسته باشند در ممالک مکشوفه توطن نمایند
بموجب امر و اجازهٔ مخصوصه ملکه خواهد بود

والحاصل مقاوله بعد الانتهاء امر شد که در مدت ده روز در بندر (پالوس)
دو دستگاه کشتی از جنس (ورش) تدارک کشته و یکدستگاه هم از جنس (کارولا)
بخودش اجازه داده شد که تدارک کرده

علاوه بران قرار بر این شد که معاش عملجات معادل عملجاتیکه در سفائن
حربیه مستخدم‌اند باشد و عملجات کشتی کلیتاً مطیع منفای امر (کولومب) باشند
ماکولات و ادوات لازمهٔ ایشان را قرار شد که دایرهٔ مجربهٔ (کاستیل) تدارک
نماید از عملجات وغیره هرگاه مستوجب جزاء یک فعلی از ایشان بروز نماید
و برای پسر (کولومب) هم در مدت عمر یک معاش معلومی مقرر نموده ملتزم خدمت
ولیعهد نمودند . (کولومب) پس از این همه زحمت و مشقت بیست
پنجاه سالگی بمقصدش نایل کردید

— (فصل ششم) —

(کریستوف) از مراحم والطافیکه نایل شده بود عرض تشکر و محمدت نموده و
مستفیضاً بجانب مناستر (سان راپیدادی فلوریا) عزیمت نموده کنیش اول کلیسا

ازحسن

ازحسن انجام امال (کولومب) بیان ممنونیت نموده و تا ختام تدارکات سفر
اورا در مناستر مهمان نموده پذیرائی کاملی درباره‌اش بجای آورد
حسب الامر (فردیناند) بتدارک کشتیها مباشرت کرده از اقدامات کشیش
مشارالیه در اندک مدتی تدارکات سفر ختام یافت
در سنه ۱۴۹۲ میلادی در اواخر تابستان اعمال کشتیها ختام یافت اولی را
(سانتا ماریا) دومین را (پینتا) وسیمی را (نینا) نام نهادند
کشتی اول را بجهت رکوب خود شد و دومی را بجهت (مارتین الونزو پینزون) وسیمی را
بجهت (ویسنت یانیز پینزون) تخصیص نموده و بجهت هر کس یک هادی و برای هر سه
انها یک مفتش تعیین نموده و عملجاتیکه همراه داشت عبارت از یک منشی
و یک طبیب یک جراح و نود نفر عمله و چند نفر خدمه که من حیث
المجموع یکصد و هشت نفر بودند پس از ختام تدارکات سفر در کلیسا رفته
بجهت توفیق مسافرین دعای واجب الاداء حضرت ذوالجلال را بجای آورده
پس از آن با کشیش مذکور وداع نموده بقصبه (پالوس) عزیمت نمود
در آنجا شهر آئین کاملی اجراء نموده بکشتیها نشسته بجانب مقصود شتافتند
(کولومب) بجهت قید و ثبت وقایع یک روزنامه ترتیب داده یک نقشه
منتظمی هم همراه برداشت (کولومب) با کمال مسرت مشغول سوق و حرکت

کشتیها کردیم خط سواحلش چون خیلی طولانی بود از تشکی مسافرین تا
یکدرجه مخوف بود . روز سیم سیاحت سکان کشتی (پینتا) شکسته
این کیفیت را عملجات دلیل شئامت شمرده مابینشان قیل و قال برخواسته
شد در این حین باد شدید وزید و آب داخل کشتی مذکور گشته روزکار
بر (کولومب) تلخ شد بجهت تبدیل این کشتی بکشتی دیگر قرار داد که بجزیرهٔ کاناری
برود صاحب منصبان کشتی مدعی شدند که بواسطهٔ بعد مسافت بدانجا
نخواهند رسید (کولومب) بخیالات باطلهٔ ایشان اعتنائی ننموده عنان عزیمت
را بدانطرف معطوف داشته پس از مدتی بجزایر مذکور رسید و عموما
بالمجبوریه صحت حدس و تخمینات (کولومب) را تصدیق نمودند سه هفته
در جزیرهٔ کاناری توقف نموده بجای کشتی (پینتا) یک کشتی دیگر تجسس نموده
چون بدانمسئله موفق نگردید همان کشتی را تعمیر نموده زمانیکه مابین
جزایر مذکور بودند از یک (ولکان) آتش و علو بیرون آمد عملجات از
در مشاهدهٔ فوران (ولکان) خوف نمودند این کیفیت را حمل به بدبختی نمودند
باب ولکان چون (کولومب) اطلاع کاملی داشت در این باب بعضی بیانات و
ایضاحات نموده و (ولکان) (اتنا) را مثال اراء نمود قیل و قال آنان را تسکین نمود
از جزیرهٔ مذکور بجزیرهٔ گومرا حرکت نموده از انجا در حینیکه اب و هوا

بطرف

میکرفت از جزیرهٔ (فرو) یک کشتی ورود نموده از قرار اخبارات آن معلوم شد
که سه کشتی دولت پرتغال بضبط کشتیهای (کولومب) مامور شده اند (کریستوف)
چون از انجا فرار کرده بود این مسئله را صحیح پنداشته از جزیرهٔ (گومرا) فورا
حرکت کرد فقط چون باد نمیوزید با کمال صعوبت کشتیها جلو رفته در مدت
سه روز بیک مسافتیکه چندان دور از جزیرهٔ (گومرا) نبود رسیدند
روز نهم ماه ایلول رومی باخرین جزایر (فرو) رسیدند در انجا هم کشتیهای
پرتغال چون دیده نمیشد (کریستوف) خود را معرض خطر پنداشته خیلی
مضطرب بود از الطاف الهی در این حین باد شدید وزیدن گرفته کشتیهای
(کولومب) مسافت زیادی می پیمودند و تا غروب آن روز بیک مسافتیکه
هیچ جزیره دیده نمیشد رسیدند
در وسط بحر محیط در حالتیکه هیچ خشکی دیده نمیشد عملجات بگمان
اینکه در این بحر بی پایان غرق و تلف خواهند شد بگریستن آغاز نمودند
و فریاد و فغان نموده استدعای رجعت با سپانیول را نمودند (کریستوف)
هر یک را بنوعی تسلی داده هیجان ایشان را تسکین نموده و بنا خداها امر داد
پس از آنکه هفت صد ساعت قطع مسافت نمودند در هر نقطهٔ که باشند و لو
که شب هم باشد در آن نقطه کشتیها را توقیف نمایند مقصود از توقیف کشتیها

این بود که خشکی را در اینجا می پنداشت

(کولومب) دو روزنامه در دست داشت یکی محرمانه بود که مسافاتیکه قطع مینمود مقدار حقیقی آنها را در آن قید میکرد و یک روزنامهٔ دیگر مسافاتیکه قطع میشد نقصان در آن اراءه مینمود . در طرف غرب جزیرهٔ (فرو) یک دیرکی مشاهده گشته عملجات از مشاهده آن باندیشه و تلاش افتادند مع ذلک پیوسته بسیاحت اشتغال نموده بدویست ساعتی جزیرهٔ (فرو) که رسیدند ابرهٔ قطب نما پنج شش درجه از طرف شمال انحراف نموده فردای آن روز انحراف زیاده گشته کشتیها هرچه پیشتر میرفتند انحراف قطب نما بیشتر میشد .

انحراف ابرهٔ قطب تا آن زمان بر سیاحین مجهول بوده (کریستوف) هم دفعهٔ اول بود که چنین حال را مشاهده نموده بود تصور نمود هرگاه عملجات را از این کیفیت مخبر سازد باعث قیل و قال خواهد شد بناء علیه در این باب چیزی اظهار ننمود تا خداهای کشتی این حال را مشاهده نموده در آن حین استقامت ابرهٔ مقناطیس بکلی تغییر نمود صاحب منصبان کشتی از این فقره خیلی مشوش گشته (کولومب) بعضی ایضاحات علمی نموده صاحب منصبان را از هیجان تسکین نمود ایشان چون میدانستند که (کولومب) در علم هیئت

ماهر است

ماهر است به بیاناتش اطمینان کلی داشتند یک روز یک واقعهٔ دیگر ظهور نموده اهالی کشتی خوشوقت شدند واقعهٔ مذکور عبارت از این بود که یکنوع مرغیکه معتادش نبود از ساحل چندان دور شود در آن حین دیده شد اهالی کشتی از دیدن این مرغ استدلال نزدیک بودن بخشکی را نمودند هوا هم خیلی معتدل بوده فقط گاه گاهی باران میبارید کشتیها همه روزه مسافات زیادی قطع مینمود ولی (کولومب) مسافاتیکه قطع میشد پیوسته نقصان اشارت مینمود پس از چند روزی در روی دریا بعضی نباتات دیده شد در آن حال یکنوع مرغیکه در دریا عادت سکنا نداشت مشاهده گردید یکنوع ماهی اطراف کشتیها احاطه نموده و حتی از عملجات سفینهٔ (پینتا) یک ماهی گرفتند عملجات کشتی در انجا خشکی را تصور نموده کشتیها را با کمال مسرت بسیاحت مشغول بودند پس از مدتی در طرف شمال یک ابر بزرگی مشاهده گشته عملجات در انجا خشکی را تصور نموده کشتیها را بدان طرف سوق نمایند خواستند (کولومب) چون بطلان خیالات ایشان را میدانست بطرفیکه میدانست کشتیها را سوق نمود . فردای آن روز باران باریدن گرفت یکنوع مرغ که بیشتر از بیست میل مسافت از ساحل دور نمیشد در روی دیرک کشتیها نشسته (کریستوف) حتما یقین حاصل نمود که نزدیک بخشکی میباشد با یک طناب درست مطری عمق دریا را تجسس نموده بقعر دریا نرسید

(کریستوف) هر روزه مسافتی قطع میشد اگرچه نقصان اشارت مینمود ولی عملجات
مکرراً باندیشه و تلاش افتاده و مشاهده بعضی علامات نزدیک بودن خشکی
اگرچه لازم بود که تسکین هیجان ایشان نماید ولی دائماً چون از طرف شرق باد میوزید
مسافرین گمان میکردند بخشکی هیچ وقت نمیرسند بواسطه وزیدن استقامت باد مراجعت
بوطنشان غیر ممکن خواهد بود

(کریستوف) با کمال صبر و تحمل هیجان ایشان را تسکین نموده بادها از طرف شرق شروع
بوزیدن نمود اگرچه استقامت باد مخالف استقامت حرکت کشتیها بود ولی
چون باعث بطلان فکر عملجات بود چندان سوء تاثیر ننمود

مرغان بادی در وزها در روی دکل کشتی نشسته میخواندند از صوت این مرغان
معلوم بود که خسته نمیباشند عملجات چنین تصور مینمودند که بخشکی نزدیک
شده اند و نباتات بادی در روی دریا مشاهده گشته بعضی عملجات کشتی
دیده بودند که در جوار بحر محیط شمالی در وسط دریا نباتات زیادی موجود است
لهذا خود را در انجا پیدا شده و یقین کرده اند که همگی در ورطه هلاک خواهند
افتاد و بعضی دیگر میگفتند که این علفها دلالت بر این مینماید سنگهای
بسیاری در انجا موجود و کشتیها با آنها مصادمه نموده غرق خواهند شد
(کریستوف) بعضی دلایل هرچه خواست هیجان ایشان را تسکین نماید ممکن نشد در

حالتیکه

حالتیکه آنان تلاش و هیجان عملجات زیادتر میشد یک نوع ماهی معروف
به (بالن) در انجا مشاهده گشته (کریستوف) بمحض مشاهده ماهی شرح و بیان
نمود که این ماهی همیشه در جوار ساحل دیده میشود بنا علیه بدلایل متعدده
عملجات را قانع نموده یک دفعه دیگر هیجان ایشان را تسکین نموده مدتی چون
دریا ساکن شده ابدا موج دیده نمیشد در میان عملجات باهم قیل و قال
برخواسته شد

این دفعه هرچه (کولومب) سعی نمود که عملجات را ساکت نماید امکان پیدا نکرد
اخرالامر دریا متلاطم گشته بعضی امواج دیده شد از این مسئله خیلی خوش
وقت شده بدین وسیله دفع هیجان عملجات را نمود

(فصل هفتم)

(کولومب) در مقابل انواع مشکلات پیوسته مشغول سیاحت گشته
عملجات اعتماد بقول (کولومب) کرده بجهت مشاهده خشکی همیشه بطرف
غرب نظر میکردند هر دفعه دلیل نزدیک بودن بخشکی تصور نموده بی صبری
ایشان زیاد میشد فقط خشکی را هیچ مشاهده ننموده مکرراً یأس
حاصل نموده چنین پنداشتند که بخشکی ابداً نخواهند رسید
اخرالامر یکروز سفینه (پنتا) یک برخی کشتیها از آن کشتی صدای طوپ هم

شنیده شد عملجات از این بشارت اظهار مسرت نموده بالای دیرک کشتیها رفتند
همگی بلب نقطه عطف نظر نمودند پس از آنکه قدری پیشتر رفتند معلوم شد
که لب ابری را ملاحان از دور خشکی تصور نموده بدین جهت طوب انداختند کار
عملجات پس از این قضیه بنای تنگی را گذارده بدین جهت آن بآن بر (کولومب) روز
صعب تر میشد عملجات چون میدانستند که قطعات مسکونه وادی را احاطه نموده
است چنین تصور نمودند که در این بحر هیچ خشکی وجود ندارد یکی میگفت تصورات
(کولومب) باطل است دیگری میگفت هرگاه ماکولات ما تمام شود چه خواهیم کرد و بر
فرضیکه بحد کفایت ماکولات داشته باشیم در صورتیکه پیوسته پیش برویم
عاقبت ما چه خواهد شد خلاصه بدینگونه خیالات واهیه بکلی قطع امید نموده
حیات خود را در معرض تلف میپنداشتند این گونه ملاحظات واهی از یکی
بدیگری سرایت نموده دو نفر دو نفر و سه نفر سه نفر در گوشه نشسته بجهت
یکراه نجاتی بنای مشاوره را گذارده این فقره بکشتیهای دیگر سرایت نموده جمیع
عملجات قرار دادند که بر (کولومب) شورش نمایند پس از اندک زمانی عملجات
از هر طرف بنای عربده را گذاردند عربده ابتداء از کشتی امیرال برخاسته
شد یکی میگفت (کولومب) مثل آدم دیوانه است بدیوانگی میخواهد شان و شرف
احراز نماید دیگری میگفت این آدم بازندگی و جان ما بازی میکند و بعضی

میگفتند

میگفتند بواسطه محو و تلف ما بیچارگان میخواهد وکیل پادشاه بشود همگی فریاد
کنان که جز مرگ و فوت بدان نخواهد شد . در این اثنا از بزرگتران عملجات خود را
جلو انداخته میگفت پادشاه ما بدین رسوا خواهد شد

پس از آن چند نفر یکمرتبه فریاد زدند [اسپانیول] [پالوس]
و برخی گفتند هرگاه باسپانیول عودت کنیم هیچکس ما را تفتیش نخواهد کرد چونکه
این ناکس هیچ نفوذی در اسپانیول ندارد و ادعای او را هیچکس باور نکرده است
و برخی دیگر میگفتند تصورات این را کشیشهای بزرگ رد کرده اند آیا
رواست که یک خارجی صد نفر اسپانیولی را تلف نماید

یک اسپانیولی از جای خود برخاسته گفت دیگر مذاکره لازم نیست باید امر
نمائیم که کولومب کشتیهای ما را باسپانیول سوق نماید عملجات ما بین یکدیگر
بجهت اعدام کولومب
مشاوره نموده براین قرار دادند که شبانه او را بدریا انداخته پس از آن اظهار
نمایند که در حینیکه بکواکب نظر میکرد بدریا افتاد

هیجان عملجات آن بآن ازدیاد نموده جمیع عملجات اطراف (کولومب) را
احاطه نموده چهل نفر یکمرتبه فریاد زدند (سینیور امیرال باسپانیول برگرد)
(کولومب) از این فقره خیلی متأثر گشته از نیات محرمانه ایشان هم اگرچه مخبر
بود ولی ظاهراً طوری نمود مثل اینکه از نیات ایشان اطلاع ندارد با کمال

وفادار عملجات سوال نمود چه میخواهید [بیانات خود و اشکال را بیان کنید]
یکی از عملجات گفت استدعا میکنیم از این سیاحت صرف نظر نمائید دیگری
گفت هرگاه بیشتر از این در این بحر بی پایان پیش رویم مثل اینست که اجل خود را
تجسس مینمائیم یکی دیگر گفت امشب کشتیها را با سپانیول سوق نمائیم هرگاه جلوتر
برویم وطن عزیز و عیال و اطفال خود را نخواهیم دید عملجات همگی گفتند بایستی
(کرستوف) پس از استماع مطالب ایشان نطق ذیل را بیان نمود
[از طرف پادشاه مأمور شده است که بحر محیط را طی نموده تا اینکه هندوستان
را کشف نمائیم پیش برویم کشفیاتیکه پادشاه منتظر است باید اجرا نمائیم
بجهت موفقیت بدین مسئله مخاطره هم باشد من هم جانم را در این مهلکه
گذارده ام از عملجات اطاعت با امر ما باید اجتناب نمائید اگر بیش از این قیل و قال
نمائید و چه سیاحت سخت خواهید شد بجهت رفتن هندوستان سفر کرده ام
اگر یکماه دیگر پیوسته سیاحت لازم باشد باید پیش برویم]
پس از آن با کمال ملایمت بعملجات خطاب نمود [حالا بجای خودتان بروید
با امیرال خود امنیت داشته باشید امیرال شما قیمت حیات شما را امیدوارند
و منتظر خدمات صادقانه شما است بعد از این اینگونه حرکات ناشایسته
از شما بروز نکند] عملجات از ثبات و ملایمت (کولومب) خیلی متأثر شده

بجای

بجای خود رفتند (کرستوف) اگرچه عربده عملجات را بدینگونه تسکین نمود ولی
بواسطه اینکه ایشان علنا جرئت این عصیان را نموده بودند خیلی دلتنگ شده
بود مع ذلک خونسردی را پیش نهاد خود کرده پیوسته در کشتی گردش
مینمود با کمال مهربانی با ایشان میگفت [عنقریب زحمات و مشاق شما تمام
خواهد شد و ممالکیکه کشف خواهید نمود منبع ثروت بی پایان است علاوه
بر این از طرف پادشاه مظهر التفات و مراحم گوناگون خواهید شد]
فردای آن روز هوا چون خیلی مساعد بود در حالتیکه هر سه کشتی نزدیک بیک
دیگر بودند قطع طریق مینمودند (کرستوف) سه روز اول در باب نقطهٔ که
سه روز قبل به (آلنزو پنزون) نشان داده بود بنای مکالمه را گذارد
در حین مکالمه (آلنزو پنزون) بیان نمود که از قرار نقشه جزایر (سپانگو)
از جزایریکه (سپانگو) کولومب در نقشه جات نشان داده است چندان بعید نباید باشد
(کولومب) تصدیق رای او را نمود پس از آن با یکی از ناخداهای کشتی بنقشه نگاه
نموده در حالتیکه با کمال دقت میخواستند آن نقطهٔ که کشتیها واقعند تعیین
نمایند از سفینهٔ (پینتا) صدای یک طوب شنیده شد (مارتین آلنزو پنزون) و ناخدا
(کاپیتن) کشتی را شنیدند که میگفت [خشکی دیده شد من مژده مکافات
را میخواهم] (کرستوف) پس از آنکه با کمال دقت در آن نقطهٔ که خشکی

دیده شده بود عطف نظر نموده تشکر باری تعالی را بجای آوردند پس از آن عملجات کشتی
بالای دکل کشتیها رفته با کمال مسرت نظر نمودند که خشکی دیده شده بود فهمیده
شد که بعضی ابرها را خشکی تصور نموده اند

هوا چون خیلی مساعد بود پیوسته بسیاحت مشغول گشته پس از چند
روز در سطح دریا یک سکونت فوق العاده نمایان شده در آن اثنا یکنوع ماهی
معروف به (دلفین) دیده گشته و یکنوع ماهیان پردار در اطراف کشتیها طیران
مینمودند از این علامات و بعضی علامات دیگر که دلیل نزدیک بودن
بخشکی را مینمود عملجات مسرور گردیدند

از قرار حسابات و تخمینات ناخدا تا امروز بطرف غرب یا پانصد و هشتاد
ساعت مسافت قطع نموده بودند ولی از قرار قیود (کولومب) تا تاریخ
مذکور هفتصد ساعت مسافت قطع شده بود

فردای امروز از شرق بغرب بعضی نباتات در روی دریا سیاحت نموده و
هیچ مرغ دیده نشد عملجات چون تصور مینمودند که مرغانیکه طیران مینمودند
از یکجزیره بجزیره دیگر میروند بر این شدند که از جزایر دور میشوند یک
روز بعد مرغانیکه دسته دسته از یک سمت بسمت دیگر طیران نموده
عملجات باز خود را در جوار خشکی پنداشتند هر کس که دفعه اول خشکی را

کشف

کشف نماید چون از طرف دولت بیست عدد (کورون) همه ساله وعده شده بود دائم
شد عملجات دائما خشکی خشکی فریاد زده، خیلی سبب بی نظمی شده بودند (کولومب) بتمام
عملجات اعلان نمود که تا سه روز بعد هر کس (خشکی) فریاد زده هرگاه دیده نشود
پس از مدت مدید مذکور حقیقته هم خشکی دیده شود مکافات موعود بداده نخواهد شد
(مارتین الونزو پنزون) مینمود استنبت نموده به (کولومب) اظهار نمود که خط سیاحت
را شدید نماید (کولومب) راضی باین مطلب نگشته کشتیها را مستقیما بطرف غرب سوق
نمود . طلوع شمس نزدیک بودن بخشکی را تخمین نموده امر نمود که (پینتا)
و (نینا) بکشتی خود شان نزدیک شوند

بعضی از عملجات کشتی امیرال از دور یک ابری را خشکی تصور نموده ولی این ظنیات
را چندان با اساس ندانسته جرئت اظهار نکردند کشتی (پینتا) از سایرین
جلوتر بود در آن اثنا یک بیرق کشیده یک طوپ هم انداخت این اشارت دلیل
دیدن خشکی را اشاره نموده عملجات باز بتلاش افتادند ولی این دفعه هم معلوم
شد که خیالشان بی اصل بوده (کولومب) در نقطه که مامول بود بخشکی برسد
چون نرسیده بود چنین تصور نمود بغلط حرکت نموده بنابراین تا دو روز
بطرفیکه مرغان طیران مینمودند کشتیها را سوق نمودند و از خط سیاحت اولش
هم چندان تباعد ننمود کشتیها دو سه روز راه را تعاقب نموده هر چه منتشر

می‌رفتند از خشکی اثری هویدا نگردید لهذا مصرانه طلب عودت اسپانیول را از کولومب
نموده (کرستوفر) اسید وغه هم بملایمت با ایشان رفتار نموده چندان مفید نیفتاد
چون دید که اسپانیولها در افکار خود مصر هستند با کمال شدت و غضب
سؤال و جواب نموده بیان نمود که تا هندوستان را کشف ننمایند پیشتر سیاحت خواهند کرد
بروایت بعضی از مورخین کرستوف در آن اثنا چون نتوانست که هیجان ایشان را
تسکین نماید سه روز مهلت خواسته پس از سه روز هرگاه خشکی را کشف ننمایند
از سیاحت صرف نظر نموده وعده داد که با سپانیول عودت خواهد نمود عملجات
موافقت بدین تکلیف نموده بدینگونه یک مقاوله ما بین ایشان و (کولومب)
منعقد شد . (لاس کازاس) مورخ که از روی مسوده روزنامهٔ
(کولومب) تاریخ سیاحتش را نوشته در آن باب صراحةً چیزی بیان نکرده است
ولی (پیترو مارتیر) و (لوی پلاسوی) هم در باب مقاوله مذکور چیزی ذکر
و بیان نکرده است همینقدر در تاریخ (واشنگتن اروینگ) مسطور است قسم اعظم
عملجات چون مایل بعودت اسپانیول بودند (کولومب) بعضی مکافات با ایشان
وعده نموده تا دو سه روز دیگر چون خشکی کشف خواهد شد خواهش صبر و
تحمل از ایشان نمود

هر حال تا دو سه روز دیگر بسیاحت مداومت نموده علامات متعدده که

دلیل

دلیل نزدیک بودن بخشکی را داشت مشاهده نمود و علامات مذکور عبارت
بود از بعضی نباتات که در انهار نشو و نما مینمایند یک شاخه درختی که
تازه بریده شده بود دیده شد دیگر آنکه پیشتر رفتند یکنوع ماهی سبز که در سواحل
یافت میشود دیده شد و یک عصا هم که بدست انسان اعمال شده بود مشاهده
گردید . این علامات باعث مسرت عملجات گشته همگی بطرفیکه
خشکی مأمول بود عطف نظر نموده بودند

(کرستوفر) برمنوال معتاد پس از ایفای ادای فرایض دینیه خود عملجات را
باطراف خود جمع نموده یک نطقی نمود و بعملجات بشارت داد که احتمال
کلی دارد امشب بخشکی برسیم هر کس اول از همه مشاهده نماید علاوه بر اینکه
بمکافات موعوده خود خواهد رسید یک خلعتی هم از طرف من باو داده
خواهد شد عملجات کشتی از فرط سرور و خوشحالی تا بصباح خواب
آرام را بر خود حرام نموده دائما عطف نظر بدان سمتیکه خشکی مأمول بود
مشاهده شود نگاه میکردند آخر الامر دو ساعت قبل از نصف شب (کرستوف)
از دور یک روشنائی دید فقط باحتمال اینکه شاید از خطای بصر روشنائی
را دیده باشد (پیترو کوتیرز) را نزد خودش جلب نموده انظاریکه صیاد دیده
شده بود باو ارائه نمود (پیترو کوتیرز) روشنی را مشاهده نموده از باب این

در میان ایشان بعضی مکالمات شد (پنزو کوی زن) کفت سایر کشتیها چون در
جلو هستند شاید این روشنائی از آنها باشد (کولومب) جواب داد خیر بلکه
از یکمیل جلوتر از سفینه (پینتا) تاریک و روشنی از طرف دیکر مشاهده
میکردد پس این ضیاء از کجا پیدا میشود . در اینجا خشکی است
علاماتیکه امروز مشاهده نمودیم اثبات شد که بخشکی نزدیک شدیم
این ضیاء دلالت بر این مینماید بخشکی حتی بیک محل مسکونی نزدیک شده ایم
پس از یکساعت محقق است که بخشکی خواهیم رسید در اثنا ضیا از نظر ناپدید
کشته دو مرتبه هویدا شد مفتش کشتیها و سایر عملجات از این مسئله خوشحال
شدند (کولومب) هم خیلی اظهار بشاشت نمود بعملجات توصیه نمود که با کمال تیقظ
حرکت نمایند در صورتیکه هرکس با کمال بی صبری انتظار مشاهده خشکی را داشت
از سفینه (پینتا) صدای طوب شنیده شد سفینه مذکور چون از سایرین جلو
بود دو ساعت پس از نصف شب خشکی را مشاهده نمود طوب انداخته بود
عملجات از فرط خرمی و خوشحالی سرشک سرور از دیدهاشان جاری شد
(کولومب) خود را در جلو انداخته خطاب بعملجات نموده کفت [اولادهای
من مسئله حل شد شکل ارض کرویست هندوستان اینجاست تشکر باری تعالی
را بجای آوریم بزانو افتاده شکر حق را بجای آورد و سایر عملجات حرکات او را

مثال

مثال امثال نموده در آن حین هوا چون چندان تاریک نبود کشتیها توقف
نموده خشکی را از دور میدیدند در سنه ۱۴۹۲ میلادی در پانزدهم تشرین اول
رومی روز پنجشنبه دنیای جدید کشف کردید تا روز مذکور دو ماه و هشت
روز سیاحت طول کشید

(فصل هشتم)

در سنه ۱۴۹۲ میلادی در دوازدهم ماه تشرین اول رومی روز جمعه طرف
صبح بفاصله دو ساعت مسافت یکجزیره خوبی مشاهده کشته در اطراف
آن جزیره جنکل و باغات بسیار دیده شد و در وسط جزیره یکقصبه هم نمایان
کردید . اراضی جزیره مذکور اکرچه موافق فن زراعت
و فلاحت اعمار نکشته بود ولی بواسطه ولی بواسطه حسن طبیعتش مثل یک
باغچه میماند که باغبان طبیعت در اینجا کلکاری کرده باشد عملجات با کمال خضوع و
خشوع دست بدامان (کولومب) کشته عفو حرکات خودسرانهٔ خود را نمودند
بر مقتضای اخلاق حمیده که داشت جرایم ایشان را عفو نموده امر نمود که کشتیها هر
سه با هم بجزیره تقرب نمایند
کشتیها همینکه نزدیک بخشکی آمدند از جنکلها آدمهای زیادی در ساحل
جمعشده همه در حالیکه عریان بودند از آمدن کشتیها ظاهر و هویدا بود

که خیلی متعجب شده اند پس از آنکه کشتیها لنگر انداختند (کولومب) ملبس بلباس رسمی (یونیفورم) امیرالی گردیده با سایر صاحبمنصبان کشتی بقایق نشسته بطرف ساحل شتافتند

قایقها هرچه بساحل نزدیکتر میشدند بومیان از حرکاتشان معلوم بود که تعجبشان زیادتر میشد آخر الامر بساحل در آمده بخشکی داخل شدند

ابتدا (کریستوف) بخشکی داخل شده بمجرد اینکه پای بخشکی گذارده زمین را بوسید شکر حق را بجای آورد

بیرق بیرقیکه در وسطش شکل صلیب و اطرافش حروف (F) (I) که دلالت باسم فردیناند پادشاه اسپانیول و ایزابل ملکه اسپانیول مینمود نقش کرده بود در زیر آن (آرم) دولت اسپانیول منقوش بود (کولومب) بیرق مذکور را در دست گرفته و شمشیر از نیام برکشید در صورتیکه جمیع صاحبمنصبان حضور داشتند بنام دولت اسپانیول جزیره را ضبط نمود پس از آن یک دعائی بزبان (لاتینی) قرائت نمود که شرحش در ذیل مندرج است [سپاس بیقیاس چنین خالقی را سزاست که باین بنده عاجز چنین قدرتی عطا فرمود که اسمش را در روی بنای جدید منتشر نمایم کردگارا ! ارض و سما ایجاد و انهار با امر مقدست خلق شده است همه بزرگی و همه جا باید یاد و تذکار شود]

پس از قرائت دعا و ضبط جزیره چون (کولومب) سمت نایب السلطنگی اتخاذ را حائز بود جمیع صاحبمنصبان را قسم داد که همگی از امر و اطاعت او تخلف ننمایند عملجات همینکه یقین حاصل نمودند که (کولومب) مالک و قابل است اطراف او را احاطه نموده مجدداً عفو تقصیرات خود را درخواست نمودند

بومیان با کمال تعجب نگاه باسپانیولها نموده همینکه پا بخشکی گذاشتند ایشان فرار نمودند چون بتعاقب بومیان نرفتند ایشان بساحل عودت نموده دور از اسپانیولها در یک نقطه ایستاده ایشان را تماشا مینمودند

چون زینت لباس (کولومب) از سایرین زیادتر بود و عملجات حرمت و رعایت فوق العاده باو مینمودند نظر توجه بومیان بیشتر بسوی (کولومب) بود پس از کمی بومیان نزد اسپانیولها آمده ریش و لباس اسپانیولها را دست میمالیدند با کمال تعجب باسپانیولها نگاه میکردند و حتی نزد (کولومب) هم آمده بلباس و دستهایش دست مالیدند بومیان تصور نمودند که اسپانیولها از آسمان نازل شده اند

و کشتیها را هم یکجنس حیوان غریبی که در آسمان میباشد پنداشتند پردهای آنرا هم بال آنحیوان عجیب می پنداشتند از آسمان نازل شدن اسپانیولها را هم یک بومیان قانع شده بودند که از قرار روایت مورخ (هررا)

اسپانیولیها در حین گردش در جزیره حکمران انجا سؤال نموده بود که این پادشاه
از اسمان طیران نموده وارد اینجا شده و با اینکه برابرها سوار شده است
اسپانیولیها هم بومیان را بنظر حرمت نگاه مینمودند چونکه ایشان بکلی عریان
بوده بدن خود را با الوان مختلفه تلوین نموده بودند بعضی از ایشان یکطرف
صورت را و بعضی دیگر اطراف چشمان و دماغ خود را رنگ زده بودند موهای
ایشان خیلی کوتاه بود ریش و سبیل هیچ نداشتند و میان ایشان یکدختر
موجود بوده او هم عریان بود از وضع زندگانی ایشان معلوم میشود که
ساکنین انجا فقیر و از تمدن عاری بودند اسپانیولیها بچندین لسان با ایشان
تکلم نموده هیچ یک از ان لسانها را نفهمیدند

اسپانیولیها هم چون لسان بومیان را نمیدانستند باشاره مقاصد را بیکدیگر
میفهماندند

بومیان خیلی ملایم طبع و اسلحه شان عبارت از یک نیزه بود که در سر ان
دندان ماهی نصب نموده بودند . از کم و کیف اهن ابدا اطلاعی نداشتند
یک شمشیر اهنین که با ایشان نشان داده بودند ماهیت انرا نفهمیدند
همینکه صدای طوب بگوششان رسید رعد پنداشته یقین حاصل نمودند
که اسپانیولیها از اسمان نازل شده اند (کرستوفر) از قبیل رنگ و غیره

بعض

بعضی هدایای کوچک با ایشان بخشیده بومیان هم با کمال ممنونیت قبول نمودند
و اسپانیولیها تا غروب در جزیره گردش نموده پس از ان بکشتیها معاودت نمودند
اهالی جزیره یکنوع قایقی که سی الی چهل نفر در ان جا میگرفت که از تخته درست
نموده در روی دریا بان قایق سیر و سیاحت مینمودند فردای ان روز جمع
غفیری در قایقها نشسته و برخی شناکنان باطراف کشتیها امده از سیاحین
هدیه طلب کردند چون سیاحین را تصور مینمودند که از اسمان نازل شده اند
هدایای ایشانرا با کمال میل و قبول نموده حرمت وافری بدان هدایا مینمودند
اسپانیولیها مجددا بعضی هدایا با ایشان بخشیده بومیان هم چند قطعه طوطی
با مقدار زیادی پنبه با ایشان داده و یکجنس نانی که بلسان خود شان (کاسوا)
میگویند و از ریشه یک نباتی معروف به (لوکا) درست مینمودند
با سپانیولیها اعطا نموده وضع ساختن ان نان عبارت از این بود که یکنوع
خمیری ساخته در افتاب خشک نموده با اب میخوردند بومیان بعضی پارچه های
طلا به دماغ خود اویزان نموده در مقابل هدایای اسپانیولیها طلاهای
مذکور را از دماغ خود بیرون اورده با ایشان میدادند فقط (کرستوف)
در مقابل هدایا طلا و سایر چیزها یکه از بومیان داده میشد باسم خزینه
خاصه فردیناند در تحت انحصار در اورده قدغن نمود که عملجات بدون

ادویجات و طلا و پنبه از بومیان نگرفتند پس از آن (کرستوف) محل معدن طلا
را از بومیان سؤال نموده از قرار اشارات ایشان معلوم شد که در نقاط
عدیده این معدن موجود است پس از آنکه نقاطیکه این معدن یافت میشود
مکانش را تحقیق نمود چند نفر از بومیان را همراه برداشته بدانجانب شتافت
بعضی آثار جرحیه در بدن بومیان مشاهده گشته از قرار اشارت ایشان معلوم
شد که وقتیکه بجهت تجسس معدن طلا بدانجا میروند بدین جهاد دچار
میشوند (کرستوف) همینکه تنها ماند بدریای فکر فرو رفته چنین پنداشت
که در دریای چین واقع است و دشمنانیکه بومیان ایما نموده بودند مطلقا
از اهالی آسیا پنداشته و مکانیکه طلا یافت میشد جزیرهٔ (سیپانگو) تصور
نموده بدان نسبت اهالی جزیره که کشف کرده بود هندی نام نهاد
جزیرهٔ اولیکه کشف شده بود (لوکایی) و باقیکه از جزایر (باهاما) (گواناهانی)
نامیده شد بهر حال (کرستوف) بجهت اجرای کشفیات سواحل جزیره را گشت
و گذار نموده در حالتیکه با قایقها گردش مینمود بلندیهای محفوظی مشاهده
نموده در هر طرف انواع درختان و انهار مشاهده نمود همینکه قدری پیشتر
رفتند بدسته جزیره کوچک رسیدند اهالی آنجا با دستهای ایشان اشارات
کنان اسپانیولها را بجنگل دعوت نمودند قایقها در حینیکه گردش مینمود

دیدن

بومیان بعضی از ظروف پر از آب میوه در دست داشته در ساحل بتعاقب
قایقها حرکت نموده دائما اشارت مینمودند که اسپانیولها بجنگل داخل
شوند هندیان مشاهده نمودند که اسپانیولها پیوسته حرکت مینمایند
بعضی از ایشان خود را بدریا انداخته شناکنان بقایقها نزدیک شدند
(کرستوف) ایشان را داخل قایق خودش آورده بعضی هدایا بانها بخشید در
آنجوار یک مکان مناسبی بجهت بنای یک شهر که اسپانیولها را سکنی
بدهد چون نیافت چند نفر بومی همراه خود برداشته عنان عزیمت
را بطرف جنوب معطوف داشت

(فصل نهم)

(کرستوف) از جزیرهٔ (سان سالوادور) پس از آنکه مفارقت نمود ندانست که
بکدام سمت حرکت نماید چون در آنجا جزایر متعدده کوچکی که از یکدیگر
چندان مسافت نداشتند مشاهده نمود و از قرار اشارات بومیان
معلوم شد که این جزایر متجاوز از یکصد و کلیه مسکون میباشد و اهالی
آنجا با یکدیگر مجادله مینمایند و در ضمن چون مفهوم شد که در میان
جزایر مذکور یک جزیره از سایر جزایر با مکنت تر و تقریبا بیست و پنج کیلومتر
مسافت دارد ابتداء قرار بر این داد که بدانجا رود ولی در میان جزایر

شبانه حرکت کردن چون خالی از خطر نبود شب و روز کشتیها را در یک نقطه
نگاه داشته فردای آن روز بواسطهٔ مخالفت هوا نتوانست جلوتر برود
لهذا چند روز بعد بجزیرهٔ مذکور مواصلت نمود همینکه بخشکی داخل
شد مراسم رسمیه معتاده را بعمل آورده جزیره را ضبط نمود (سانتا
ماریا دی کونسه سیون) یعنی (بشارت مریم) بدو نام نهاد اهالی آنجا مثل اهالی
جزیرهٔ (سان سالوادور) با کمال حیرت و تعجب باسپانیولیها نگاه مینمودند (کریستوف)
چون چیزیکه بر ثروت دلالت نماید در آنجا مشاهده ننموده بسوی
جزیرهٔ دیگر حرکت نمود یکی از هندیان که در سفینهٔ (نینا) بود چون دید
که از وطنش دور میشوند خود را بدریا انداخت در آن حین بجهت مبادله
پنبه با اشیاء دیگر یک قایقی که در آن یک هندی نشسته بود نزدیک
کشتیها آمد اسپانیولیها هندی را اسیر نمودند (کریستوف) که این کیفیت را
برای العین مشاهده کرد امر نمود پس از این قبیل حرکات که باعث وحشت
و نفرت بومیان بشود از ایشان بروز نکنند و غدغن کرد که هندی را بمحل
خودش ببرند هندی را وقتیکه نزد (کولومب) آوردند مثل بید بدنش میلرزید
و پنبهٔ که همراه داشت بر (کولومب) هدیه نمود (کریستوف) علاوه بر آنکه هدیهٔ او را
بخودش بخشید بعضی هدایا هم باو بخشید هندی مذکور هدایای (کولومب) را

بمنزل

قبول نموده از اشارتش مفهوم شد که میخواهد بقایق سوار شود بامر (کولومب)
اظهارات او را مجری داشتند هندی مذکور نزد دیگران جزایر رفت و آمد
هندیان اطراف او را احاطه نموده مدت مدیدی با او صحبت داشتند مقصود
(کولومب) این بود که ببومیان حسن سلوک نموده باشد که کشفیاتیکه در نظر
داشت از طرف ایشان بعضی اشکالات بظهور نرسد در حین سیاحت یک هندی
بیک قایق بسیار کوچکی که اسباب تعجب (کولومب) شده بود نشسته گردش مینمود (کولومب)
امر نمود که او را با قایقش بکشتی بیاورند در حق او هم محبت بی اندازه نموده قدری
عسل و نان باو هدیه داد آخر الامر بیک جزیرهٔ رسیدند چون زمان مساعد
نبود (کریستوف) شب را در آنجا توقف نموده قرار براین داد که روز بعد بخشکی درآید
و آن هندی را هم آزاد نموده هندی مذکور حسن رفتار اسپانیولیها را با اهالی
جزیره نقل و حکایت نمود جمع کثیری از ایشان بقایقها سوار شده باطراف
کشتیها آمده آب و میوه و محصولات محلیه باسپانیولیها هدیه نمودند
(کریستوف) هم در مقابل عسل و بعضی هدایای دیگر بایشان داد
فردای آن روز در حینیکه جزیره را گردش مینمود که یک بندر و یکه بندر
صد دستگاه کشتی را بسازد کشف نموده در آنجا رفت جمع زیادی از بومیان
در اطراف اسپانیولیها جمع شده با کمال حیرت بایشان مینگریستند

میوه و مقدار زیادی پنبه بایشان داده حرمت بی نهایتی در حق ایشان بعمل آورد
(کریستوف) بنام امپراطور اسپانیول جزیرهٔ مذکوره را فردیناند نام نهاده در آنجا
هم معدنیکه امید داشت بدست نیاورده از جزیرهٔ مذکور حرکت نموده بجزیره
موسوم (سائومتو) شتافت از اشارت بومیان معلوم شد که در این جزیره معدن
طلا موجود و حکمران آنجا ثروت زیادی دارد پس از چند ساعتی بجزیره مذکور
رسید نه معدن طلا و نه اینکه حکمران را مشاهده نموده معلوم شد که اشاره
را اسپانیولیها بغلط مفهوم نموده مع ذلک (کریستوف) جزیره را رسماً ضبط
نموده بلد (ایزابل) نام نهاد از قرار اطلاعاتیکه در روزنامه (کولومب) مقید بود
جزیرهٔ ایزابل خیلی خوش آب و هوا بوده نباتات متنوعه که در اسپانیول وجود
نداشت در آنجا موجود بود و یکنوع حیوانی شبیه مار در آنجا موجود بود که
بومیان گوشت آنرا از سایر لحوم لذیذتر پنداشته اکل مینمودند (کریستوف)
پس از آنکه چند روزی در شهر ایزابل اقامت نمود از بومیان مکانیکه طلا
یافت میشود استفسار نموده همگی طرف جنوب را نشان داده مدتی ملاحظه و
بعضی لحاظ دیگر عزم مسافرت آنجا را نمود فقط هوا چون غیر مساعد بود و باران
هم بشدت میبارید از جزیره حرکتش چند روزی تأخیر افتاد در نهایت پس از
چند روزی تدارکات خود را اکمال نموده بسمت جزیره (کوبا) حرکت نمود پس از

سه

سه روز سیاحت بهفت هشت جزیرهٔ کوچک رسید (ایزلا دی راه نا) بدان نام
نهاد پس از چند روزی بجزیره (کوبا) رسید از محسنات طبیعیه و لطافت آب و هوا
و جنگلهای مرغوب و صحراهای واسعهٔ آن جزیره اسپانیولیها متحیر مانده خیلی
خوشحال شده بودند (کریستوف) بمنوال معتاد جزیره را ضبط نموده بنام ولیعهد دولت
اسپانیول سرنس (یوان) نام نهاد در حوالی یک خانهٔ دهقانی موجود و بومیان مقیم
در آنجا بمحض دیدن اسپانیولیها از مسکن و ماوای خود فرار نموده (کولومب) داخل
آنجا شده مفروشات و سایر اساس البیت آنجا را که خالی از غرابت نبود تماشا
نموده بدون اینکه چیزی بردارد بیرون آمده بقایق خود سوار شده بطرف علیای
نهریکه در سواحل درختان باشکوهی غرس شده انواع و اقسام طیور در آنجا
طیران مینمودند عزیمت نمود
(کریستوف) جزیرهٔ مذکوره را (سیپانگو) تصوّر نموده از قرار اشاره بومیان هیچ تردیدی
برایش نماند که در آنجا معدن طلا و در دریای اطراف مقدار زیادی مروارید موجود
است (کریستوف) کاملاً بسیاحت جزیرهٔ مذبوره اقدام نموده بیک نهریکه بدو
(ریو دولوس ماردس) نام نهاد رسید اهالی جزیره از سیاحین خوف نموده بجنگلها
فرار نموده بودند با کمال دقت (کریستوف) طرز بنا و اسبابهای داخل آنجا را تدقیق
نموده معلوم شد که اهالی آنجا مدنی تر از سایر اهالی جزایر دیگر هستند (کولومب)

سواحل جزیره را هم گردش نموده بلیت دماغه وسید (کاپودل پالم) نام نهاد
در آن اثنا سه نفر هندی که در کشتی (پینتا) بودند به (الونزو پینزون) تفهیم نمودند که در
عقب این دماغه یک نهر بزرگی موجود و در داخل آن نهر در جوار ولایت مکانیکه
(کوبانا) نام دارد طلای بسیاری موجود است

(مارتینو الونزو پینزون) خیلی مدت قبل از آنکه نقشهٔ (طولکان) را مطالعه نموده چنان دانست
که (کوباناکان) که بومیان نشان داده اند ممالک (خان تاتار) میباشد و خیالش را
هم به (کرستوف) بیان نمود (کرستوف) جزیرهٔ (کوبا) را ابتداء جزیرهٔ (سیبانگو) که (مارکوپولو)
توصیف نموده است پنداشته بواسطهٔ بزرگی جزیره چنان دانست که جزیرهٔ
مذکور قطعه هندوستان میباشد

بهر حال بجهت کشف نهر بزرگیکه هندیان توصیف نموده بودند از نهر (ریو
دولوس ماریس) حرکت نموده و سواحل را گشت و گذار نموده تا جای مناسبی بجهت
اقامت کشتیها چون پیدا نکرد و هوا هم غیر مساعد بود بنهر مذکور معاودت
نمود طلوع شمس خانهائیکه در ساحل واقع بود (کرستوف) بجهت معاینهٔ آنها
از عمله جات چند نفر بدانجا فرستاد بومیان بمحض مشاهدهٔ اسپانیولها خانهای
خود را ترک نموده فرار نمودند (کرستوف) مجدداً چند نفر اسپانیولی با یک نفر هندی
محض اینکه نیات حسنهٔ اسپانیولها را بایشان برسانند بدانجا فرستاد

شب از روز جم غفیری از هندیان نزد اسپانیولها آمده و بجهت ایشان پنبه و چیزهای
دیگر هدیه آورده بودند (کرستوف) قدغن نمود که بومیان بجهت مبادله هر چه
میخواهند تا در عوض طلا داده نشود اسپانیولها چیزی با ایشان مبادله ننمایند
ولی بومیان از آن معدن هیچ دارا نبودند فقط در میان ایشان بمقام زینت
یکنفر چند پارچه نقره او بخته بود از اینفقره معلوم شد که در میان ایشان
طلا اصلا موجود نمیباشد از قرار اشاره بومیان معلوم شد که حکمران در داخل
جزیره است و عنقریب بجهت تجارت اشیاء زیادی خواهد آورد

خلاصه (کولومب) خود را در مملکت (کاتای) پنداشته فوراً دو نفر ایلچی قرار
داد که نزد حکمران آنجا بفرستد یکی از صاحب منصبان کشتی که اصلاً یهودی و زبان
کلدانی و عربی را میدانست او را با یک صاحب منصب دیگر ایلچی معین نموده
نزد حکمران فرستاد و دو نفر بومی هم بجهت هدایت راه همراه ایشان نموده
و بجهت مخارج عرض راه بعضی اشیا با ایشان داده که در حین مسافرت آن اشیاء
مذکوره را با اشیاء لازمه مبادله نمایند ظاهراً تعلیمات و دستور العمل ایلچیان
عبارت از این بود که بحکمران آنجا تبلیغ نمایند دولت اسپانیول بجهت ارتباط
و دوستی بعضی هدایا و محرّرات بتوسط (کولومب) فرستاده از روی (کولومب)
اینکه محرّرات و هدایا را شخصاً تقدیم نمایند باطناً با ایلچیان امر نمود که احوال

داخلیه مملکت مذکور را تفتیش نموده تحقیقات لازمه در باب معدن طلا و
سایر معادن دیگر نمی‌نمایند که در آنجا یافت میشود بعمل آورده از کم و کیف مملکت مذکور
کما ینبغی اطلاعات کلی حاصل نمایند

بنظر خیلی غریب می‌آید که چگونه (کولومب) (کوبا) را (کانادا) پنداشت ولی
نقاطیکه (کولومب) کشف نموده بود چون موضع جغرافی آنها را تعیین ننموده بود
و اوصافیکه در باب (کانادا) (مارکوپولو) بیان نموده بود چون مشابهت کاملی با اوضاع
طبیعیه جزیره (کوبا) و تعریفات بومیان هم سوء تفسیر نموده بود بدین واسطه (کوبا)
را (کانادا) تصور نموده بود

(فصل دهم)

(کریستوف) تا معاودت ایلچیان قرار بران داد که آنجا را سیر و تماشا نماید فردای
آنروز مدت دو ساعت در آن نهر گردش نموده پس از آن یک منبع آبی مشاهده
نمود و بساحل در آمده جنگلهای اطراف را گردش نمود

دو سه روز بعد دارچینی و بعضی محصولات دیگر که در اسپانیول وجود
نداشت در آنجا مشاهده نمود از آنها بکلمه دی بومیان نشان داده از قرار
اظهارات ایشان معلوم شد که امثال اینگونه نباتات و موز زیادی در آنجا
دارد پس از آن (کولومب) طلا و مروارید را بایشان نشان داده مکان آنها را پرسید چند

نفر پیر مرد نشان دادند که در آن جوار یک مملکتی موجود و اهالی آنجا دماغ و بازوهای
خود را از مروارید و طلا زینت میدهند علاوه بر این از اشارهٔ ایشان معلوم
شد که دور از جزیرهٔ (کوبا) جمعی دیگر ایشان موجود و بجای دو چشم دارای
یک چشم هستند و در اثنای جنگ اسیرهائیکه بدست می‌آورند خفه نموده
خون آنها را میخورند . چند روز بعد ایلچیان عودت نموده
راپورتیکه ترتیب داده بودند بدین شرح است که ذکر و بیان میشود
[دوازده] ساعت مسافت قطع نموده اراضیکه گشت و گذار نمودیم
اکثرش معمور و منبت بود در مزارع یکنوع گندم هندی کاشته بودند که
بومیان طبخ نموده بجای نان اکل مینمایند یکفرسخ دیگر جلوتر رفتیم بیک
شهریکه دارای پنجاه باب خانه و هزار نفر نفوس بود رسیدیم حکمران
شهر مذکور را دیدیم که باستقبال ما می‌آید
هندیان مقصود سیاحت ما را بحکمران عرض نموده حکمران خیلی خوشوقت شده
که بیک خانهٔ بزرگی بجهت ما تخصیص نموده ما را بدانجا داخل نمودند و بیک
صندلیکه بشکل حیوان غریبی بود ساخته بودند در روی آن نشسته
گوش و چشمان آن حیوان را از طلا ساخته بودند بومیان دست و پای ما را
بوسیدند چنین می‌پنداشتند که از آسمان نازل شده‌ایم بجهت خدمت

ماها یکدسته خادمه معین نموده پس از آنکه ایشان از ماها مفارقت نمودند یکدسته خادمه دیگر که از زنان عبارت بودند مشغول خدمتگذاری ماها گردیدند

چون تصور نموده بودند که از آسمان نازل شده ایم هنگام مفارقتمان از آنجا اظهار داشتند که همراه ماها هرکجا که میرویم بیایند چون با اظهارات ایشان راضی نگشتیم حکمران و پسرش تا محل اقامت کشتیها با ماها مشایعت نموده پس از عرض تشکر از حسن پذیرائی ایشان از آنجا مفارقت نمودیم]

مضامین این راپورت خیلی باعث مسرت (کولومب) گردیده حکمران شهر مذکور با پسرش نزد (کولومب) آمده کمال احترام درباره ایشان بعمل آوردند در حین صحبت (کولومب) مکان معادن طلا وغیره را از حکمران سؤال نموده از قرار جواب ایشان معلوم شد که در طرف شرقی در جوار یک نهری معدن مذکور یافت میشود (کولومب) عزم سیاحت محل مزبور را نموده قبل از مفارقتش از جزیرهٔ (کوبا) دوازده نفر از بومیان انتخاب نموده بجهت تحصیل زبان اسپانیولی همراه برداشت که با اسپانیولها بفهمند پس از آن بجزیرهٔ مذکور حرکت نموده بومیانیکه همراه او رده بوده از مفارقت وطنشان ابدا متأثر نگشته بی قیدی ایشان اسباب تعجب اسپانیولیها

شده

شده بود مدت سه روز (کولومب) سواحل (کوبا) را گردش نموده بیک دماغهٔ که بدان (کاپ کوبا) نام نهاد مواصلت نمود پس از آن بجهت کشف جزیرهٔ (بابک) از وسط دریا بنای سیاحت را گذارده یکقدری جلو رفت باد شدیدی وزیدن گرفته مانع از جلو رفتن مسافرین گردید (کولومب) مجبورا بساحل نزدیک شده در یک نقطهٔ که بدان (پورتو دل پرنسیب) نام نهاده بود لنگر انداخته توقف نمود هنگام مساعدت هوا بقایقها سوار شده در حینیکه گردش مینمود بیک خلیجی رسیده که در آن چندین جزیرهٔ کوچک بود پس از چند ساعتی بیک جزیرهٔ رسید در از قرار اشارت بومیان معلوم شد که جزیرهٔ (بابک) است فقط در آن اثنا هوا مساعدت مسافرت ننموده (کریستوف) عزم مراجعت به (کوبا) را نمود کشتی (الونزو پینزون) مراجعت به (کوبا) ننموده بطرف دیگر حرکت نمود (کولومب) هرچه اشارت نمود که کشتی (الونزو پینزون) عودت نماید ابدا اعتنائی بامر او ننموده بطرفیکه میرفت کشتی خود را سوق نمود (کولومب) از این قضیه خیلی دلتنگ شده چون وضع کشتیش مساعد نبود بتعاقب (کوبا) حرکت نمود در جوار (سانتا کاترینا) لنگر انداخت (کولومب) مردد بود که (کوبا) متصل بخاک و یا اینکه جزیره است بهرحال در حالتیکه در ساحل شرقی

این سیاحت مینمود بیک جزیرهٔ دیگر رسید هندیان با کمال خوف و وحشت
اشاره نمودند که بدانجا داخل نباید شد از قرار اشارت ایشان معلوم شد که
اهالی انجا خیلی بد اخلاق و معتاد باکل گوشت انسان میباشند مع ذلك
(کولومب) پیوسته بسیاحت مشغول گشته کشتیها با کمال سکانت حرکت
مینمود پس از دو روز سیاحت بجزیرهٔ دیگر رسید که (هائتی) نام نهاد

(فصل یازدهم)

پس از چند روز سیاحت بیك بندر دیگر در طرف غرب جزیره (هائتی)
واقع بود رسید بدان (سان نیکولا) نام نهاد پس از ان بطرف جنوب جزیره سیاحت
نموده بیك بندر دیگر که بدان (کونسپسیون) نام نهاده بود داخل شده در انجا
بعضی ماهیان مشاهده نموده بقایقی سوار شده بشکار ماهی رفت مثل صدای
بلبل و سایر مرغان که بگوش اشنا بود بعضی اصوات استماع نموده و اکثر جاهای
جزیره (هائتی) چون شبیه بمملکت اسپانیول بود جزیرهٔ مذکوره را اسپانیول
نام نهاد ساکنین جزیره بمحض ورود اسپانیولها فرار نمودند (کریستوف) بر منوال
معتاد جزیره را ضبط نموده یك صلیبی در انجا برپا نموده از فراریان یکزنی
را دستگیر نموده نزد (کولومب) اوردند این زن عریان ولی بجهت زینت
بدماغش یکپارچه طلا اویزان کرده بود از عریان بودن زن معلوم شد

که تمدن

که تمدن در انجا جاری نگشته ولی در ضمن (کولومب) استدلال نمود که در
انجزیره طلا موجود است بجهت ارتباط پیدا نمودن با اهالی انجا زن را
لباس پوشانیده بساحل فرستادند از حسن رفتار بومیان خیلی ممنون
شده بهمراهانش بیان نمود که قصبه که سکنی دارد چون دور از ساحل میباشد
میلش بر اینکه نزد انانیکه در کشتی میباشند بمانند فردای انروز
(امیرال) سه نفر را مسلح نموده بجهت تجسس قصبهٔ مذکور بساحل فرستاد
بمحض ورود مامورین بقصبهٔ مذکور ساکنین انجا فرار نموده یکی
از اهالی جزیرهٔ (کوبا) که همراه مامورین بدانجا فرستاده شده بود
ببومیان تفهیم نمود که این اشخاص از اسمان نازل شده در بارهٔ ساکنین
انجا دارای افکار و نیات حسنه میباشند ساکنین انجا هم قریب دو
هزار نفر بمسکن خود عودت نموده عرض مطاوعت با سپانیولها
نمودند ساکنین انجا سفید پوست و خطوط چهره شان شکیلتر از
اهالی جزایر دیگر بود
شوهر این زن که بکشتی اورده بودند خیلی اظهار تشکر از اسپانیولها
نموده و بومیان بکلی موانست با سپانیولها پیدا نموده بخانهای خود
ایشانرا بردند پذیرائی کاملی در بارهٔ ایشان بجای اوردند و طوطیان

بسیاری باسپانیولها هدیه نمودند پس از آن اسپانیولها بکشتیها
عودت نموده در آنجا چون آثار مکنت مشاهده ننمودند بسوی جزیرهٔ
(بابك) شتافتند در حین حرکت بواسطهٔ عدم مساعدت هوا یك
جزیرهٔ کوچکی دیدند آنرا (تورتوکاس) نام نهادند در آنجا هم در ضمن تماشا
چیزی مشاهده ننموده بجزیرهٔ اسپانیولا معاودت نمود حکمران نزد
(کولومب) آمده اتباع خود را در بیرون کشتی نگاهداشته خودش
داخل اطاق (کولومب) گردید و در جوار (کولومب) نشست بجهت خوردن
و آشامیدن بحکمران هرچه (کولومب) میداد نزدیك همراهانش برده
پس از آن بجهت اتباعش میفرستاد (کاسیك) یك کمربند و پارچه طلا
به (کولومب) هدیه نمود (کولومب) هم یك جفت کفش با یك پارچه قماش
و یك شیشه گلاب بدو هدیه نمود و از مسکوکات اسپانیول بدانها
نشان داده و صورتیکه در روی آن مسکوکات بود (کولومب) سعی نمود که
بکاسیك بفهماند که صورت امپراطور اسپانیول میباشد ولی کاسیك
از بیانات او چیزی نفهمید تصور مینمود که ایشان از آسمان نازل شده‌اند
و هدایائیکه باو تقدیم شده بود یك شیئی مقدسی پنداشته با کمال احترام
هرکدام را بدست یکنفر از نفرهایش داده همراه کاسیك بمنزلش آوردند

در اثنای ملاقات (کاسیك) با (کولومب) اتباعش هرچه زینت همراه داشتند
باسپانیولها دادند اسپانیولها بدان اکتفا ننموده محلیکه از حیث معدن مذکور
یافت میشود از ایشان سؤال نموده چنین معلوم شد که در جوار جزیرهٔ (هائیتی)
چندین جزیرهٔ دیگر موجود و در آنجا معادن طلا بسیار است (کولومب) خیال
عزیمت آنجا را نموده بواسطه مخالفت هوا در یك بندر دیگر بدان (سان طوماس) نام نهاده
بود لنگر انداخته هنگامیکه کشتیها در آنجا بودند از بومیان جم غفیری نزد
اسپانیولها آمده میوه‌جات زیادی بایشان میدادند و طلاهائیکه همراه
داشتند بلاعوض باسپانیولها داده (کولومب) امر نمود که همیشه در عوض
هدایای بومیان ایشان هم چیزی هدیه بنمایند کاسیکهای مجاور هم بکشتیها آمده
(کولومب) را دعوت نمودند و هنگام ورودشان بدانجا احترامات زیادی بومیان
بعمل آوردند چند روز بعد یك قایقیکه در آن چند نفر بومی نشسته بود بکشتیها
آمده معلوم شد از طرف کاسیك بزرگ موسوم به (گواکاناکاری) مأمور شده است
و رئیس مأمورین مذکور یکی از مشاورهای کاسیك مذکور بوده برای (کولومب)
یك ماسك که زبان و دماغ و چشمانش از طلا ساخته شده بود با یك کمربند
هدیه آورده بودند و (کولومب) را از طرف (کاسیك) که با قامتگاهش که در لب دریا
بنا شده بود دعوت نمودند چون هوا مساعد نبود که کشتیها بدانجا روند

(کولومب) چند نفر از ملازمانش را بدانجا فرستاد کاسیک پذیرائی کاملی از
مامورین نموده بهر کدام خلعتی بخشید در حین مفارقت مبعوثین بعضی
هدایا هم بجهت (کولومب) فرستاد بعضی از کاسیک‌ها که درجه دوم از (کولومب)
دیدن نموده از قرار اظهارات یکی از کاسیکها معلوم شد که در طرف شرق
جزیره (هاییتی) یک مملکتی موسوم به (سیبا) موجود دارای معادن طلای
بسیاری است مامورین یکشنبه‌ها عودت نموده مسموعات خود را عرض و
بیان نمودند (کولومب) از بندر (کونسپسیون) حرکت نموده و بواسطه سکونت
هوا کشتیها خیلی آهسته حرکت مینمود (کریستوف) یک دو روزی چون استراحت
لازمش بود در اوطاقش منزوی گشته در حینیکه نزدیک سواحل حرکت مینمود
بهیچ کس امنیت ننموده در سطحه کشتی نشسته خودش کشتی را سوق مینمود بواسطه
ساکن بودن هوا چون هیچ‌جه مخاطره موجود نبود در اطاق استراحتش
رفته سکان کشتی را بیکی از ملاحان واگذار نمود بواسطه غفلت ملاح مذکور
کشتی (کولومب) بیک سنگ بزرگی مصادمه نمود (کولومب) بمحض اینکه صدای مصادمه
کشتی را شنید از خواب برخاسته کیفیت را مشاهده نموده پس از آن امر نمود
که قایق را بدریا بیندازند ولی کشتی با چند نفر عمله‌جات قایق که پایین
آورده بودند سوار شده بدون اجازه (کولومب) بکشتی (نینا) رفته (کاپیتن) کشتی

(نینا)

(نینا) از اینفقره مطلع گشته ولی کشتی و عمله‌جاتش را قبول ننموده و حرکات
ایشان را ذم و تقبیح نموده بمعاونت امیرال شتاب نمود (کاپیتن) سفینه (نینا)
وقتیکه بدانجا رسید کشتی مملو از آب گشته و رهین غرق شدن بود (کولومب)
هرچه سعی نمود که کشتی را از مخاطره قضا محافظت نماید چاره نگشته لاعلاج
دریا کشتی را بساحل انداخت (کولومب) با عمله‌جاتش بکشتی (نینا) رفته بجانب
ساحل شتافت (پترو گوتیرز) نزد (کواناکارا) فرستاده از این وقعه او را مخبر
نمود (کاسیک) از این قضیه خیلی متأثر گشته جمیع اتباعش را بدان محل فرستاد
و خودش نزد (کولومب) آمد و او را تسلی میداد و اشیائیکه از آنجا بیرون آورده بودند
در یک محلی حفظ نموده (کولومب) از حسن رفتار بومیان بحدی خوشنود شده بود
که لایحه‌ئی باسپانیول فرستاده بود در این باب بدین شرح و بیان نموده بود که
آدمهائی بحدی در حق ما خوش رفتاری مینمایند که در کره ارض از کلیه اجناس
بشر بهتر هستند فلاکت دیگری را فلاکت خود دانسته بدان مندرجه متأثر
میشوند این آدمها هرچیزی را بدقت تحقیق نموده بجهت فهم ماهیت اشیا
کسب مدنیت اروپائی یک دراب مخصوصی دارند کاسیک (کولومب) را با قایق متکاملش در
دعوت نموده بتشریف (کولومب) یک ضیافتی ترتیب داد و هر نوع احترامات را در
حق (کولومب) بجای آورد پس از اکل طعام بعضی نباتات خوش را بجه آورده بنشان

مالیدند پس از آن بجهت تنزه (کولومب) را در یک جنگلی برده و هزار نفر جمعیت
حاضر نشسته بجهت تلذذ خاطر (کولومب) انواع بازیها در زیر سایهٔ درختان
نمودند (کولومب) هم محض اینکه قوت اسپانیولیها را با ایشان بنماید بعضی آلات
حربیه از قبیل تیر و کمان آورده اسپانیولیها تیراندازی نمودند (کواکاناکاری) از
صحت اصابت تیر اسپانیولیها بهدف خیلی تعجب نموده بیان نمود که اقوام (کارائیب)
هنگامیکه تاخت و تاز بمملکت ما می آورند از این قبیل آلات استعمال
مینمایند (کولومب) هم وعده داد که از تعدی اقوام (کارائیب) ایشان را حفظ و حمایت
خواهد نمود و بجهت امنیت خاطر ایشان امر نمود که چند تیر تفنگ بیندازند
گلوله تفنگ بشاخه درختان خورده بومیان از خوف مثل اینکه گلوله بآنها
رسیده است بزمین می افتادند پس از مدتی از زمین بلند شده صدای
تفنگ را چون صدای رعد پنداشته بودند وضوح نمودند که مظهر معاونت
این آدمهای سفید پوست که قدرت احداث رعد دارند خواهند شد خیلی
ممنون شده بودند کاسیک هم خیلی مسرور شده بعضی اشیاء قیمتی به (کولومب)
بخشید (کولومب) هم بالمقابله با ایشان بعضی انعامات بآن اشخاص نموده بود و
اظهار ممنونیت از این کیفیت نمودند

(فصل دوازدهم)

آن کشتیکه بسنگ خورده بود و بخشکی افتاده بود عملجات در آنجا وقت گذرانیده
بودند با بومیان معاشرت پیدا نموده بودند در این مدت چون از بومیان
هیچ گونه حالت ناگواری بروز نکرده بود در کمال آسایش و رفاه بودند باز نان
آنجا هم راه مخالطت پیدا نموده بودند و در آن جزیره چون مملو از معادن
طلا بود عملجات مذکور نزد (کولومب) آمده درخواست نمودند که با ایشان اذن
اقامت در آنجا داده شود (کولومب) هم راضی باین مسئله گردید چنین مناسب دید
که یک قلعه در آنجا بنا نموده یکعده از اسپانیولیها را در آنجا سکنی دهد و
با اسپانیولیهائیکه بنا شد در آنجا اقامت نمایند امر نمود که زبان بومیان را
تحصیل نموده اشیائیکه در دست دارند بطلا معاوضه نموده حتی المقدور
از معادن مذکور جمع نمایند و خودش هم قرار براین داد که با اسپانیول مراجعت
نماید یک قلعه در آنجا بنا نموده مصالح کشتیکه شکسته بود در آنجا بکار
برد و طوپهای آنرا هم در آنجا مستقر نموده و ببومیان اظهار کرد که تا آنکه
از اسپانیول عسکر بآنجا برسد محض حمایت و صیانت ایشان این قلعه را در
آنجا بنا نموده است (کاسیک) خیلی ممنون شده بنیات حقیقی اسپانیولیها را
ابدا ملتفت نگردید و بجهت تمام بنای قلعه خیلی از اتباعش معاونت
نمودند در حین بنای قلعه خبر آوردند که سفینه (پینتا) در جوار لنگر

انداخته است (کولومب) یک کاغذی به (الونزو نیرونو) فرستاده او را نزد خودش جلب
نموده قاصد سترو و زبعد آمده هیچ خبری از بابت سفینه (پینتا) نیاورد اینفقره
باعث تشویش حواس (کولومب) گردید تصور نمود که هرگاه سفینهٔ (پینتا) قبل از
ورودش باسپانیول مواصلت نماید از شان و شهرت محروم خواهد ماند
و هرگاه غرق شده باشد لنز سفینه (سانتاماریا) چون از همه کوچکتر است عزیمت
باسپانیول اشکال عظیمی روی خواهد داد بناء علیه زحمات و مشاقیکه متحمل شده
بیحاصل خواهد بود ممالک مکشوفه کما فی السابق مجهول خواهد ماند در هر
حال عزیمت باسپانیول را مرجح دانسته با کمال عجله مشغول اتمام قلعهٔ مذکور
گردید همه روزه سرکشی بعملجات بنای قلعه مینمود یک روزی (گواکاناگاری)
با پنج نفر دیگر از اتباعش یک تاجیکه از طلا ساخته بود بنا آورده و (کولومب)
را با تشریفات فوق العاده در یک صحرای واسعی برده آن تاج را بسرش گذارد
گردن بند خودش را بگردن (گواکاناگاری) ببندد پالتوئیکه در برش بود به (کاسیک)
پوشانید و یک جفت کفش قرمز (کولومب) هم بپایش کرده محل نقره چون در
انجا یافت نمیشد یک انگشتر نقره هم به (کاسیک) هدیه نمود روز یکه سفینه (کولومب)
از خطر طوفان خلاص شده بود چون مصادف بیوم میلاد عیسی بود و
بزبان اسپانیولی (ناویداد) که بمعنای ولادت عیسی میباشد قلعه را بدان موسوم نمود

(کاپیتن) اول کشتی را در انجا رئیس قرار داده و (دیترو کوتیرز) را نایب مناب آن قرار
داد یک طبیب هم در انجا گذارده بجهت تجارت بعضی امتعه هم بایشان سپرد
پس از تهیهٔ لوازم سفر کلیهٔ اسپانیولیها را جمع نموده یک نطق بلیغی نمود و در ان
ضمن سفارش اکید نمود که همیشه نیکیهای بومیان را فراموش ننموده با ایشان
حسن رفتار نمایند و از هر نوع تعدیات نسبت باسپانیولیها شود که دیگر
باعث منازعه شود خود را نگاه دارند و چون هرگاه بهیئت اجتماع باشند قوت
و قدرت ایشان محسوس خواهد شد جایز نمیباشد که در نقاط مختلفهٔ جزیره
پراکنده شوند و بصاحب منصبان و رئیس قلعه توصیه نمود که محصولات
مختلفه و معادن ذیقیمت انجا را کشف و تحقیق نموده یک مکان مناسبی بجهت
سکونت اسپانیولیها پیدا نمایند و از حرکت (کولومب) بکاستیلیا فی الفور انکا بیلد
زینت داده و در باره صاحبمنصبانیکه در انجا اقامت خواهند نمود
(کولومب) سفارش زیادی خواهد کرد و هم ایشان را در بارهٔ مخصوص (دیگوارانا) نموده
وعده داد که مراجعت از اسپانیولیها عسکر زیادی خواهند آورد (کاسیک) بیچاره
از مراجعت (کولومب) خیلی متأثر گشته بیان نمود که هرگونه معاونت باسپانیولیها
که در انجا سکنی میگیرند خواهد نمود (کولومب) محض اینکه قوت و قدرت
خودشان را بهندیان بنماید یک مانور هم اجرا نموده در ان حین الات حربیه که

همراه داشتند کلیه انهارا استعمال نموده موجب حیرت بومیان کردید
پس ازان از قلعه ملت تیر طوب خالی نموده کلوله باکمال سرعت از دهان
طوب خارج شده بیک مسافت دوری افتاد و سنکهائیکه از اصابت
کلوله طوب شکسته باکمال شدت بر شاخه درختان میرسید مشهود
اسپانیولها کردید متعجب و حیران شدند پس از ختام مانور (کریستوف) رسم
وداع را بجای اورده در سنه ۱۴۹۳ میلادی در ماه کانون ثانی رومی بسفینه (نینا)
سوار شده بجانب اسپانیول حرکت نمود

هنگام مفارقت (کولومب) کاساپت بجکم محزون شده که از دیدهایش سرشک
تحسر جاری کردید فصل سیزدهم (کریستوف) از بندر (سانتا ترینا) حرکت
نموده بطرف شرق جزیره (هایتی) عنان عزیمت را معطوف داشت در
انجا بیک دماغه بزرکی رسیده (مونت کریستو) نامنهاد بواسطه عدم مساعدت
هوا در یک خلیجیکه در انجا واقع بود توقف نمود پس از انکه هوا معتدل شد
از خلیج مذکور بیرون امده پیوسته بسیاحت مشغول شد در ان خلیج بعضی
از عملجات چون خبر مشاهده سفینه (پنتا) را دادند این مژده باعث
مسرت عموم کشته منتظر تقرب وی شدند هوا چون مجددا منقلب شد
سفینه (کولومب) بخلیج مذکور حرکت نموده هنگام ملاقات (انزو بزون)

(حاشیه: معاودت نموده سفینه (پنتا) هم بخلیج مذکور)

با

با (کولومب) به بیان بعضی معاذیر حرکت خود را روپوش نموده (کولومب)
ظاهرا معاذیر او را پذیرفته عفو و اغماض از حرکات او نمود پس از مدتی
از قرار بیانات عملجات معلوم شد بجهت کشف یک جزیره که ثروتش را
هندیان مدح و ستایش نموده بودند از کشتیها مفارقت نموده بسوی جزیره
مذکور شتافت پس از چندی ببعضی جزایر کوچک بی اهمیتی رسیده از
قرار تعریف هندیان که بجزیره (هایتی) شتافته چند روزی در انجا اقامت
نموده مقدار کثیری طلا جمع نمود نصفش را خود برداشته نصف دیگرش
را بعملجات تقسیم نموده هنگام مفارقت از انجا چهار نفر هندی و دو دختر
بجهت فروش جبرا از انجا همراه خود اورده بود

بهرحال (کریستوف) اگرچه از ورود سفینه (پنتا) استمداد میتوانست نماید
بعضی جزایر دیگر کشف نماید ولی از (انزو) امنیت نداشت عودت باسپانیول
را مرجح دانست

در نهم ماه کانون ثانی رومی از خلیج مذکور حرکت نموده بیک نهریکه
سابقا (انزو) رفته بود رسیده (ریو دکراسیا) نامنهاد (انزو) وقتیکه بدانجا
رفته بود شانزده روز در انجا توقف نموده و مقدار زیادی پس از
انکه طلا جمع نمود در حالتیکه غرق شدن یکی از سفینه‌های (کولومب) را شنیده

بود بمعاونت او اقدام ننموده نیت عزیمت اسپانیول را نمود اگرچه این فقرات
مسموع (کولومب) گردید ولی چنین مقتضی دانست که صرف نظر از حرکات او نماید
تنها چهار نفر هندی با این و نفر دختر را که (دالنزو) اسیر کرده بود بعضی هدایا
داده آزاد نمود پس از آن از نهر مذکور حرکت نموده بیک دماغه دیگر رسید
(کاپ دل اناموراوا) نام نهاده از این دماغه که مرور نموده بیک خلیج بزرگی
رسید در انجا لنگر انداخت (کولومب) با چند نفر داخل خشکی گشته اهالی
انجا ابدا مشابهت با اهالی نقاط دیگر جزایر نداشته با بعضی آلات حربیه
مسلح شده بودند از رفتارشان معلوم بود که خیلی مایل بجنگ هستند بدن
خود را با الوان مختلفه ملون نموده موهاشان خیلی بلند بود و بدن خود
را از پر طوطی و سایر مرغان زینت داده از قرینه معلوم شد که ایشان
از اقوام (کارائیب) هستند یکی از اهالی انجا مسلحا بکشتی (کولومب) آمده در
آن اثنا (کولومب) بکشتی عودت نموده با او سؤال و جواب نموده معلوم شد
جزیره (کارائیب) در طرف شرق واقع و در میان این جزایر یک جزیره موجود است
که اهالی انجا فقط از جنس اناث هستند
محض اینکه اهالی انجا منقرض نشود سالی یکمرتبه مردان جزیره (کارائیب) را
قبول نموده اطفال ذکور ایشان را (کارائیب) برده و اناث ایشان را در جزیره

مذکور

مذکور وا میگذارند . (کریستوف) محض اینکه با بومیان مناسبات
پیدا نموده مقدار زیادی طلا تحصیل نماید پس از آنکه هدایای زیادی
باو داد با یک قایق او را بخشکی فرستاده وقتیکه قایق بخشکی نزدیک
شد عملجاتیکه در آن بودند بقدر پنجاه نفر از بومیان مشاهده نمودند
که با آلات حرب از قبیل نیزه و گرز در عقب درختان پنهان شده اند
وحشیکه در قایق بود با ایشان پاره سخنان گفته همگی بدون اسلحه نزد
اسپانیولها آمدند (کریستوف) بعملجات امر نموده بود که از اسلحه ایشان
چند قبضه گرفته با سپانیول بفرستند حسب التکلیف ایشان وحشیان
دو تیر با سپانیولها داده پس از مدتی کلیه مسلح گشته بیک طور
وحشت انگیزی با سپانیولها حمله آوردند اسپانیولها هم فورا مسلح گشته
چند تیر تفنگ با ایشان انداختند و نفر از ایشان مجروح و ما بقی فرار
نمودند اسپانیولها اگرچه میخواستند بتعاقب فراریان شتاب نمایند
ولی کرجیبان مانع حرکت ایشان گردید این مجادله دفعه اول بود که ما بین
اسپانیولها و اهالی ممالک مکشوفه واقع شده بود (کریستوف) چون دید
زحماتیکه متحمل شده بود بیحاصل ماند باز خود را یک درجه بدان تسلی
میداد که اقوام (کارائیب) جرئت حمله با سپانیولهای مقیم در قلعه (ناویداد)

نخواهند نمود مع ذلک معلوم شد که این وحشیان منسوب بیک قوم
دیگر که معروف به (سیکوایانی) میباشند هستند

فردای آن روز جم غفیری بساحل آمده عرض مطاوعت نمودند و یک
کمر مرصع هم (کاسیک) هدیه فرستاد پس از کمی خودش با سه نفر دیگر
نزد (کولومب) آمده (کولومب) ملاطفت وافری بدو نموده چون میدانست
که هندیان میل مفرطی بعسل دارند با ایشان عسل و (بیزکویت) هدیه نمود و
هر طرف کشتی را گردش داده پس از آن کاسیک با قامتگاهش رجعت نمود
چون منزلش خیلی دور از ساحل بود مجدداً نتوانست نزد کولومب بیاید
لهذا تاج خودش را برای او فرستاد (کولومب) باید دو روزی در خلیج
مانده با ایشان مناسبت پیدا نمود و از بومیان چهار نفر آمده بجزیره
که در طرف شرق بود بحد مدح و ستایش از جزیرهٔ مزبور نمودند که
(کریستف) عزم سیاحت بدانجزیره نمود و این چهار نفر هندی را بجهت بلدیت
همراه برداشته در شانزدهم کانون ثانی روی بیک خلیجی رسیده بدو
(کولفو دولاس فلاس) نام نهاده پس از آن بسوی جزیرهٔ (مارتی نی نو)
شتاب نمود پس از آنکه هفت ساعت قطع مسافت نمودند هوا مجدداً
منقلب شد از ملاحان شکایت بروز نمود (کولومب) محض تسکین خاطر

ملان

ایشان کشتیها را بسوی جزیره اسپانیول سوق نمود مشکلاتیکه هنگام
عزیمت مصادف گشته بود بعین همان اشکالات هنگام مراجعت
دوچار شد بتوهوا یک مدتی منقلب گشته پیشرفتن کشتیها خیلی صعوبت داشت
داشت دکل سفینه (نینا) هم چون شکسته در روان بر روی کشیدن خیلی صعوبت
در اوایل شباط هوا کسب اعتدال نموده خیلی مسافات قطع نمودند (کولومب)
در آن اثنا بعضی حسابات دقیقه نموده تخمین نمود که ۲۶ ساعت مسافت
با اسپانیول باقی مانده است

در دهم شباط (باریولومه) (رولدان) و دیگران از روی نقشه ها بعضی تحقیقات بعمل
آورده اتفاقاً بانکه (کولومب) تخمین نموده بود ۱۵۰ ساعت با اسپانیول نزدیکتر
تخمین نمودند (کولومب) اگرچه خطای حسابات ایشانرا ملتفت بود ولی تخمینات
غیر صحیحه ایشانرا تصحیح نموده هوا گاهی معتدل و گاهی منقلب گشته پس از مدت
کمی یکطوفان شدیدی ظهور نموده کشتیها در معرض خطر بودند و باد
شدیدی وزیدن گرفت (کولومب) مجبور شد که کشتیها را باستقامت باد سوق
و بحرکت نماید سفینه (نینا) از سفینه (کولومب) جدا شد از نظر ناپدید
شد و دیگر بزرگش چون شکسته بود (کولومب) تصور نمود که سفینهٔ مذکور
غرق خواهد شد یوم مذکور شدت طوفان دوام نموده فردای آن روز طرف صبح

بجز تلاطم دریا در اطراف کشتیها هیچ چیز دیده نمیشد (کرلمب) چون در معرض
خطر بزرگی خود را مشاهده نمود عملجات را اطراف خود جمع نموده از خداوند
قادر متعال استمداد نمود مع ذلک تلاطم دریا شدت نمود (کرلمب) محض اینکه
اثر طوفان را کمتر نماید امر نمود که عملجات سبدهای چوبی را پر از آب نمایند تا تلاطم
دریا آن بآن چون شدیدتر میشد عملجات یقین حاصل نمودند که غرق
و تلف خواهند شد (کرلمب) هم مستغرق دریای غم و اندوه گشته چیزیکه
بیشتر اسباب اندوه شده بود این بود که هرگاه غرق شود از کشفیات او در دنیا
کسب اطلاع نخواهند نمود از فقره بعد که در لایحه که بجهت فردیناند
فرستاده بود معلوم میشود تا چه درجه (کرلمب) محزون شده بود

[حیاتم را خداوند چون بمن عطا نموده است هرگاه فقط شخص خودم در معرض
هلاکت بودم با کمال امتنان تحمل بدان هلاکت مینمودم چونکه همیشه مرگ را
در پیش چشم خود می بینم ولی در حالتیکه خداوند تبارک و تعالی اقتدار
اجرای این سیاحت را بمن عطا فرموده قبل از آنکه ثمرات زحماتم را هموطنانم
مطلع شوند وفات نمایم چون بخاطرم میرسد که از زحماتم هموطنانم
بی بهره خواهند ماند حزن و اندوهم زیادتر میشود]

تدبیریکه بخاطرش رسید این بود که شرح سیاحات خود را در روی یک

پوستی

پوستی نوشته در یک پاکتی گذارده مهر نمود و در روی آن پوست نوشته
بود که [هرگاه کسی این پاکت را بدون اینکه باز نماید بفردیناند برساند هزار
اشرفی خواهد گرفت] پس از آن آن را در یک مشمع پیچیده و در یک سبد
چوبی گذارده بدریا انداخت فقط چون محتمل بود که این سبد چوبی هیچ
بساحل نرسد بر وجه مشروح یک کاغذ دیگر نوشته و در یک سبد
چوبی دیگر گذارده بکشتی بست و امیدش این بود که هرگاه سبد اول
بساحل نرسد کشتی پس از غرق شدن بساحل افتاده سبدیکه باو بسته بود
بساحل خواهد افتاد ولی بعملجات چنین اظهار نمود که بجهت تسکین
شدت طوفان بعضی اعمال مذهبی بجای بیاورد

(کریستوف) پس از آنکه این تدبیر را بکار برد بدان متسلی شد که از کشفیاتش
پس از غرق شدن یک روزی اروپا با خبر خواهد شد بر منوال مشروح در حالتیکه
کشتی را بدان سمتیکه باد میبرد حرکت مینمود روز پانزدهم شباط رومی
(اریوکاریا) که در بالای دیرک بزرگ رفته بود خشکی فریاد زده ملاحان
کشتی بدرجه که دنیای جدید را وقتیکه کشف نمودند ممنون شده بودند
بهمان درجه از مشاهده دنیای عتیق مسرور شدند

در باب خشکی که مشاهده شده بود بعضی مباحثات در میان ایشان برخواسته

شد یکی جزیرهٔ (مادرا) و دیگری در جوار (لیزبون) و (کولومب) بتجارب شخصی خودش
خشکی را جزیرهٔ (ازورا) تخمین نموده بود

عملجات در حالتیکه از دیدن خشکی اظهار مسرت مینمودند باد شدیدی
وزیدن گرفت مانع حرکت کشتی گردید فقط با هزار گونه اشکالات بیک
جزیرهٔ دیگر رسیدند

اخر الامر در جهت جنوبی یک جزیرهٔ لنگر انداخته (کریستوف) چون
مریض و زیاده از حد هم خسته بود باستراحت مشغول شد

(فصل چهاردهم)

در فصل سابق مذکور شد (کولومب) در مقابل یکی از جزایر (ازورد) که
موسوم بجزیره (سانتا ماریا) و از مملکات پرتقال میباشد لنگر انداخت
اهالی جزیرهٔ مزبور از مقاومت کشتی (کولومب) با آن طوفان شدید
متحیر مانده بودند از عملجات کشتی چند نفر بساحل تقرب نموده از
اهالی انجا تحقیق یک معبد محفوظی را نموده از جواب ایشان معلوم شد
که در انجوار یک معبد محفوظی موجود است در حینیکه قایقی از ساحل
مفارقت مینمود سه نفر از عملجات در ساحل مانده سرگذشت سیاحت
خود را باهالی نقل و بیان نمودند طرف شام سه نفر دیگر در ساحل

مانده

مانده بودند که کشتی اشاره نموده یک قایق طلب نمودند فوراً یک قایق
بدانجا فرستاده شد حاکم جزیره یک مقدار نان و میوه بجهت (کولومب)
فرستاده در ضمن معذرت خواست که بواسطه دیر وقت بودن نتوانست
بدیدن (کولومب) بیاید مع ذلک تشویش ایشان که فردا با یک مقدار مأکولات
خودش برای (کولومب) آورده سه نفر عملجات کشتی را هم همراه خود آورده بواسطهٔ
اینکه دیر وقت بود در جوار ساحل هم خانه موجود نبود شب را در کشتی
ماندند . هنگام شدت طوفان چون عملجات نیت کرده
بودند که باول کلیسا برسند اجراء آیین نمایند و در جزیرهٔ مذکور یک
کلیسائی موجود بوده بجهت رفتن بدانجا نصف عملجات بخشکی داخل شده پس
از عودت ایشان قرار بر این شد نصف دیگر بدانجا بروند همینکه اسبابها
داخل کلیسا شدند حاکم جزیره با یک مقدار عسکر کلیسا را احاطه نموده
عملجات را دستگیر نمودند چون کلیسای مذکور در پشت یک تپه واقع بود (کولومب) از این
نفره مخبر نگشته ولی همینکه از ایشان خبری معلوم نشد بشبهه افتاد در اثنا
یک دسته عسکر مسلح (کولومب) مشاهده نمود که بطرف کشتی میایند عداوت
اهالی پرتقال را چون میدانست فوراً ملتفت شد که ایشان درباره او یک سوء
نیتی داشتند (کولومب) عملجات را مسلح نموده امر نمود که در کشتی مختفی شوند و حین

لزوم قاپوترا ضبط نمایند . حاکم جزیره کرد در انقاپوتی نشسته بود همینکه
بکشتی نزدیک شد امنیت خواست که بکشتی داخل شود (کورویب) اگرچه وعدهٔ
امنیت بایشان داد ولی ابدا اعتماد بقول (کورویب) ننموده بیک مقدار مسافت
دور از کشتی توقف نمودند (کورویب) عدم امنیت ایشانرا توبیخ نموده در ضمن بیان
نمود که اینگونه حرکت یکنوع بی احترامی نسبت بامپراطور اسپانیول میباشد و علاوه
بران سمت رسمیهٔ خود را هم اظهار نمود ایشانرا تهدید نمود که دولت اسپانیول
ازاین تحقیر انتقام خواهد کشید حاکم جزیره ازاینگونه تهدیدات ابدا تخوف
ننموده جواب داد که بموجب مراد پادشاهش حرکت کرده است پس ازاین گفتگو قایق
عودت نمود (کورویب) ازاین قضیه خیلی دلتنگ شده تصور مینمود که مابعدها
ملت جنگی مابین دولت اسپانیول و پرتقال وقوع خواهد پیوست
فردای انروز هوا منقلب گشته چون اقامت در ان نقطه مساعد نبود (کورویب)
کشتیها را از وسط دریا حرکت داده پس هوا مجددا کسب اعتدال نموده بدانجا
امد یک قایق نزد کشتی (کورویب) امده در ان یک واهیباد و نفر دیگر از طرف
حکمران جزیره بجهت تحقیق سمت رسمیهٔ (کورویب) امده بودند و در ضمن
بیان نمودند که هرگاه سمت امپراطوری داشته باشد حاکم هرگونه خدمت و معاونت
درباره اش خواهد نمود (کریستوف) اگرچه فهمید که حاکم جزیره خطا نموده بدین

وسیله میخواهد تصحیح خطای خود را نماید ولی ابدا در این باب چیزی اظهار ننموده
اوراق رسمیهٔ که در دست داشت نشان داد فردای انروز عملجات انکه توقف
کرده بودند بکشتی فرستادند از قرار بیانات ایشان معلوم شد که هنگامیکه
پادشاه پرتقال مانع خواهد شد تعمیم حکام جزایر کرد و جزء مستملکاتش بودند
امر نموده بود (کورویب) را در هر نقطهٔ بیابند توقیف نمایند بدانسبب حاکم
جزیره انها بیکرد و کلیسا بودند بند اشتند (کورویب) است لهذا توقیف نمودند
(کورویب) دو روز دیگر در انجا توقف نموده پس از ان کشتیهای اسپانیول حرکت
نمود در ان هنگام باران شدید باریدن گرفته عملجات نمیدانستند که
بکجا میروند و از حیات خود قطع امید کرده بودند طرح نحو دیگر بود کشتیها را
اداره نموده اخر الامر در مقابل شهر (لیزبون) لنگر انداخته اهالی انجا در
اطراف (کورویب) اجماع نموده خلاصی از این طوفان شدید را که کشتیبانان
خیلی مستبعد بخاطر نداشتند تعجب مینمودند (کورویب) بمحض ورود بدانجا یک
مامور مخصوص نزد پادشاه اسپانیول فرستاده ورود خود را بدانجا اطلاع
داد و یکعریضهٔ هم بحضور پادشاه پرتقال عرض نموده اجازه درخواست
نمود که بشهر (والبارز) برود و دولت پاک نوشت که این کاغذ از طرف کسی
فرستاده شده است که بطرف غرب سیاحت نموده جزایر (هیاکند) و هند

کشف نموده است فردای آن روز رئیس کشتی جنگی به (کولومب) تبلیغ نمود که یک کشتی
مذکور و فته (لنگر) خود را وا نموده (کولومب) چون سمت امیرالی داشت
تکلیف او را قبول ننموده جواب فرستاد که تذکره اش را خواهد فرستاد در رئیس
کشتی جنگی پس از آنکه سمت و سمه (کولومب) و سیاحتش را مخبر شد با اهل دسته
موزیک نزد (کولومب) آمد کمال احترام را درباره اش بجای آورد کیفیت سیاحت
(کولومب) در آنجا شایع گشته جم غفیری بتماشا آمدند از مشاهده حیوانات غریبه
و نباتات عجیبه بخصوص از هندیها بیکه از ملل و اقوام معلومه فرق کلی
داشتند متعجب شدند پس از چند یک مامورین از طرف پادشاه پرتغال
نزد (کولومب) آمده او را بحضور پادشاه دعوت نمود و از طرف پادشاه امر شده
بود که هر چه بر (کریستوف) لازم باشد بلاعوض داده شود (کریستوف) همان روز
بسوی شهر (والپارزو) حرکت نمود از نقاط مختلفه جمع کثیری بجهت تماشای
(کولومب) جمع گشته رؤسای دربار هم همینکه (کولومب) بسرای سلطنتی نزدیک
شد باستقبال او شتافتند با دبدبه و جلال او را بسرای سلطنتی بردند
پادشاه پرتغال خود (کولومب) را بحضورش خواست اذن جلوس بدو داد چون
نادر اتفاق می افتاد که پادشاه بکسی اذن جلوس بدهد از آنکیفیت معلوم
میشود تا چه درجه در حق (کولومب) توجه بهم رسانیده بود خلاصه (کریستوف)

شروع

شروع بسرگذشت خود نموده احوال ممالکیکه کشف کرده بود شرح و بیان نمود
اگرچه ظاهرا پادشاه اظهار ممنونیت مینمود ولی یکزمانی تکالیف (کولومب)
را چون رد کرده بود از اینفقره خیلی متاسف بود (دی کارتو) را برایش مهمان
دار تعیین نمود از حضورش مرخص نمود فردای آن روز مجددا بحضور پادشاه مشرف
گشته بعضی اطلاعات از وضع ممالک مکشوفه سوال نموده مخصوصا خطای
سیاحت (کولومب) را پرسید (کریستوف) سؤالات پادشاه را یک بیک جواب داده
علاوه بر این عرض نمود که ممالکیکه کشف نموده است تا کنون بر همه کس غیر معلوم
بوده است پادشاه پرتغال خوف ننمود که این کشفیات بر مستملکاتش خللی
وارد از جانب دولت پرتغال بیاورد لهذا این مسئله را بمثابه ورنجش اظهار
نموده ایشانهم ابتدای عزیمت (کولومب) را از جنون دانسته بودند و قول
او را رد کرده بودند و حال (کولومب) تصوراتش را از قوه بفعل رسانیده
با این همه شان و شهرت مراجعت نموده بود از شدت حسد و عداوت
اظهار پادشاه را تصدیق نموده عرض نمودند که در حینیکه سرگذشت
خود را بعرض میرسانید از بیاناتش معلوم بود که یکنوع سرزنش به پادشاه
میداد از هر جهت سیاحات و کشفیات او را بی اهمیت قلم داد حتی
اظهار نمودند که محض اینکه بمستملکات پرتغال خللی وارد نماید (کولومب)

را بقبول رسانند پادشاه پرتغال خیلی سلیم النفس و با مرحمت بود اگر چه نمیتوان
این فقره را صحیح پنداشت ولی این فقره را مورخین مشهور از (کولومب) (لاس کازاس) و
(واشنگتن ایروینگ) بیان مینمایند مع ذلک پادشاه پرتغال نصیحت ایشان را قبول
ننموده اظهار داشت که کشفیات (کولومب) بعالم مدنیت خدمتی نمایان کرده است
بعضی از مشاورین دیگر بیان نمودند که (کولومب) را اجازه داده باسپانیول
برود و قبل از آنکه بسیاحت ثانوی اقدام نماید بدلالت دو نفر کشتیبان
که از اهالی پرتغال بوده در معیت (کولومب) بودند چند دستگاه کشتی
فرستاده بنام دولت پرتغال ممالک مکشوفه را ضبط نماید از قرار روایت
مورخ معروف به (دو رسکو نزیرز) فردیناند این رأی را صواب دانسته کشتیهای جنگی
بنا بود بدانجا بفرستد (فرانسکو المیدا) را دلیل کشتیها تعیین نموده بدانجا
فرستاد خلاصهٔ کلام (کولومب) از اینجا حرکت نموده هنگام عبورش از
(ویلا فرانک) با ملکهٔ پرتغال هم ملاقات نموده در پانزدهم ماه مارت وقت
ظهر به بندر پالوس رسید

(فصل پانزدهم)

چون هفت ماه و نیم از عزیمت (کولومب) مرور نموده خبری معلوم نشده بود
اهالی پالوس در حالتیکه از مراجعت (کولومب) مأیوس شده بودند خبر

مراجعت

مراجعت (کولومب) در آنجا شایع گشته اینفقره معلوم است تا چه درجه موجب
مسرت ایشان گردید بمحض اینکه این قضیه در قصبه شایع شد اهالی دکاکین را
بسته در کلیساها ناقوس زدند و بمحض ورود (کولومب) شلیک نموده اهالی
در اطرافش اجتماع نموده با کمال احترام وی را به بزرگترین کلیسای قصبه بردند
از سیل و وصول بدین اکتشافات مهمه تشکر باری تعالی را بجای آوردند
پس از ایفای ادای فرایض دینیه از کلیسا بیرون آمد از هر کجا که میگذشت
نهایت احترام را در باره اش بجای میآوردند جلال و عظمت (کولومب)
را هرگاه قبل از عزیمتش بسیاحت بفقر حالتش مقایسه نمائیم ببینیم احوال
دنیوی تابع چگونه انقلابات است باری (کریستوف) چون شنید که امپراطور اسپانیول
در (بارسلون) میباشد ابتدا قرار براین داد که از راه دریا بدانجا روی
آورد ولی هوا چون منقلب شد طریق صحرای را مرجح دانسته عازم
جانب مقصود گردید مکتوبی هم بحضور امپراطور فرستاده در (سویل)
منتظر امر پادشاه باشد از ممالک مکشوفه ده نفر را که همراه آورده بود
یکنفرش وفات نموده و سه نفر هم مریض گشته در (پالوس) گذارده شش
نفر دیگر همراه بوده روز ورود (کولومب) شبش کشتی (پینتا) هم در آنجا
وارد شد (الونزو پنزون) چون از ورود (کولومب) اطلاع نداشت چنین شهرت

داد که ممالک مجهوله را او کشف نموده است و بجهت عزیمت بسرای پادشاه
یک عریضه بحضور امپراطور فرستاده و ورود به بندر (پالوس) کشتی (کولومب)
را مشاهده نموده خیلی مضطرب گردید چون دفعه ثانوی از (کولومب) جدا شده
بود از خوف (کولومب) که مبادا او را توقیف نماید محرمانه داخل قصبه گشته
و چون از اهالی آنجا بود بخانه خودش ورود نموده تا عزیمت (کولومب)
مختفی ماند . از قرار روایت (موکوز) چند روز بعد از امپراطور
بجواب کدورت آمیزی بدو رسید و مرضیهم بمزاجش عارض گشته
در اندک مدتی وفات نمود مورخ مذکور بیان و روایت مینماید که پس از
وفات (الونزو) اولاد و ورثه‌اش ادعا نمودند که قبل از آنکه (کولومب)
بسیاحت کشف امریکا اقدام نماید (الونزو) زمانیکه در (ایتالیا) در شهر رُم
بوده است در کتابخانه پاپ بعضی نقشه‌جات موجود بوده است که از
روی آنها موضع جغرافی ممالک مجهوله را تعیین نموده اند از ممالک
خود شد و کشتی تهیه نموده این سیاحت را اجرا نمود ولی با دعای ایشان
کسی اعتنائی نکرد

(فصل شانزدهم)

چنانچه سابقاً ذکر شد از طرف (کولومب) عریضه که بحضور امپراطور فرستاده
شده بود در شهر (بارسلون) بدو رسید و جانش فوق العاده اظهار

تأثر

تأثر نموده بجواب تبریک نامه بدو فرستاد و در ضمن بسرای سلطنتی او را
دعوت نموده عنوان پاکت هم این بود [امیر البحر محیط و حاکم کبیر جزایری
که در هندوستان کشف شده است] جواب امپراطور در (سویل)
به (کولومب) رسید هندیان و محصولات مختلفه ممالک مجهوله را همراه
برداشته بسوی (بارسلون) حرکت نموده کشفیات (کولومب) در تمام مملکت
منتشر گشته در بین راه احترامات فوق العاده درباره‌اش بجای آوردند
و عموم خلق از مملکتهای بزرگ باستقبالش شتاب نمودند در اواسط
شهر مارت بپارسلون رسیده در آنجا هم مظهر احترامات فوق العاده گردید
همینکه بشهر مذکور نزدیک شده یک قاصدی از خدمت سلطان نزد او
آمده سلام امپراطور را بدو تبلیغ نموده با عظمت و جلال وارد شهر گردید
بقدری جمعیت اطرافش را احاطه کرده بود که عبور از کوچها غیر ممکن بود
و زنها هم از پنجره‌ها بتماشای (کولومب) آمده بودند پادشاه اسپانیول
برای ازدیاد شرف و شهرت (کولومب) در یک میدان وسیعی که از هر طرف
دیده میشد یک طاق بزرگیکه از طلا زینت شده و بامر امپراطور بنا شده
بود تخت سلطنتی را در آنجا گذارده اعاظم و اشراف مملکت حاضر گشته پادشاه
و ملکه با ولیعهدش به تخت سلطنتی جلوس نموده منتظر ورود (کولومب) گردیدند

(کرلومب) وارد اوطاق گشته همینکه نزدیک بتخت سلطنت رسید پادشاه
و ملکه از جای خود برخواسته (کرلومب) زانوهای خود را بزمین گذارد
دست امپراطور و ملکه را بوسید حسب الاجازه امپراطور در مقابل ایشان
جلوس نموده چون امپراطور بکسی اذن جلوس نمیداد غالبا از این فقره معلوم
میشود که تا چه درجه درباره (کرلومب) التفات نموده بود (کرلومب) با سلطان
شروع ببیان سرگذشت خود نمود نباتات عزیزه و حیوانات عجیبه و چند نفر
هندیان ممالک مکشوفه را بحضور امپراطور تقدیم نموده پس از آن (کرلومب)
بزانو نشسته از توفیقاتیکه یافته بود باین کشفیات مهمه بنام پادشاه
و ملکه اسپانیول یک خطبهٔ خوانده حضار هم مثال او را امتثال نمودند
در آن اثنا موزیک هم مترنم بود این مراسم پذیرائی بحدی مؤثر شد که
پادشاه و ملکه بدرجهٔ مسرور شده بودند که از قرار روایت
(لاس کاراس) مورخ پادشاه و ملکه مجنونانه اظهار مسرت مینمودند
پس از آنکه باذن و اجازهٔ پادشاه (کرلومب) از سرای سلطنتی مفارقت
نمود ارکان و اعاظم سرای تا منزلش او را متابعت نمودند خبر انکشافات
جدیدهٔ (کرلومب) در جمیع نقاط مملکت منتشر گشته ادبا و علمای عصر
در این باب خیلی شرحات منتشر ساختند

جز

خبر کشفیات (کرلومب) در تمام اروپا منتشر گشته چون وطن اصلیش (ژن) بود
ایتالیائیها بوجودش فخر مینمودند و یکوقتی مجلس وزرای ایتالیا چون تکالیف
او را رد کرده بودند خیلی از این مسئله نادم بودند
مدت اقامتش در (مادرید) باو اذن داده شده بود که هر وقتی از اوقات
میل داشته باشد بحضور امپراطور بلا اجازه مشرف گردد . محض ادای
شرف انکشافات بخاندان (کرلومب) امپراطور دولتی تاجیکه در یک طرفش
(آرم) دولت اسپانیول و طرف دیگرش بعضی جزایر محاط با امواج نقش شده
بخشیده بود که در زیرش این طور نوشته بودند

[pour castilla y pour bon
nov monde hallo colon]

یعنی برای پادشاه کاستیل و لئون کولومب دنیای جدید کشف کرده است
علاوه براینکه پادشاه و ملکه التفات درحقش مینمودند سایر ارکان
مملکتهم نوازشهای گوناگون درباره اش بجای می آوردند
(کاردینال) بزرگ دولت اسپانیول یک ضیافتی برای تشریفات (کرلومب)
ترتیب داده هنگام طعام اذن جلوس بوی داده مراسم تشریفاتیکه در
بارهٔ سلاطین بجای می آوردند درباره اش بجای آوردند در این ضیافت

یکشخص از شدت حسد و عداوت اظهار نمود که هرگاه (کرلومب) کشف نمیکرد دیگری کشف مینمود (کرلومب) بدون اینکه جوابی بدهد یک تخم مرغ را برداشته بحضار تکلیف نمود که عمودا در روی نقطهٔ این تخم مرغ را وضع نمایند حضار هرچه سعی نمودند نتوانستند (کرلومب) تخم مرغ را یک طرفش را شکسته باینطوریکه مقصودش بود وضع نمود حضار گفتند [این کار مشکلی نیست] مقصود (کرلومب) از این مسئله این بود که هر کس این تخم مرغ را دید چگونه آسان پنداشت طریق ممالک مکشوفه هم پس از کشف شدن سهل می پندارد

محض اینکه حقوق تصرف دولت اسپانیول در ممالک مکشوفه مجرا گردد موافق مراسم جاریهٔ آن زمان حکمرانی و لایتی هم چون منوط بتصدیق پاپ بود بجهت حصول این مقصد نزد الکساندر ششم که در آن زمان سمت پاپی را داشت به (رم) ایلچیان فرستاده شد در سنه ۱۴۹۳ میلادی در دوم ماه مارت در روی حقوق تصرف دولت اسپانیول در ممالک مکشوفه برموجب امر پاپ تصدیق کردند و در باب متملکات پرتغال یک حادثه مابین دولت اسپانیول و دولت مشارالیها محض اینکه ظهور ننماید دولتین مذکورتین برحسب امر ثانوی پاپ بشرح ذیل تحدید حقوق نمودند یعنی

بیک

بیک نقطهٔ که بیکصد ساعت فاصله از جزایر (آزور) و جزایر دماغه سبز داشته باشد از قطب شمال بقطب جنوب یک خطی ترسیم نموده در طرف غربی این خط ممالکیکه کشف کرده و در آتی کشف خواهد شد قرار براین شد که تعلق بدولت اسپانیول داشته و ممالکیکه در طرف شرقی این خط واقع است تعلق بدولت پرتغال خواهد داشت

قبل از ورود امرنامهٔ پاپ که برمنوال مشروح بیان شد پادشاه اسپانیول امر نمود که یک سیاحت ثانوی بروند تدارکات این سیاحت برموجب دستور العمل (کرلومب) اجرا گردید و (جوان رودریکوه زدی فونسکا) بطرفیکه هندوستان نصب و تعیین گشته و بجهت قطع و فصل امور ممالک مکشوفه یک مجلسی در شهر (سویل) احداث گردید و جزیرهٔ اسپانیول که در ممالک جدیده واقع است قرار شد که در تحت ریاست (کرلومب) هم چنین مجلسی احداث گردد و بجهت سیاحت ثانوی (کرلومب) امر شد که هفده دستگاه کشتی تدارک شده مقاوله نامه که در قلعه (سانتافه) ما بین (کرلومب) و دولت اسپانیول منعقد شده بود احکامش مجددا تصدیق گشته علاوه براینکه در حاشیه در مقاوله نامهٔ مذکور مندرج بود که در همهٔ جزیره سه نفر مامور مشخص گشته یکی از مامورین از طرف فردیناند تعیین و انتخاب کرده از فرط منشی

که پادشاه به (کلومب) داشت تعیین و انتخاب هر سه مامور را برای (کلومب) واگذار نمود . والحاصل (کریستوف) از شهر بارسلون به بندر (کادیس) عزیمت نموده بتدارکات سفر مشغول گردید پس از اختتام تدارکات سفر جمع کثیری نزد (کریستف) آمده بیان ارادۀ سیاحت آنجا را نمودند چون کشتیها کفاف استیعاب تمام اشخاص را نداشت از میان ایشان هزار و پانصد نفر انتخاب نموده و هر نوع آلات و ادواتیکه در آنجا لازم شود با چند راس اسب و گاو و سایر حیوانات و نباتاتیکه در آنجا قابل نشو و نما بود همراه برداشته در ۱۴۹۳ سنۀ میلادی از بندر (کادیس) بسوی ممالک مکشوفه عزیمت نمود

خاتمه

فتوحات و کشفیات جدیدۀ ثانوی (کلومب) تا تاریخ وفاتش انشاءالله تعالی در جلد ثانی ذکر و بیان خواهد شد اینجا لازم شد که بیان شود (کریستوف) در سیاحت اولش ممالکیکه کشف کرده بود یک قطعه از خاک هندوستان پنداشته و بجهت رفتن بدانجا چون بطرف مغرب سیاحت نموده بود بدانمناسبت ممالک مکشوفه را هندوستان غربی نام نهاده و جزایریکه در خلیج مکزیک واقعند چون هنوز هم هند غربی و اهالی آنجا (هندو) معروف هستند در این تاریخ بدان نسبت ممالکیکه (کریستف) کشف کرده هندوستان و اهالیش هندو

نامیده

نامیده گشته اسباب تعجب مطالعه کننده گان گرام نگردد

(ایضاحات)

کلومب

بنا بروایت خیلی از مورخین قبل از (کلومب) کاشف امریکا دو نفر (کلومب) دیگر موجود بوده . اینها قرابت با یکدیگر داشته یکی عموی دیگری بود و هردو از متعلقان (کلومب) کاشف امریکا بودند از دو نفر (کلومب) مذکور مستر یکیش در خدمت بحریۀ فرانسه مستخدم بوده و دیگری از طرف مورخین اسپانیول (کولومبو الغزور) و از طرف مورخین دیگر (کولومبو ال ژیوینون) یعنی کولومب جوان نامیده ملقب شد هردو اینها بمراتب عالیه رسیده بیک درجۀ شهرت و نام پیدا کرده بودند . در ایتالیا هم چندین خانواده معروف به (کلومب) موجود بوده نه فقط با (کلومب) کاشف امریکا هیچ قرابت نداشتند کاشف امریکا (کریستوفر کولومبو) قبل از کشف امریکا امضای (کولومبوس) و (کولومبوس دو ترا پرا) را استعمال مینمود پس از آنکه امریکا را کشف نموده اسمش را مقلوب به (کلومب) کرد پس از مدتی حرف میم به (ن) منقلب گشته بزبان اسپانیولی (کولون) شده است از آن زمان مورخین اسپانیول (کلومب) را (کولون) تحریر نموده و چونکه این اسم لقبیش بوده و اسم اصلیش (کریستوبال)

بوده است کاشف امریکا بزبان اسپانیولی (کریستوبال کولون) تحریر نموده و حال
هم بزبان اسپانیولی — (مارکوپولو) — بدان اسم تحریر میشود
(کریستوف) سیاحتنامه (مارکوپول) را مطالعه نموده قسم اعظم تصوراتش از
روی آن اساس اخذ نموده است و در این کتاب هم چون چندین جا اسم او ذکر
شده لهذا لازم است که در بارهٔ (مارکوپول) بعضی ایضاحات بیان کرده
(مارکوپول) وطنش (ونیز) بوده پدرش (نیکولو) بجهت تجارت از آنجا باسلامبول
آمده پس از مدتی توقف در آنجا بحر سیاه را مرور نموده داخل آسیا گشته
پس از آن به تاتارستان عزیمت نمود . مدت چند سال در آنجا توقف
نموده و لسان تاتار را بخوبی تحصیل نموده با خان تاتار مراوده پیدا نمود پس
از آن به (ونیز) مراجعت نموده است پس از مدتی دفعه ثانی بآنجا سیاحت نموده
(مارکوپول) را همراه خود برده است . مکرر در نزد خان تاتار در فقره مظهر
التفات و کرم دیده در آنجا دو سال اقامت نموده است در آن اثنا (مارکوپول)
هم لسان تاتار را بخوبی تحصیل نموده مظهر توجه خان تاتار گردیده بخدمات
حرم استخدام نموده شده است . خان تاتار چون مالک
ثروت زیادی بود خیلی اشیاء قیمتی بمارکوپول داده پس از مدتی ایشان
به (ونیز) مراجعت نموده احوال غریبه ثروت خان تاتار را بهموطنان خود نقل

و حکایت

و حکایت نموده است . از قرار حکایات (مارکوپول) ثروت
ممالک خان تاتار در جمیع ممالک اروپ شهرت عظیمی پیدا کرده پس از
سیاحین مذکور چون کسی بدانجا نرفته بود (کریستوف) بدانجهت باین درجه
مایل سیاحت آنجا بود . سیاحین مذکور پس از
عودت باروپا (مارکوپول) سیاحات و احوال ممالکیکه گشت و گذار نموده
یک سیاحتنامه نوشته است سیاحتنامه که (کریستوف) مطالعه کرده
بود این سیاحتنامه مذکور بود

(سیپانکو)

اسم (سیپانکو) در چندجای این کتاب ذکر شده است (مارکوپول) یکجزیره بزرگی
را که (سیپانکو) نام نهاده بود تعریف و توصیف نموده و در آنجا طلای وافر
موجود است نوشته علاوه بر این از قرار حکایت حکمران آنجا عمارتی
که خیلی واسع و بام و پنجره و اطرافش از طلا مزین شده بود . متأخرین
تخمین نموده اند که جزیره (سیپانکو) ژاپون میباشد (کریستوف) و در بامریکا چون
ممکن است که یکجا وارد شده است و از تعریفات (مارکوپول) تشویش ذهن
پیدا نموده نقاطیکه کشف مینمود در انظار نقاطیکه (مارکوپول) سیاحت کرده
بود پنداشته یعنی یکقطعه از خاک هندوستان تصور نموده و جزیره سیپانکو

واهم درانجا — (لاس کازاس) — تخمین مینمود

(لاس کازاس) فرانسوی الاصل بوده است در سنه ۱۴۷۴ میلادی در شهر (سویل) بدنیا
امده است لیکن بسن هشت سالگی بجزیره اسپانیول که یکی از جزایر امریکا است
رفته و چون وصول ادارهٔ انجا را مغایر بعالم مدنیت دید قرار داد که در انجا توقف
نموده بومیان را حمایت نماید مدت شصت سالیکه در انجا توقف نموده بود بجهت
بعرض رسانیدن شکایات بومیان را بپادشاه چندین مرتبه با سپانیول امده
و مکررا بامریکا مراجعت نموده است و نهایت لیکن بنود و دو سالگی در مادرید
وفات نموده است (لاس کازاس) از صنف رهبان بوده و هم این کتابیکه تالیف
کرده است (تاریخ عمومی هندوستان) میباشد این کتاب از تاریخ کشف امریکا تا
سنه ۱۵۲۰ میلادی وقایعیکه در امریکا یعنی هندوستان غربی ظهور نموده بود درج نموده
و سه جلد ترتیب داده است

— (جزایر کاناری) —

(جزایر کاناری) در سنه ۱۳۰۰ میلادی از طرف (لنکولز و دارکو) کشف شده است
جزایر مذکور قبل از ان هم معلوم بود ولی انقطاع مناسبات
با عالم عتیق نموده مجهول ماند پس از ان بواسطهٔ
سیاح مذکور مجددا کشف کردید

تمت ۱۳۱۵

داهم در انجا — (لاس کازاس) — تخمین مینمود

(لاس کازاس) فرانسوی الاصل بوده است در سنه ١٤٧٤ میلادی در شهر (سویل) بدنیا
آمده است لیکن بیست هشت سالگی بجزیره اسپانیول که یکی از جزایر امریکا است
رفته وچون وصول او در انجا امغایر بعالم مدنیت دید قرار داد که در انجا توقف
نموده بومیان را حمایت نماید مدت شصت سالیکه در انجا توقف نموده بود بجهت
بعرض رسانیدن شکایات بومیان را بپادشاه چندین مرتبه باسپانیول آمده
ومکررا بامریکا مراجعت نموده است ونهایت لیکن نود و دو سالگی در مادرید
وفات نموده است (لاس کازاس) از صنف رهبان بوده وهمین کتابیکه تالیف
کرده است (تاریخ عمومی هندوستان) میباشد این کتاب از تاریخ کشف امریکا تا
سنه ١٥٤٠ میلادی وقایعیکه در امریکا یعنی هندوستان غربی ظهور نموده بود درج نموده
و سه جلد ترتیب داده است

(جزایر کاناری)

(جزایر کاناری) در سنه ١٣٠٠ میلادی از طرف (لنکورزو دارکو) کشف شده است
جزایر مذکوره قبل از ان هم معلوم بود ولی انقطاع مناسبات
بانجام عبور نموده مجهول ماند پس از ان بواسطه
سیاح مذکور مجددا کشف کردید

تمت ١٣١٥

١٣/١١/١١
تاریخ کشف امریکا مجلد ثانی که آقا میرزا محمدعلیخان احوال ... ضبط
که ایران بقیه حالات سیاحت
ثانوی (کولومب) را ملاحظه و ترجمه نموده او الی (اثنای حضر عزیمت
بسیوالم گفت) افول (در جزیره (کوبا) در شهر (اوانا) دفن نمودند

تخمین مینمود
نا
ریکاات
داخانوقف
ه بود بجهت
سپانیول آمده
کی در ماد رید
ن کتابیکه تالیف
یج کشف امریکا نا
طهور نموده بود در جنموده
داده است
دارکو) کشف شده است

جزایر مذکور قبل از ان هم معلوم بود ولی بقطاع مناسبات
با عالم عتیق نموده مجهول ماند پس از ان بواسطهٔ
سیاح مذکور مجددا کشف کردید

١٣١٥
تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

ثنای حضرت عزت نمیتوانم گفت که ره نمی برد آنجا قیاس و وهم و خیال درود نامحدود و ثنای نامعدود بر ستوده حضرت ودود و رسول محمود هادی سبل و خاتم رسل سبب آفرینش عالم و مهتر اولاد آدم خلاصه اصفیا و نبیین و سلاله انبیا و مرسلین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد طاهرین و ائمه راشدین و پیشوایان راه دین سلام الله علیهم اجمعین باد وبعد در عهد سلطنت و جهانداری شاهنشاه معظم و مالک رقاب امم خدیو عدل گستر و سلطان هنرپرور السلطان العادل الباذل و الخاقان الکامل الکافل مظفر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته حسب الاشاره جناب نیر الملک وزیر علوم این خانزاد دولت قوی شوکت اجودان ذات جلیله جنگ محمد علی این مجلد ثانی تاریخ کشف امریکا را از زبان ترکی عثمانی بلسان فارسی معمولی ترجمه نمود امید که از موقف حضور سنیه قبول گردد و باب عفو و غفران خطایا و زلات این

حقیر شسته آید

تاریخ کشف و فتح امریکا

جلد ثانی) —— (فصل اول

در فصل آخر جلد اول نوشته شده بود که کشتیها حسب الامر امپراطور اسپانیول بجهت اجرای سیاحت دوم آماده شده بودند در تحت امر (کریستوف کولومب) در سنه ۱۴۹۳ میلادی از بندر (کادیس) بسوی ممالک جدید عزیمت نموده بودند کشتیهای مذکور بطرف شرق حرکت نموده بجزیرهٔ (دکومرا) که یکی از جزایر (کاناری) است رسیدند پس از توقف و تدارک ما یلزم کشتیها از آنجا لنگر اقامت را باز نموده بجانب مقصود شتافتند . در ابتدای سیاحت که دریا ساکن بود سیاحین چندان راه نپیمودند پس از چند روزی بواسطه وزیدن بادهای مساعد با کمال سرعت کشتیها حرکت مینمود . جزایر (فرو) پس از آنکه از مد نظر ناپدید شد بجهت رسیدن بجزیرهٔ (کارائب) (کریستوف کولومب) کشتیها را بسوی جنوب سوق نمود

سیاحین در اندک زمانی بسیصد فرسخی جزیرهٔ (دکومرا) رسیدند در آنجا باران شدید با وزیدن گرفت بقسمیکه در ظرف چهار ساعت کشتیها در معرض تلف آمدند در این حال باران ایستاده بواسطهٔ چندین علامات بشارت نزدیکی بخشکی بسیاحین داده شد امر شد که علامات با کمال مواظبت

حرکت نماید تا انکه روز یک شنبه طرف صبح بیک جزیرهٔ از دور مشاهده کشته چون یوم مذکور بزبان اسپانیول (دیرو دمینک) نامداشت جزیرهٔ مذکور را (دومینیک) نام نهادند

کشتیها هر قدر پیشتر میرفتند بیشتر هویدا میشد که بجزایر زیادی برخورد خواهند نمود . از روز حرکت از اسپانیول تا روز ورود در ظرف بیست و شش روز کشتیها پانصد و سی و سه فرسخ مسافت قطع نموده در مقابل جزیرهٔ (دومینیک) لنگر انداختند . در انجا چون یک بندر محفوظی موجود نبود (کریستوف) عازم جزیرهٔ (ماری کالان) کردیده با چند نفر از صاحب منصبان داخل جزیرهٔ مذکور کشته رسماً انجا را ضبط نمود

در این جزیره اثری از بنی نوع انسان مشاهده نکردید ولی انواع فواکه زیاد و لذیذی که اسپانیولیها نمیشناختند در انجا مشاهده شد

از جزیرهٔ (ماری کالان) بجزیرهٔ دیکری داخل شده جزیرهٔ مذکور را (کوادالوپ) نام نهادند در نزدیک ساحل یک قصبهٔ مصادف نموده اهالی انجا با کمال خوف از سیاحین اطفال خود را واکذار کرده خود فرار نمودند (کریستوف) با ان اطفال نهایت مهربانی را نموده بعضی اسباب بازی بانها بخشیده پس از ان اسپانیولیها در اطراف جزیره کشت و کذار میکردند میوهٔ مشهور (اناناس) را در انجا کشف

نمودند

نموده . در حین کردش ببعضی خانهها رسیدند که کاسهٔ سر انسانها را بجای ظروف طعام استعمال مینمودند

مشاهدهٔ اینفقره تا یکدرجه باعث وحشت سیاحین کشته یقین حاصل کردند که ساکنین جزیرهٔ مذکوره معتاد باکل کوشت انسان هستند

(کریستوف) بکشتی مراجعت نموده فردای انروز بجهت دوستی پیدا نمودن با اهالی انجا چند نفر سیاحین و عملجات کشتی را بدانجا فرستاد سیاحین دسته دسته شده در اطراف جزیره سیاحت کرده هنکام معاودت بکشتی چند نفر از زنان انجا را همراه خود بکشتی اوردند

از قراریکه ان زنها نقل و حکایت مینمودند معتاد ساکنین جزایر انجا اینستکه با یکدیکر مجادله نموده از اسرای یکدیکر جنس اناث را نکاهداری مینمایند و جنس ذکور را ذبح نموده اکل مینمودند

یکی از ناخداها بدون اجازهٔ (کولومب) داخل جزیره کشته (کولومب) پس از اطلاع پیدا نمودن از احوال ناخدا چند دسته سرباز بتجسس او فرستاد مامورین اقدامات لازمه را بعمل اورده بدون اینکه خبری از ناخدا معلوم کنند بکشتی عودت نمودند . در ان روز چند نفر زن که از ساکنین جزیرهٔ دیکر بودند بقید اسارت ساکنین جزیرهٔ مذکور دچار شده بودند

بکشتی (کولومب) پناه آوردند (کولومب) محض اینکه مردان آنجا هم موانست پیدا نمایند
بعضی هدایا بان زنان داده مجددا آنها را وارد جزیره نمود چندی نگذشت که
زنان مذکور دو مرتبه بکشتی آمده از (کولومب) درخواست نمودند که آنها را نزد
خودش نگاهداری نماید و ضمن بیان نمودند که هدایائیکه بانها داده شده بود
بومیان از آنان غصب نمودند . از قرار تحقیقاتیکه (کولومب)
از زنان مذکور بعمل آورد چنین معلوم شد که (کاسیک) آنجا که بزبان بومیها
حکمرانست با سیصد نفر جمعیت و ده (کرجی) بجزیرهٔ دیگر بجهاد برفته است
هنگام سیاحت اول (کریستوف کولومب) در جزیرهٔ موسوم باسپانیول قلعهٔ بنا
نموده قلعهٔ مذکور را (ناویداد) نام نهاده بود (کریستوف) در این اثنا قصد
عزیمت آنجا را داشت ولی از ناخدا چون هنوز خبری معلوم نشده بود چندی
عزم و نیت خود را تأخیر انداخت مجددا (انزو و ویدا) را با چهل نفر سرباز به تجسس
ناخدا فرستاد مأمورین اطراف و اکناف جزیره را گشت و گذار نموده ابدا اثری
از آن ناخدا پیدا نکردند با کمال یأس بکشتی مراجعت نمودند چون (کریستوف)
در حالتیکه از پیدا شدن ناخدا مأیوس گشته آماده حرکت شده بود که
ناگاه در ساحل ناخدا پدیدار شد فورا یک کرجی بساحل فرستاده شد
ناخدا را بکشتی آوردند . از قرار بیانات ناخدا چنین مفهوم شد

که

که دو روز و دو شب در جزیره داخل در یک جنگلی شد پس از آنکه مقداری قطع مسافت
نمود در حالتیکه بدون اینکه بداند که راهیکه میپیماید بکجا منتهی خواهد شد
بیک نقطهٔ رسید که از کثرت و انبوهی درختان آفتاب هیچ دیده نمیشد چند
روز در نهایت ظلمت و تاریکی بسر میبرد آخر الامر با کمال صعوبت راه نجاتی
یافته از آنجا بیرون آمده است . (کریستوف) محض اینکه گوشمالی
باو بدهد ناخدا را حبس نمود پس از آن امر داد که کشتیها از جزیره (گوادالوپ) حرکت نمایند

(فصل ثانی)

هنگام سیاحت کشتیها بعضی جزایر دیگر اکتشاف نمود (کریستوف) اسامی مخصوص برای آن
جزایر معین نمود و بسوی جزیرهٔ اسپانیول شتافت در بین راه بعضی
جزایر دیگر که ابدا مسکون نبود بدانجا داخل شدند بواسطهٔ عدم مساعدت هوا
در آنجا یکی از جزایر که هندیان موسوم به (آی آی) نموده بودند توقف نمودند
بجهت آگاهی بهم رسانیدن از احوال جزیرهٔ مذکور و تدارک ما یلزم کشتیها
چند نفر از عملجات کشتی بدانجا فرستاده شد
ما بین بومیان و مأمورین جنگ و جدال ظهور نموده آخر الامر اسپانیولیها
بر آنان فایق آمدند و چند نفر از ایشان را اسیر نموده بکشتی آوردند
از قرار دیگر یکی از مورخین اسپانیول معروف به (پی یترو ماریتر) اشکال غیر

وعادات وحشیانهٔ اسرای مذکور را درج نموده است ایشان را بمنزلهٔ عجایب المخلوقات
باسپانیول آورده بودند . پس از وقعهٔ که ذکر شد کشتیها
از جزایر (آی آی) حرکت نموده در بین راه بر پنجاه جزیرهٔ دیگر تصادف نموده
بزرگترین آنها را (سان اورال) اسم گذاشته کسی مقصود شناختند در اواسط
زمستان بجزیرهٔ اسپانیول شتافته رسیدند و مسرت عظیمی بجهت سیاحین دست
داد اسپانیولیهائیکه در سفر اول همراه (کولومب) بودند چون محسنات طبیعیه
جزیرهٔ مذکوره را درک نموده بودند بنا بر رفقا نقل و بیان نموده این فقره هم
مزید بر شوق و شعف آنان گشته با کمال بی‌صبری انتظار ورود بجنگی را داشتند
(کریستوف کولومب) هم بموجب دستور العملیکه در سفر اول با سپانیولیهای مقیم در
آنجا داده بود چنین تصور مینمود که بمول کلی در قلعهٔ مذکوره جمع شده است
بدانسبب بیش از سایرین اظهار شعف نموده در ضمن هم گمان میکرد که اطلاعات
صحیحه از وضع جزیرهٔ مذکوره بدست خواهد آورد چون در اثنای مجادله
با هندیان یک نفر اسپانیولی مجروح گشته بود در آن حین وفات نمود (کریستوف)
جنازهٔ متوفی را در یک کرجی گذارده بساحل فرستاد بجهت حفظ کرجی ادمهائی
گرد آن بوده‌اند و کشتی دیگر بمصاحبت آنان فرستاده و سایر کشتیها یواش یواش
حرکت مینمودند . بومیان بمحض دیدن کشتیها در ساحل اجتماع نموده پیشکش

هدایای

هدایای وافری برای (کریستوف) آورده بودند چند نفر نزد او آمده درخواست
نمودند که بجنگی داخل شود ولی (کولومب) دعوت ایشان را اجابت ننموده پس از دفن
متوفی و عودت اسپانیولیها عازم قلعهٔ (ناویداد) گردید (کریستوف) در جوار
بندر (مونت کریستو) چون قصد بنای یکشهر را داشت همینکه بدانجا رسیدند توقف نموده
بجهت انتخاب محل شهر مذکور چند نفر از عملجات کشتی بدانجا فرستاد
عملجات مذکور در حین گشت و گذار در بندر مزبور نعشی یافتند که از
معمولات اسپانیولیها یک طنابی در گردن آن نعش بود در جوار همان نعش نعش دو
دیگر دیده شد که یکی از آنها محقق شد از اهالی مملکت اسپانیول میباشد
مشاهدات مذکوره اسباب شبهه سیاحین گشته فوراً لنگر اقامت را باز کرده
بسوی قلعه (ناویداد) شتافتند . بواسطهٔ عدم مساعدت هوا کشتیها
بقدر تکمیل مسافت دو روز بندر لنگر انداخته محض اینکه ورود خود را
باهالی قلعه اطلاع بدهند دو تیر طوب خالی نمودند از طرف قلعه مقابله نشد
این فقره بیشتر اسباب شبهه سیاحین گشته در روی سطحهٔ کشتی آمده با کمال دقت
بجانب قلعه نظر میکردند و اثری از آثار ذی حیات در آنجا مشاهده نکردند باین
سبب شبهه سیاحین قوی تر شده طرف نصف شب یک کرجی از دور دیده شد
که نزدیک کشتی میآید (کرجی) نزدیک کشتیها آمده توقف نمود پس از توقف

معلوم شد که یکی از اقوام (کواناکاری) بملاقات (کولومب) آمده است (گریترف) از استماع این خبر مسرور گشته او را بجستجوی خود خواسته حال اسپانیولهائیکه در آنجا سکنی داده بود بواسطه مترجم استفسار نمود معلوم شد بعضی از آنان تلف و برخی دیگر با اهالی بومی مجادله نموده مقتول و قسم دیگر آنان با زنان بومی ازدواج نموده در اطراف جزیره پراکنده شدند و (کواناکاریم) که حکمران آنجا بود با بومیان مجادله نموده در اثنای جدال مجروح گشته علیل و رنجور در کنجی نشسته است اخبارات مشروحه موجب افسوس (کولومب) گردید در بارهٔ ایشان مهربانی زیادی نموده چون حسن نیت و درستکاری و مهربانی (کولومب) را مجددا ملاحظه کردند ایشانهم مجددا با (کواناکاری) بقصد معاودت بکشتی از (کولومب) رخصت حاصل نموده بمنزل خود مراجعت نمودند

فردای آنروز هرچه منتظر ورود (کواناکاری) شدند از او خبری معلوم نشد (گریترف) محض تفتیش چند نفر بجزیره فرستاده مفتشین تحقیقات لازمه بعمل آورده معلوم شد که قلعه (ناویداد) مخروب و اسپانیولهائیکه در آنجا سکنی داده شده بودند معدوم و مقتول شده اند (گریترف) از گذارشات حال آنان متأثر گشته شخصا به تفتیش آنان مبادرت نموده برای العین حال آنها را مشاهده نموده پس از آن از آنهائیکه امید حیاتی باقی بود باحتمال اینکه در گوشه مخفی شده

اند

اند (کولومب) یکعراده طوپ بجنگی آورده چند تیر طوپ خالی نموده باز هم از آنها خبری معلوم نشد

چون در سفر اول (کولومب) بآنها دستور العمل داده بود که هرچه اشیاء ذی قیمت بدست می آوردند در حین خطر در خندقها بیندازند بدان سبب امر نمود که اطراف قلعه را حفر نمایند هر نقطهٔ را که حفر نمودند بجز نعش یکنفر اسپانیولی چیز دیگر نیافتند . در آن روز جمع غفیری از بومیان نزد اسپانیولها آمده اول قدر خیلی مخوف بودند ولی پس از آنکه آثار مهربانی از آنها مشاهده نمودند موانست پیدا نموده سرگذشت اسپانیولهائیکه تلف شده بودند کاملا بیان نمودند از قرار بیانات آنها معلوم شد که پس از عزیمت (کولومب) بجز (دیه گورانا) و دو صاحب منصب دیگر سایرین با اوامر و نواهی (کولومب) اطاعت ننموده اند چون اکثرشان که جوانان و بی شان و رذل بودند بمحض غیبوبت (کولومب) بنای تعدی را با هالی بومی گذارده هرچه طلا و اشیاء ذیقیمت که در دست ایشان میدیدند بزور میگرفتند و در حین تقسیم اموال مغصوبه مابین خودشان هم منازعه مینمودند علاوه بر این در خصوص زنان وجیه آنجا هم بیکدیگر مجادله نموده (کواناکاری) محض رفع نزاع مابین آنان بهر یک اجازه داده بودند دو الی سه زن در تحت ازدواج در آورند نفر و مایکان باهم

اکتفا نکردند وهتک ناموس و عرض زنان و دختران ایشانرا مینمودند
خلاصه هرکس بر وفق خیال خود حرکت نموده اغتشاش عظیمی در میان اهالی
ظاهر شد (کریتوف) امر نمود که هرگاه ریاست قلعه مختل شود (پی یترو کوتی ترز)
و (آرورو ریکو دی اسکوبیدو) در اختیار ریاست نمایند ایشان هم در حین اغتشاش فرصت
را غنیمت دانسته بنای مجادله را گذاشتند اما چون بآرزوی خود نایل نگشتند
بخیال بدست آوردن طلا بمملکت (سیبا) رفتند [مملکت مذکور در تحت
حکومت (کائونابو) که از اهالی جزیرهٔ کارائیب است میباشد]
(کائونابو) یکی از اشخاص پست پایهٔ جزیرهٔ (کارائیب) بوده که بدانجا مهاجرت
نموده در اندک زمانی بدرجهٔ حکمرانی رسیده است] (کائونابو) هنگام
سیاحت اول (کریتوف) در جزیره اسپانیول حکمران بوده از اهالی بومی انجا
بعضی حکایات عجیب و غریب درباره اسپانیولها شنیده بود منتظر فرصت بود
که بانها حمله نماید همینکه ورود (کوتی ترز) و (رودریکو) را شنید ایشان را اسیر نموده
بقتل رسانید پس از آن با (ماریون) که یکی از حکمرانهای ایالت جزیره بود همدست
گشته مصمم حمله قلعهٔ (ناویداد) شدند و شتابانه بقلعهٔ (ناویداد) هجوم آورده
قلعه را آتش زده و اسپانیولهائیکه در انجا بودند اسیر نمودند (گواکاناکاری)
که از این قضیه آگاه شد بمعاونت اسپانیولها شتاب نموده در حین مجادله

خودشهم

خودشهم مجروح گردید خلاصه سرگذشت اسپانیولهائیکه در قلعه ناویداد سکنی داده
شده بودند عبارت از این بود که ذکر شد واضح و آشکار است هرگاه بموجب دستور
العمل حکیمانهٔ (کولومب) حرکت میکردند بهلاکت نمیرسیدند

(فصل سیم)

چنانچه در فصل سابق بیان شد (کریتوف) پس از آنکه از سرگذشت اسپانیولهائیکه
در انجا سکنی داده بود کماینبغی مطلع شد تدبیریکه بخاطرش رسید عبارت از
این بود که یک قلعه دیگر در مکان مناسبی بنا نماید . بجهت انتخاب محل
مذکور (ملکیار مالدوناتو) را مامور نمود . مامور مشارالیه پس از آنکه دو
فرسخ مسافت پیمود بیک کرجی هندی که برادر (گواکاناکاری) بدان راکب بود تصادف
نمود برادر (گواکاناکاری) در حین مصاحبت با ناخدا چنین اظهار نمود که
(گواکاناکاری) علیل و رنجور و مایل ملاقات شما است ناخدا فورا باتفاق او
رفته مشارالیه را بستری دید و هفت دختر مشاهده نموده که مشغول خدمت
او هستند (گواکاناکاری) در ابتدای کلام ببیان تاسف از محرومیت ملاقات
(کریتوف کولومب) نموده پس از آن شروع ببیان سرگذشت اسپانیولهائیکه در
قلعه (ناویداد) بودند نمود در حین مفارقت ناخدا (گواکاناکاری) نهایت مهربانی
را بدو نمود بعضی هدایا تقدیمش نمود

فردای آن روز (کریتوف) با سایر صاحب منصبان با قامتگاه (کوالکاناکاری) آمده مکرّراً سرگذشت اسپانیولیهائیکه در قلعهٔ ناویداد تلف شده بودند مشروحاً بیان نموده زحماتیکه در خصوص حمایت آنها اختیار کرده بود حکایت نمود بجهت اثبات مدّعا از اتباع او آنهائیکه در حین مجادله مجروح شده بودند بحضور (کولومب) آورده (کولومب) آزمایش نموده بر او آشکار شد که از اسلحه هندیان مجروح شده اند (کریتوف) پس از اظهار تشکر از حسن نیات (کوالکاناکاری) مهیّای عودت شد

در حین مفارقت بعضی هدایا بیکدیگر تعاطی نموده (کولومب) بمحل خود مراجعت نمود . اسپانیولیهائیکه هنگام سیاحت اول همراه (کولومب) بودند از مهربانیهای (کوالکاناکاری) چون مسبوق حکایاتیکه در خصوص قلعهٔ ناویداد بیان کرده بود او را جیف پنداشته مطالب او را حمل بر سستی نمودند و بر یکی از رهبانان اسپانیولیها موسوم به (ربویل) بیش از دیگران بیانات (کوالکاناکاری) را حمل بر خدعه کرده سعی موفوری نمود که بجهت عبرت دیگران او را سیاست نمایند ولی حسن نیات او چون اظهر من الشمس بود (کریتوف) اعتنائی بقول ایشان ننموده جواب میگفت تا تقصیری بر ایشان ثابت نشود سیاست کردن او مغایر حقانیت و انصاف است علاوه براین میگفت چون قصد بنای شهر

جدید

جدیدی در جزیره اسپانیولا داریم حسن سلوک با او موافق عقل و مصلحت وقت بیانات حکیمانهٔ (کولومب) را جمیع همراهانش بجز راهب مذکور قبول نموده ادای عموم چنین قرار گرفت که با او حسن رفتار نمایند

(کریتوف) هنگام مراجعت بکشتی حکمران قلعه را دعوت نموده او هم با وجود علت مزاج دعوت (کولومب) را اجابت نموده بکشتی آمد کثرت عده کشتیها خیلی اسباب تعجب (کوالکاناکاری) گردید حالت اسرائیکه از جزیره (کارائیب) آورده بودند بیشتر اسباب حیرت شد حکمران قلعه ابتدا داخل کشتی (کولومب) گشته آلات و ادواتیکه موجب حیرت بود (کریتوف) بدو تماشا داد در حین گردش حکمران قلعه زنانی را که بدانجا پناه آورده بودند ملاقات نموده با نها صحبت داشت و بر یکی از زنان مذکور که زیبا و شکیلتر از سایرین بود و اسپانیولیها بدو (کاتالینه) نام نهاده بودند و (کولومب) با او معاشقه پیدا نموده مفتون جمال او گردید پس از اندک زمانی خاطر گشته در اثنای طعام (کریتوف) نهایت مهربانی در حق او نموده از هر جهت سعی نمود که بیشتر از پیش بین الطرفین الفت و موانست فراهم آید ولی سایرین بخلاف رای (کولومب) اظهار میکردند که او را در کشتی حبس نمایند (کولومب) باز هم بقول و رای ایشان اعتنائی ننموده (کوالکاناکاری) بمقر خود عودت نمود . فردای آنروز چند نفر از

بومیان در ساحل مشاهده گشته پس از آن یک مأموری از جانب (کواکاناکاری)
بکشتی آمد وقت حرکت کشتیها را سؤال نمود (کریستوف) زمان حرکت خود را تعیین
نموده مأمورین عودت بمحل خود نمودند

هنگام عصر برادر (کواکاناکاری) بجهت معاوضه چند شمش طلا با اشیاء دیگر بکشتی
آمد با زنان هندی مخصوص با (کاتالینا) صحبت نموده پس از آن معاودت کرد شبانه
(کاتالینا) با سایر زنها همدست شده قرار بفرار دادند

با وجود اینکه کشتی سه میل مسافه دور از ساحل و دریا متلاطم بود زنان
خود را بدریا انداخته تخلیص گریبان از قید اسارت نمودند عملجات کشتی از
این کیفیت مطلع شده بتعاقب آنان شتافتند چند نفر از آنها را دستگیر نموده
(کاتالینا) با پنج نفر دیگر خود را بخشکی رسانیده فرار نمودند
(کریستوف) یک مأموری نزد (کواکاناکاری) فرستاده امر نمود که (کواکاناکاری) فراریها را
تجسس نموده بکشتی بفرستد مأمورین خبر آوردند که (کواکاناکاری) تمام ملک خود را
برداشته بداخل جزیره فرار نموده است این فقره تا یکدرجه باعث تأیید قول
آنهائیکه شبهه از (کواکاناکاری) داشتند گردید

چنانچه سابقاً بیان شده بود نیت کریستوف این بود که یک شهر جدیدی
بنا نموده در اطرافش قلعه بسازد (ملکیا ریال دونات) که سابقاً بجهت انتخاب محل

بنای

بنای شهر مذکور فرستاده شده بود داخل مملکت یک کاسیک گشته پس از مجادله
با (کاسیک) آنجا معلوم گردید حکمران مشارالیه (کواکاناکاری) میباشد
همینکه او را شناخت نهایت مهربانی با او نمود ناخدای مذکور مکان مناسبی بجهت
بنای شهر جدید پیدا نموده بکشتی مراجعت نمود (کریستوف) چون مکان مناسبی
در اینجا بدست نیاورده بود عازم بندر (پائیت) گردید بواسطه عدم
مساعدت هوا بعد ده میل مسافه دور از بندر (مونت کریستو) در یک مکان خوش
آب و هوائی توقف نمود

بنای شهر مذکور را در اینجا قرار داده ابتدا نقشه آنجا را برداشت پس از آن
شروع [بنای] شهر مذکور نموده در مدت قلیلی مقدار کثیری خانه بنا کرده بجهت
اقامت خود شهم یکقصر عالی بنا نموده و شهر مذکور را بنام ملکه اسپانیول
بر (ایزابل) موسوم ساخت در آن اثنا (کریستوف) و همراهانش دوچار به بعضی
امراض گشته اتمام بنای شهر مذکور بتعویق افتاد

(فصل چهارم)

(کریستوف) پس از عودت سفر اول باسپانیول چون شیوع داده بود که در ممالک جدیده
ثروت بی پایانی موجود است وقعه قلعه ناویداد خیلی اسباب اضطراب خاطر او گردید
و در ضمن کشتیهائیکه همراه آورده بود چون محتاج تعمیر بودند لازم بود که باسپانیول
فرستاده شود در خصوص مزد ماندن در آن اثنا خبر آوردند که در مملکت (سیبا)

طلای بحدی موجود میباشد . مملکت مذکور چون سه چهار منزل مسافت
داشت (کریستوف) و (انزوودیا) که شخص معتمد و کاملی بوده با سایر مامورین کارا
بدانجا فرستاد . مامورین در مدت دو شبانه روز با کمال زحمت و مشقت
خودرا بدامنهٔ بعضی جبال مرتفعه رسانیده و از انجا با کمال سختی عبور نمودند
پس از عبور از جبال مذکور بیک صحرای وسیعی رسیدند در نقاط عدیدهٔ صحرا
بعضی ابادیها مشاهده نمودند که ساکنین انجا با کمال مهربانی نسبت باسپانیولها
رفتار مینمودند اسپانیولها هم بدون هیچ مانعی بسیاحت مشغول شدند در
هر محل بومیان با ایشان حسن سلوک مینمودند
در جمیع نقاط انمملکت اثار معدن مشاهده گشته بخصوص نهرهائیکه منابعشان
در جبال مذکور بود در مجاری انها پارچهای طلا مخلوط بسنگ دیده میشد
بومیان با کمال مهارت و چابکی طلا را از سنگ جدا نموده بسیاحین میدادند
در وجود طلا در انصفحات هیچ شک و شبهه نماند مامورین بشهر ایزابل
عودت نموده بیان کیفیت را نمودند (کرامان) نام هم که بکشفیات فرستاده
شده بود معادن طلای زیادی کشف نموده عودت نمود (کریستوف) بکمال
ممنونیت از انکشافات انها حاصل نموده قرار براین داد پس از اعادهٔ صحت شخصا
بدانجا رود و کشتیهائیکه محتاج تعمیر بودند با یک لایحهٔ مفصلی و با چند
پارچه نمونه از طلاهای مکشوفه و نباتات نادره و فواکه لذیذ انجا باسپانیول

فرستاد ماکولاتیکه همراه اورده بودند چون قریب باتمام بود و محصولات انجا هم
برای تغذی انها مطبوع نبود بقدر کفایت ماکولات و ملبوس و اسلحه بواسطهٔ مامورینی
که کشتیها را باسپانیول حمل نموده بودند از دولت اسپانیول طلب نمود
کشتیها در سنه ۱۴۹۴ میلادی در اواخر زمستان از (ایزابل) حرکت نموده با کمال
مساعدت هوا باسپانیول رسیدند اجراءات و انکشافات (کولومب) پس از انکه
در اسپانیول منتشر گردید اعمال او مورد تحسین هموطنان افتاد

(فصل پنجم)

(کریستوف) مجددا باتمام بنای شهر (ایزابل) پرداخته شهر مذکور محض اینکه از هر
نوع مهاجرات محفوظ بماند در اطراف ان یکدیواری قلعه مانند بنا نمود و یک
کلیسا در انجا بنا نموده روز اول ژانویه که مبدء تاریخ مسیحی است کلیسای مذکور
باتمام رسید بود رهبانانیکه در انجا بودند در ابراز و اظهار و اجرای ایین مسیحی
در ممالک مکشوفه نمودند
بنای شهر (ایزابل) چون قریب باتمام بود و (کولومب) هم اعادهٔ صحت نموده بود عزم
سفر مملکت (سیبا) را نمود در ان اثنا فیمابین اسپانیولها بعضی اغتشاشات
ظهور نموده عزم و نیت (کولومب) بتاخیر افتاد . چندین فقره باعث
اغتشاش انها گردید اولا هنگامیکه کشتیها عودت باسپانیول نمودند سایر
اسپانیولها عزم و هوس مراجعت بوطن نموده از برایشان امکان نیافت ثانیا

بواسطه خدمات مرجوعه شاقه اکثر ایشان گرفتار بعضی امراض گشته اقامت انجا را
بدیمن شمردند ثالثاً شروطیکه منتظر بودند چون بدست نیاوردند بکلی مایوس شدند
(پرنال دیازدی پیزا) چون از سایرین شجاع تر بود با سایر اشخاصیکه از (کولومب) عدم رضایت
داشتند اتفاق نموده قرار براین داد که کشتیهائیکه در انجا بودند ضبط نموده با اسپانیول
علاوه براین از علم شناسی با اطلاع بود چنین عنوان نمود
عودت نمایند که پارچهای طلائیکه در مجاری نهرها پیدا شده است احتمال میرود که یک
وقتی یکپارچه طلای بزرگی را در انجا مخفی نموده باشند این پارچه باقی مانده او با
بیانات ایزابل مذکور مسموع و مطبوع افتاده اکثر اسپانیولیها با وهم رای شده چنانچه
نقشه نمودند هرگاه بیشتر در انجا بمانند بکلی همگی نابود خواهند شد بعضی از
ازان نفوسیکه موافقت بتکالیف (پرنال) نداشتند (کولومب) را از تصورات
انها آگاه نمودند . کریستوف بمحض اطلاع پیدا نمودن از تصورات مضره
ایشان بعضی از انها را حبس نموده و (پرنال) را هم در یک کشتی دیگر توقیف نموده
بجهت محاکمه مناسب دید او را با اسپانیول بفرستند ماکولات و اسلحه هرچه داشتند
از انها گرفته بکشتی خودش حمل نمود پس از ان عازم مملکت (سیبا) گردید مملکت
مذکور چون در تحت حکومت (کائونابو) وحشی مشهور بود چون مقتضی
دانست بدانجا مجلل ورود نماید بناء علیه با چهارصد نفر سرباز و سوار و
با چند نفر مهندس از شهر (ایزابل) حرکت نمود حکومت شهر (ایزابل) را هم برادرش
(دون دیک) واگذار نموده هنگام عبور از یک نقطه صعب المرور یک راه جدیدی

بنا

جدیدی بنا نموده انجا را (الپوارتو دو لوس هیدالگوس) موسوم ساخت [این راه اول
راهی است که در دنیای جدید بنا شده است] پس از اندک زمانی بصحرای وسیعی معروف
به (وگاریال) که سابقاً (النزو دو ویدا) کشف نموده بود رسید انجا را (وگاریال) نامنهاد
(کریستوف) محض اینکه بومیان یک وحشتی داده باشد همینکه با بادی میرسید
سربازان با نظم و ترتیب حرکت نموده و شیپورچیان شیپور میزدند بومیان چون
دفعه اول بود که صدای شیپور را شنیده و اسلحه اروپائی را دیده بودند با
کمال خوف داخل خانهای خود گشته درها را بروی خود بستند (کریستوف) چون مقصودش
حاصل شد امر نمود که با ملایمت و مهربانی اسپانیولیها داخل خانهها شده
بومیان را از خوف و وحشت بیرون آوردند پس از ان قدری پیشتر رفته بیک نهری
رسید که بومیان انجا را (یاک) نامنهاده بودند (کریستوف) شهر مذکور را
(فیوم دو لوکان) نامنهاده با کرجی در داخل نهر مذکور سیاحت نمود در ساحل
نهر مزبور قصبهائیکه موجود بود اهالی انجا خیلی محبت و مهربانی با اسپانیولیها
مینمودند در مجرای نهر مذکور همینکه خاک طلا مخلوط با ریگ مشاهده شد
از انجا سیاحین داخل خشکی شده بقدر یک منزل که بیشتر رفتند بدامنه
بعضی جبال مرتفعه رسیدند فردای ان روز از جبال مذکور عبور نموده (بخاک)
(سیبا) داخل شدند محل مذکور چون سنگستان بود بدانمناسبت بومیان

آنجارا (سیبا) یعنی سنگ نام نهاده بودند ساکنین آنجا بعضی و ودا اسپانیولیها
نقاوفاتی بادی آورده انطوریکه شاید و باید پذیرائی از سیاحین نمودند
و چون شنیده بودند که اسپانیولیها بجهت تجسس طلا آمده‌اند هرچه طلا
از مجرای نهرها جمع کرده بودند بمسافرین هدیه نمودند (کریستوف) اطمینان کاملی
حاصل نمود که در آنجا معادن طلا موجود است لهذا در آنجا ضمن بنای یک قلعه
نمود و در یک مکان مناسبی شروع به بنای آن نمود و در اطراف قلعه خندقی
حفر نموده (سانطوماس) بدین نام نهاد

— (فصل ششم) —

(کریستوف) هنگامیکه مشغول ساختن قلعه (سانطوماس) بود (جوانی دیکاراس) که یک
جوان صاحب منصب بود با یک مقدار عسکر مأمور تجسس احوال مملکت (سیبا) نموده
مشارالیه پس از آنکه جهات مختلفه مملکت مذکور را گشت و گذار نموده عودت نمود
از فراوینات او چنین مفهوم شد که مملکت مذکور سنگستان ولی در اکثر
جاها یک زمینهای منبت موجود است علاوه براین در مجرای سیلها چون خاک
طلای وافری یافت میشود چنین استنباط میشود که در زیر زمین معادن طلای کثیری
موجود باشد [بنا بر روایت مورخ اسپانیولی معروف به (پطرو مارتیر) (جوانی) در
این نقطه که طلا موجود بود کشف نموده محرمانه به (کریستوف) عرض و بیان نموده بود]

تلو

قلعه سانطوماس همینکه با تمام رسید حکومت آنجا را (کریستوف) برا (پیترو مارکارینه)
واگذار نموده بسوی شهر (ایزابل) عودت نمود چون مناسب دید که یک راهی از شهر
(ایزابل) بقلعه (سانطوماس) بنا نماید بجهت برداشتن نقشه نقاط لازمه را مذکور در
بعضی قصبه‌ها توقف نموده و در انضمن بومیان را کاملا بطرف خود مایل نمود
عادات و عقاید اهالی آنجا چون خالی از غرابت نیست لهذا در این فصل شرح
در انخصوص لازم است ذکر و بیان شود اهالی مذکور خلاق کائنات را
در آسمان پنداشته مابین خالق و مخلوق اولیا را واسطه می‌پنداشتند هر حکمران
الهی (زامی) یعنی اولیای مخصوصی داشته هر نوع چیزیکه تصور مینمودند از
مخصوص خود هر حکمران درخواست توفیق می‌نموده پس از آن مباشرت بمقصود
مینمودند اشکال اولیا را در روی تخته و یا سنگ نقش نموده بدیوار خانه‌ها
خود می‌آویختند بعضی از آنها همینکه بجنگ میرفتند یک پارچه منقوش به
(زامی) به پیشانی خود می‌چسبانیدند در بعضی از شهرها بعضی از رهبانان دیده
میشد که ادعا مینمودند با اولیا راه دارند (راهبان) مذکور وقتیکه میخواست
با اولیا ملاقات نماید یکنوع علف مکیفی را جوشانیده آبش را میخوردند
در عین کیفیت با اولیا ملحق شده هرچه میخواستند از ایشان طلب درخواست
مینمودند یک عادت دیگر راهبان این بود که تمام بدن خود را بصورت (زامی) نقش
مینمودند و گاهی از اوقات که در معابد به حضور داشتند یکنوع شیپوری تعبیه

نموده همینکه آتش جنگ وجدال اشتعال مینمود شیپور زده و بجاربین چنین وانمود
میکردند که صوتیکه شنیده میشود صدای (زام) میباشد و صدای شیپور را چنین
ترجمه میکردند [از جنگ مگریزید تا که غالب شوید]

در ایام مخصوصه حکمرانان بشرف (زام) جشنی ترتیب داده جمیع اتباع خود را دعوت
مینمودند و انان در یوم مخصوص جشن در پایتخت جمع شده متاهلین بدن خود را زینت
نموده دختران عریان هم دسته دسته علیحده تشکیل مینمودند

حکمران در جلو اتباع خود افتاده بهیئت اجتماع در جائیکه مجسمهٔ (زام) را گذارده
بودند میرفتند پس از آن راهبان هم اواز شده ادای دعای مخصوص جشن را
بجای اورده پس از ختام دعا زنان سبدهای پر از گل با نها میدادند و یکنوع
نان خشکی که در ان سبد بود راهبان تبرک نموده بحضار تقسیم مینمودند چون اعتقاد
بومیان این بود که نان متبرک شده دافع جمیع بلیات است تا ترتیب جشن اینده
ان نان را حفظ مینمودند پس از تقسیم نان راهبان اشاره نموده زنها بصوت
بلند دعا میخوانند و بجشن ختام مینمایند

اهالی جزیرهٔ اسپانیول [جزیره اسپانیول امروز هایتی نامیده میشود]
اعتقادشان این بود که افتاب و ماه از یکغاریکه در انجزیره واقع است بیرون
می ایند و جزیرهٔ مذکور را مقدم ترین نقاط کره ارض میدانستند
درباب طوفان سرگذشت غریبی معتقد بوده میگفتند در یکزمانی جزیره

اسپانیول

اسپانیول یکحکمران مقتدری داشت ولیعهدش چون مغایر طبیعتش حرکت
نمود او را بقتل رسانید استخوانهایش را در یک محفظهٔ گذارد پس از مدتی
حکمران و زوجه اش بجهت دیدن استخوانهای ان پسر محفظه را باز نموده با
کمال تعجب دیدند ماهیان زیادی در انجا تولید شده است حکمران در محفظه
را باز گذارده در یک مکان مخصوصی از اگذارده و حکایت محفظه در
تمام جزیره منتشر گشته چهار نفر هنگام غیبوبت حکمران محفظه را از
جای خود برداشته در حالیکه تماشا مینمودند از دستشان افتاده در
ان نقطه که محفظه افتاد بقدری اب جریان نمود که تمام ارض را اب احاطه
نموده دریاها تشکیل یافت تنها جبال مرتفعه از اب خارج ماند در
ذروه انها این جزایر متشکل شد

حکمران انجا وقتیکه مریض میشد و امید حیاة نداشت محض اینکه از مرگ
طبیعی وفات ننماید خود را خفه مینمود از احاد ناس همینکه بحالت نزع
میرسیدند از نزد حکمران رسیده اورده درخواست مینمودند که مریض را خفه نماید
حکمران ایشان وقتیکه وفات مینمود نعش او را در روی اتش خشک نموده محافظت
مینمودند ولی از احاد ناس تنها سر یا یکی از اعضا ایشان را محض یادگار نگاه می
داشتند روح انسان را معتقد بودند که شبها سیر نموده تنها هر کس که بچنگش بیفتد

تلف مینماید بدانسبب شبها را هیچ کس در خارج نمیماند اشخاصیکه در مدت
حیوة خود اعمال حسنه از انان بروز کرده بود معتقد بر این بودند که پس از
موت ارواح انها داخل در یکمکانی که هر نوع خوشیها در انجاست خواهند شد
حتی مکان مذکور را در قصبهٔ (اکارکو) تصور مینمودند اهالی جزیره ببازی رقص
خیلی مایل بودند و مهارت کاملی در انخصوص داشتند هر طایفه با اهنگ
حروف اول اسامی سرگذشت تاریخی خود رقص خیلی رقص مینمودند در حین رقص
بعضی اشخاص اشعار تغنی نموده ان اشعار را (اریتوس) مینامیدند و یک نوع طبلی از
پوست ماهی درست کرده که صدای ان با صوت انان هم اهنگ میشد
اعتقادات دینیه و عادات غریبهٔ اهالی جزیرهٔ مذکور از این عبارت بود که ذکر شد
اطلاعات مذکوره را (کریتوف) از کتابیکه (واشنگتن) مورخ درج نموده بود اقتباس نمود

(فصل هفتم)

سابقا بیان شده بود که (کریتوف) بجهت برداشتن نقشه راهیکه مابین (ایزابل)
و (سان طوماس) اراده کرده بود که بنا شود در (وگا ریال) توقف نموده بود
پس از چندی اقامت در انجا بسوی شهر (ایزابل) عزیمت نمود
بمحض ورود بدانجا یک (کاغذی) از فرمانده (قلعه سان طوماس) بدو رسیده از مفاد
ان چنین مفهوم شد که ساکنین قرای مجاوره نسبت با سپانیولها اظهار عداوت

نموده

نموده از معاشرت انها متنفر شدند محض اجتناب از ملاقات انها تمام املاک
منقوله خود را برداشته بطرف دیگر جزیره هجرت نموده اند
(کاونابو) وحشی مشهور اتباع خود را جمع نموده مصمم تسخیر قلعه میباشد (کریتوف)
ازین کیفیت قدری مضطرب شد ولی محبت و مهربانی بومیان را در
بارهٔ اسپانیولها برای العین چون مشاهده کرده بود مطالبیکه نوشته
شده بود چندان باور نکرد مع هذا چنان مقتضی دانست که بیست نفر
سوار بدانجا بفرستد . واشخاصیکه بجهت حمل ماکولات سوادها
مامور شده بودند امر نمود که راه مابین قلعه (سانطوماس) و شهر (ایزابل)
را بسازند . اطراف شهر (ایزابل) اگرچه کشت و
ذرع شده بمعمور نمودنش پرداخته بودند ولی بواسطهٔ گرفتار شدن
اسپانیولها بپاره امراض مستولیه معموریت و ابادی شهر مذکور بتاخیر افتاد
اسپانیولها چون معتاد باکل ماکولات لطیفات بودند مجبورا از جو بایکه
در وطنشان استعمال مینمودند در انجا کاشته بودند ولی چون هنوز
هنگام درو محصولات مدتی وقت لازم داشت و ماکولات ذخیره
هم قریب باتمام بود مجبورا (کریتوف) از مقدار جیرهٔ یومیه انها کسر نمود
بجهت منع سرایت مرض مسری که در میان انها بروز نموده بود انهاییکه سالم

بود ندا از مرض جدا کرده هر یک را بجزیره‌ای کاشت و آنهائیکه ماندند نشان در شهر (ایزابل) چندان مفید نبود محض اینکه بهوای اقالیم مختلفه انصحات عادت نمایند و در ضمنهم به (کائوناو) وحشی مشهور خونی داشتند مسلح نموده بنقاط مختلفه جزیره مامور کرد

عده آنها بپانصد و نود و شش نفر رسید بدویست نفر پیاده و شانزده نفر صاحب منصب از آنها جدا نموده بریاست (النزو دو ویدا) بقلعه (سانطوماس) مامور نمود در ضمن احکامیکه برئیس قلعه (سانطوماس) (پیترو مارکاریتا) فرستاده بود ریاست قلعه مذکور را به (النزو دو ویدا) واگذار نموده ریاست سوار و صاحب منصبان بعهده (پیترو مارکاریتا) محول نموده بود

علاوه بر این امر کرد که اسپانیولیها نسبت بهندیان با کمال حقانیت و انصاف رفتار نموده هر گاه حرکت زشتی از بومیان بروز نماید بتدبیر و ملایمت در صدد دفع آنان برآیند . ماکولاتیکه از بومیان گرفته میشود امر شد بچیز دیگر معاوضه نمایند و این فقره در حضور جمعی باید مجری گردد و در این باب بومیان هر گاه مخالفت نمایند چون اعاشه اسپانیولیها امر ضروری است بومیان را مجبور بدان نموده ولی بشدت و سختی از آنان طلب ارزاق ننمایند حتی الامکان سعی نمایند که برضایت از آنها ماکولات گرفته شود

ونیز

ونیز امر شد که بجز معاوضه ماکولات ابدا اسپانیولیها طرف معامله بهندیان نشوند سربازان هر گاه از دایره اطاعت خارج شوند مورد سیاست سخت خواهند شد پراکنده بودن سربازان در اطراف قلعه چون داعی اتلاف آنها خواهد بود امر شده بود که همیشه بهیئت اجتماع باشند و یک حکم غیر رسمی در باب توقیف و برادرش محرمانه فرستاد . (النزو دو ویدا) با سوارها اواسط ماه از شهر (ایزابل) حرکت نموده همینکه به (وگاریال) رسیدند پنج نفر هندیهای سکنه (کاسیکه) بجهت معاونت اسپانیولیها که از قلعه (سانطوماس) بشهر (ایزابل) مامور فرستاده بود در جوار محل مزبور آنها را غارت نموده حکمران آنجا هم در ارتکاب عمل آنها شریک بود بمحض اینکه این فقره مسموع (النزو دو ویدا) گردید و تحقیقات لازمه بعمل آورد آنهائیکه مرتکب این عمل شده بودند گوش و دماغشان را برید پس از آن (کاسیک) با پسر و برادرزاده اش را توقیف نموده نزد (کریستوف) فرستاد و خودش عازم قلعه (سانطوماس) گردید

مقصرین را که نزد (کولومب) آوردند یک کاسیک دیگر که با اسپانیولیها کمال مودت و یگانگی داشت عفو آنان را درخواست نمود (کریستوف) بملاحظه اینکه بملایمت با آنها رفتار نماید امثال اینگونه اعمال دیگر از آنها بیشتر بروز خواهد نمود آنان را بمیدان سیاست حاضر نموده حکم قتل آنان را داد

حکمران مذکور مجدداً عفو مقصرین را درخواست نموده ملتزم گردید که بعد از
این هرگاه امثال اینگونه وقوعات از آنها بروز نماید حکمران شخصاً مسئول
باشد بناءً علیه (کریستوف) مقصرین را عفو نمود

دران اثنا یک سوار اسپانیولی خبر آورد که در یک قصبه چند نفر اسپانیولی
دوچار چهارصد نفر هندی گشته هندیان بمحض ورود سوار بقصبهٔ مزبور
فرار نمودند . (کریستوف) مطمئن شد که از هندیان مخاطرهٔ عظیمی
بروز نخواهد نمود بنابراین در مدت غیبوبتش بجهت نظم امورات آنجا
راهب (بویل) و (پترو فرناندز) و (الانزو سانکز کارارایال) و (جوانی دی لوسانو)
را مأمور نموده ریاست آنها را ببرادرش (دون دیگو) واگذار نمود . و خودش
در ماه دوم بهار با سه کشتی دیگر از بندر (ایزابل) حرکت نموده دو کشتی
بزرگ که در نهرها ممکن بود سیر و سیاحت نماید در بندر (ایزابل) گذارد
در سیاحت اول (کریستوف) چون سواحل جزیرهٔ (کوبا) را کاملاً گشت و گذار
ننموده و جزیرهٔ مذکور را از قطعات آسیا گمان مینمود مقصد اصلی از این
سیاحت این بود که سواحل جزیرهٔ مذکور را کاملاً گردش نموده بمملکت
(کاتای) که در آسیا واقع است وصل نماید و ورود به بندر (مونت کریستی) شنید که
(گواکاناگاری) با اقامتگاهش عودت نموده است بجهت ملاقاتش به بندر (ناویداد)

عزیمت

عزیمت نموده (گواکاناگاری) از ملاقات (کریستوف) اجتناب نمود
چند روز بعد (کریستوف) از آنجا حرکت نموده به بندر (سان نیقول) وارد شد و از
آنجا سواحل شمالی جزیرهٔ (کوبا) را گردش نموده بیک بندر وسیعی موسوم به (گوانتانامو)
رسید . در بندر مزبور کشتیها توقف نموده (کریستوف) با بعضی از
عملجات کشتی مسلحاً بخشکی داخل شده ببعضی خانهها درآمدند بومیان بمحض دیدن
اسپانیولیها فرار نموده در بالای یک تپه جمع شده مشغول تماشای آنها گردیدند
اسپانیولیها بتعاقب آنها شتافته هندیان از آنجا هم فرار نمودند یک نفر هندی
که در آنجا مانده بود (کریستوف) بواسطهٔ مترجم با او مکالمه نموده هندی مذکور پس
از آنکه قصد و نیات سیاحین را فهمید بنابرین بیان مطلب را نمود کلیهٔ
ایشان نزد (کولومب) آمده عرض مطاوعت نمودند

(کریستوف) از بندر مذکور حرکت نموده بجهت شرقی جزیره عنان عزیمت را
معطوف داشت بیک نقطهٔ مسکونی مصادف نمود ساکنین آنجا بمحض دیدن
کشتیها در ساحل جمع شده با اشاره اسپانیولیها را دعوت بساحل نمودند
و بعضی از سکنه سوار کرجیها گردیده بطرف کشتی اسپانیولیها آمده
مجاناً انواع مأکولات از قبیل ماهی و میوه جات بآنها دادند در آخر الامر کشتیها
بیک خلیجی رسیده در آنجا لنگر انداختند [خلیج مذکور همان خلیجی است که

امروز سانتیاکو نامیده میشود] اهالی انجا هم نزد (کولومب) امده عرض مطاوعت نمودند (کریستوف) یک پارچه طلا بایشان نشان داد و جنس انرا سؤال نمود که در کدام نقطه موجود است از اشارات انها معلوم شد که در طرف جنوب یک جزیرهٔ واقع است و از ان جنس معدن بسیار است در انجا در سنوات اول (کولومب) هم همان جزیره را (کریستوف) نشان داده بودند بدان سبب بجهت کشف معدن مذکور (کریستوف) از ساحل جزیرهٔ (کوبا) حرکت کرده بدان طرف عزیمت نمود

سیاحین پس از دو روز مسافت بجزیرهٔ (ژامائیک) رسیدند اهالی انجا بقدر چهارصد نفر مسلحا اجتماع نموده دخول اسپانیولیها را بدانجا منع نمودند (کریستوف) بواسطهٔ مترجم با انها مکالمه نموده و بعضی هدایا بایشان بخشیده هیجانشان را تسکین داد پس از ان به بندر (سانتا کلوریا) داخل شد فردای ان روز بجهت تعمیر کشتیها سواحل غربی جزیره را گردش نموده یک بندر محفوظی برای توقف و اقامت کشتیها تجسس نموده مکان مناسبی یافت بومیان در ساحل اجتماع نموده اسپانیولیها را از دخول مانع شدند (کریستوف) بملاحظهٔ اینکه هرگاه در مقابل ایشان اظهار ملایمت نماید بومیان جری‌تر خواهند شد امر نمود چند نفر اسپانیولی مسلح گشته بهندیان بنای

مجادله

مجادله را گذاردند مقدار کثیری از بومیان مجروح شده بقیهٔ انها فرار نمودند در ان میان سگی هم فراریان را تعاقب نموده چون انها ان حیوان را اول دفعه بود که مشاهده نموده بودند خلقت مهیب و مخوفی بنظرشان امده خوف و وحشت ایشان زیادتر شد بدین وسیله پس از رفع ممانعت بومیان (کریستوف) داخل خشکی شده رسما جزیره را ضبط نمود و (سانتیاکو) بدو نام نهاد

بجهت صلح و مسالمت پنج نفر هندی نزد (کولومب) امده پس از انکه بیان ماموریت خود را نمودند (کولومب) کمال محبت و مهربانی در حق ایشان بجای اورده بعضی هدایا بتوسط مامورین برای حکمران انجا فرستاد . حکمران جزیره هم با جمیع تبعهٔ خود نزد (کولومب) امده انواع ماکولات از قبیل میوه جات و غیره بجهت (کولومب) تعارف اورده

مدتی که (کولومب) در انجا اقامت داشت نهایت همراهی و احترام را دربارهٔ او بعمل اوردند

(کریستوف) پس از انکه کشتیها را تعمیر نمود بجانب جزیره (کوبا) عزیمت کرده سواحل غربی جزیره مذکور را سیر و سیاحت نمود بیست و پنج میل مسافت قطع نمود بیک خلیجی رسید پس از اندک توقفی از انجا بجزیره (کوبا) عودت نمود

(فصل هشتم)

کشتیها ئیکه از خلیج (بوین طبی یدمیو) عزیمت نموده بودند در اواخر بهار
بدماغه (کاپودالوکروج) رسیدند (کریستوف) بیک قصبه که در جوار
آن دماغه واقع بود رفته اهالی انجا حسن استقبال ازو نمودند (کریستوف)
از اهالی انجا درباب اینکه (کوبا) جزیره یا متصل بخاک تحقیقات کرده
از بیانات ایشان هم چیزی مفهومش نگشته گمان میکرد که (کوبا) متصل
بخشکی است (کریستوف) از دماغهٔ مذکور حرکت نموده سواحل شرقی
جزیره (کوبا) را کشف و گذار نمود چند میل مسافت دور از ساحل
جزایر کوچک بسیاری مشاهده نمود انها را (کاردینی دولارکینا) نامنهاد
پس از ان از انجا حرکت نموده ابتدا نیت سفر دریا را داشت ولی بعد از
ان بنا بروایت (مارکوپولو) و (ماندویله) که تصور میکردند اسیا مابین انجزایر
واقع است (کولومب) سواحل جزایر مذکور را از مدنظر دور نکرده در
ودر حین عبور از جزایر مذکور بواسطهٔ سنگهای بزرگی که در انجا بود حرکت
کشتیها دران مکانها دوچار مشکلات عظیمی گردید
کشتیها در جوار بزرگترین جزایر مذکور رسیده در انجا یکقصبه مشاهده
کردند اسپانیولیها بقصبهٔ مذکور ورود نمودند چون اهالی انجا در صید
ماهیها بوضع خاص عجیبی عمل میکردند لهذا دران باب لازم شد شرحی ذکر شود

یکنوع ماهی که دندانهای ان خیلی بزرگ بود انرا صید مینمودند ولیکن ریسمانی
بدم ماهی مذکور بسته در اب میانداختند بمحض اینکه این ماهی سایر ماهیها را
می دید با دهانش از انها میگرفت و زیر دندانهایش میفشرد پس از ان صیادها
نعش ماهی مذکور را از دریا بیرون اورده قدری اب در روی زنجیره دهانش
را باز مینمودند و ان ماهیکه در دهانش بود رها میکرد و صیدش نصیب دیگری میشد
خلاصه کشتیها از جزیرهٔ مذکور حرکت کردند در اوایل تابستان بیکی از
سواحل (کوبا) که خیلی کوهستان بود رسیدند در انجا هم بومیان حسن پذیرائی
بسیاحین نمودند (کولومب) با (کاسیک) و سایر اهالی انجا ملاقات نموده وضع
جغرافیائی جزیره را از ایشان سؤال نموده از فرار بیانات انها معلوم شد که جزیره
(کوبا) خیلی وسیع است و در جهت شرقی ان جزایر متعددهٔ کوچک بسیاری
هست . از تقریرات ایشان (کریستوف) اطمینان کلی حاصل
نمود که در سواحل قطعه اسیا واقع و جزیرهٔ (کوبا) را خاک اسیا تصور نمود
پس از ان کریستوف عنان عزیمت را بسوی جنوب معطوف داشت بومیان
انجاهم با کمال مسرت از سیاحین پذیرائی مینمودند بالاخره پس از چند روز
سیاحت (کولومب) بیک نقطه رسید حالت غریبی مشاهده نمود بجهت انکه عمق
دریا دران نقطه بسیار کم بود و بواسطه تلاطم دریا ریگهای سفید یکدفعه دریا

بود با بخلوط شده رنک ا تغییر میکرد مثل شیر سفید میشد ابتدا (کرلومب) سبب ان
کیفیت را درک نمیکردم عاقبت سبب انرا فهمید

(کرلومب) در طرف جنوب جزیره مدت مدیدی سیاحت نمود و در چندین
نقطه عسکر بساحل فرستاد اثر و علامت ابادی در ان مکانها هیچ جا پیدا نشد
(کریستوف) پس از ان بطرف جنوب شرقی جزیره کشتیها را سوق نموده بیک جزیره
رسیده نامش را (اونکلتا) نهاد و از انجا ما بقیه خود را تدارک نموده بسیاحت
مشغول شد بمصب یکنهر بزرگی رسید و در انجا توقف نمود (کریستوف)
چون بهر نقطه که از دنیای جدید میرسید یک صلیبی در انمکان برپا
مینمود در انجا هم در روز یکشنبه یک صلیبی برپا داشت و یکجشنی هم
ترتیب داد در حین انحالت مراسم جشن مزبور (کاسیک) و مشاورش ملتفت
شدند که این جشن متعلق با مور دینی است پس از ختام ان نزد (کرلومب)
باین مضامین نطق کردند که [از حرکات شما معلوم شد تشکر باری تعالی
را بجا میاورید از قراریکه شنیده ام با قدرت قاهره باین ممالک داخل
شدم و ساکنین ممالک مزبوره را مطیع و منقاد خود نموده اید ولی هر کار
مرا را بخاطر بیاورید کسیکه بتوبه نکرده است باو باید بد نکنی چونکه
باعتقاد ما روح پس از انکه از جسم جدا شد دو راه از برای ان موجود است

یکی خیلی سخت و صعب المسلک که بیک نقطه مظلمی منتهی میشود و ان راه را
روح کسانیکه در این دنیا ظلم کرده اند خواهند پیمود دیگری خیلی هموار و
سهل العبور و بیک محل نورانی که در انجا انواع نعم موجود است منتهی میشود
ان راه را روح کسانیکه در این دنیا از روی عدل و انصاف عمل کرده اند خواهند
پیمود] نطق مذکور ترجمه شد (کرلومب) از بیانات ایشان کمال تمجید را
نمود و جواب داد که [من گمان نمیکردم که شما معتقد باین گونه مسائل باشید
حال که شما معلوم شد اعتقاد ما و شما یکی است من از طرف پادشاه خودم مامورم
که دین حق را در این مملکت جاری نمایم و شما را از دشمنان شما که معتاد
باکل گوشت انسان هستند حفظ نمایم . اشخاصیکه طالب صلح و مسالمت
باشند مرا از برای خود حامی باید بدانند]

مترجم بیانات مذکوره را به (کاسیک) عرض نموده (کاسیک) خیلی تشکر نمود
مترجم (کریستوف) چون در سیاحت اول همراه او باسپانیول رفته بود و از وضع
تمدن مملکت اسپانیول هندیان بیان نمود ایشان خیلی متعجب شدند شاه و
(کاسیک) مایل عزیمت باسپانیول گشته ولی بواسطه بعضی ملاحظات عزم و نیت
خود را تغییر داد و از قرار بیانات چنین معلوم شد که گمان میکردند اسپانیولیها
از اسمان نزول کرده اند . خلاصه سابقا بیان شده بود که

اسپانیولیها در مصب یک نهری توقف نموده بودند پس از اجرای شهر اینی و ذکر
صلیب نهر مذکور را (ریودولامیرا) نام نهاده کشتیها از انجا حرکت نموده بدماغه
(کابودی کروج) رسیدند در اوایل تابستان بسوی جزیرهٔ (ترانیک) عزیمت نمودند
بیکماه (کریسترف) در سواحل جزیرهٔ مذکور سیر نموده اخر الامر بیک خلیج بزرگی رسیده
در انجا هفت جزیره و ابادی زیاد مشاهده نموده بمحض ورود بدانجا (کاسیکه)
انجا بکشتی امده لوازم احترامات را درباره سیاحین بجای اورده و در حینیکه
اسپانیولیها مشغول تداول عزیمت از انجا بودند چند کرجی بسوی کشتیها امده
کرجی (کاسیک) که از همه بزرگتر بود در جلو همه حرکت میکرد . در کرجی مذکور
(کاسیک) و خانوادهٔ او در ان جالس بودند چهار نفر هندی که در یکطرف کشتی
نشسته بودند دو نفر از انها طبل و دو نفر دیگر یک نوع شیپوری که از چوب
سیاه ساخته بودند میزدند شش نفر دیگر هم که مهمانان (کاسیک) بودند و در میان
کرجی جلوس کرده بودند

کرجیها نزدیک بکشتی شده (کاسیک) و همراهانش داخل کشتی شدند (کاسیک) اطراف
سرش را بیک رشته مانند تسبیح که از یکنوع سنگهای سبز کوچکی ترتیب کرده بودند
بسته بود و مقابل پیشانیش یکپارچه طلا اویزان کرده بودند
(کاسیک) از محصولات مملکتش بعملجات کشتی بعضی هدایا بخشید پس از ان با (کریسترف)

ملاقات

ملاقات نموده بدین مضامین نطقی کرده گفت که [من مملکت و سلطنت خود را
ترک نموده میخواهم در تحت حکم شما باشم از هندیهائیکه نزد شما هستند فتوحاتیکه
بنام حکمران اسپانیول کرده اید شنیده ام هر کس مطیع شما نگردد دچار
سیاست سختی خواهد شد اقوام (کارائبها) را بکلی تمام و مضمحل و هر کسیکه تابع ایشان
بوده بدیار عدم فرستاده و اولاد و عیالشان اسیر نموده اید چون جمیع ساکنین
جزایر قوت و قدرت شما را میدانند با امر شما مخالفت نخواهند نمود اینک من
با تمام متعلقات خود بجهت عرض عبودیت بپادشاه شما باینجا امده ایم و
اوصاف پادشاه شما را از هندیهائیکه نزد شما میباشند شنیده ام از روی ملاقاتش
را دارم] (کریسترف) بیان تشکر از اظهارات او نموده باو وعده داد
که هنگام مراجعت باسپانیول (کاسیک) و خانواده اش را همراه خود ببرد (کاسیک)
اظهار ممنونیت کرده بمقر خود مراجعت نمود

(کریسترف) از خلیج مذکور حرکت نموده در طرف جنوب جزیره (ژامایک) بیک
ساحل رسید که انرا (فارک) نام نهاد بطرف شرق جزیره عنان عزیمت را معطوف
نموده بدماغه (میکل) که در جزیره اسپانیول واقع است رسید ابتداء فرق و تمیز
نداد که دماغهٔ مذکور در خاک اسپانیول واقع است از بیانات یک (کاسیک)
که جزئی زبان اسپانیولی تکلم مینمود معلوم شد که دماغهٔ مذکور جزء خاک

جزیرهٔ اسپانیول میباشد چندی بعد کشتیها از انجا حرکت نموده پس از انکه
مسافت کمی پیمودند یکطوفان شدیدی ظاهر شد که کشتیها از هم متفرق شدند
کشتی (کولومب) بجزیرهٔ کوچکی که در مقابل دماغهٔ که در طرف شمال جزیرهٔ (راتاییک) واقع است
رسید دماغهٔ مذکور را (پونتا باتا) و جزیره را (التورتو) نامنهاد بجهت اینکه کشتیهای
دیگر را پیدا نماید (کریستوف) از عملجات کشتی چند نفر را بیک نقطهٔ مرتفع جزیره
فرستاده که در انجا یک قطعه بزرگ دریا دیده میشد انها هرچه باطراف نظر
کردند از کشتیها اثری مشاهده نشد عودت نمودند

اخر الامر از کشتیهای کم شده دو کشتی انها بجزیرهٔ مذکور رسیده بکشتی (کولومب)
ملحق شدند هر سه قطعه کشتی از انجا حرکت نمودند در حین سیر و سیاحت بسواحل
جزیرهٔ مزبور چون یک نوع ماهی غریب الشکل معروف به (بالن) از دریا بیرون
امده و بعضی علایم در دریا نمایان شد محقق شد که طوفان شدیدی
ظهور خواهد نمود . کشتیها ما بین جزایرهٔ اسپانیول و جزیرهٔ
(سائونا) بیک جای محفوظی پناه برده ورود بدانجا خسوفی پیدا (واقع؟) شد پس از ان
طوفان عظیمی که هشت روز دوام نمود ظهور کرد چون از ان سه قطعه کشتی فقط
کشتی (کولومب) بدان محل امن رسیده بود سایر کشتیها بواسطه مخالفت هوا
بدانجا نرسیده بودند (کولومب) بدین جهت مضطرب گشته پس از انکه هوا ساکن

شد

شد کشتی (کولومب) وسط دریا امده بسایر کشتیها رسید هر سه مشغول بسیاحت
بودند در طرف شرقی جزیره اسپانیول بیک دماغه رسیدند که انرا (سان رافائل)
نامنهاده و کشتیها بطرف شمال شرقی جزیره عنان عزیمت را معطوف ساخته بجزیره
(امونا) که ما بین (پورتوریکو) و اسپانیول واقع است رسیدند در انجا بواسطه زحمات
و مشقاتیکه متحمل شده بود مزاجش علیل گشته از سیاحت صرف نظر نمود قرار
براین داد که بشهر (ایزابل) عودت نماید در حرکت از انجا مرضش شدید شد
از حواس خمس ظاهره محروم گردید همراهانش (کولومب) را در حالت نزع پنداشتند
خیلی مضطرب شدند با وجود ان کشتیها از انجا عزیمت نموده ببندر شهر
(ایزابل) رسیدند

(فصل نهم)

کشتیهاییکه در تحت امر (کولومب) بودند در ورود بشهر (ایزابل) اسپانیولها
خیلی مسرور شده قبل از ورود بشهر (ایزابل) برادر (کولومب) هم چون بدانجا وارد
شده بود (کولومب) از دیدار برادرش مشعوف گشته مزاجش کسب اعتدال نمود
(کریستوف) هنگامیکه بشهر (لیزبون) رفته برادرش (بارتلومه) را بدربار دولت انگلیس
مامور نموده نزد (هانری) پادشاه انگلستان فرستاده بود . مورخ معروف
(لاس کاساس) از قراریکه نوشته است (بارتولومه) بانگلستان رفته در سنه میلادی ۱۴۹۴
بیک سیاح دیگر بافریقا رفته دماغه امیدواری را کشف نموده است

کتابخانه ...

ولی مورخ معروف (واشنکتن ایروینک) از قراریکه مذکور داشته است برادر (کولومب)
مستقیما بدّ باد (هائی) چهارم رفته پس از مدت مدیدی مراجعت باسپانیول نموده
است در بین راه هنگامیکه بپاریس آمده بود بحضور (شارل) هشتم مشرف شده
بعواطف پادشاه فرانسه نایل گردید زمان ورود (بارتیم) چون امیرالبحر بشهر
(والادولید) رفته بود (بارتولومئو) هم بدانجا رفته قبل از رسیدن بشهر مذکور
(کریستوف) بجهت سیاحت دوم از اسپانیول مفارقت نموده بود

(بارتولومئو) در فن کشتیرانی چون مهارت کاملی داشت سرپرستگاه کشتی در تحت
امر او داده شده بمعاونت (کولومب) بسوی ممالک جدیده مامور گردید (کولومب) در اثنائیکه
وسایر جزایر را سیاحت نموده بشهر (ایزابل) رسید بواسطه ضعف مزاج (کریستوف)
هم محتاج بمعاونت یکشخص امین و کاردانی بود (بارتولومئو) چون شخص بصیر و معتمدی
بود حکومت شهر را بدو واگذار نمود

(فصل دهم)

سابقا بیان شده بود بجهت کشف احوالات داخله جزیره اسپانیول
دستور العمل مفصلی (کریستوف) به (پیترومارکاریتا) داده و ایشانرا با جمعی عسکر بداخل
جزیره مذکور فرستاده بود قبل از اینکه از حرکات عسکریه مزبور بیانی نمائیم
لازمست که هنگامیکه اسپانیولیها جزیره مذکور را ضبط نمودند از وضع تقسیمات

ادارات

...

ادارات آنجا مختصری ذکر نمائیم در زمان تصرف جزیره مذکور به پنج ایالت منقسم
شده و هر یک از آن ایالات در تحت حکم یک (کاسیک) بود و در تحت امر
او هم یک نایب مقرر شده بود

ممتازترین ایالات خمسه ایالت (وکاریال) بود [ایالت مذکور بواسطه انهارهائی
که منابعشان در جبال (سیبا) بود مشروب میشد]

ایالت دوم معروف به (ماریین) و در تحت امر (گواکاناگاری) بود [این ولایت در
طرف سواحل جنوبی جزیره واقع و از دماغه (سن نیکولا) تا نهر (یاکی) ممتد بود
ایالت سیم معروف به (ماگانا) و ساکنین آنجا وحشی‌ترین اهالی جزیره مذکور
بوده (کاسیک) آنجا دشمن بزرگ اسپانیولیها بود [جبال سیبا در داخل این
ایالت واقع است]

ایالت چهارم (کاراگوا) و در تحت حکم (بهکیو) بوده همشیره این کاسیک از زنهای
(کاونابو) بوده و در تمام جزیره وجاهتش مشهور بود ایالت مذکور مشتمل بر
سواحل غربی جزیره و ساکنین آنجا طبعا ملایم‌تر از سایر اهالی آنجا بودند
ایالت پنجم معروف به (هیگوای) و در تحت اداره (کوتوبونا) بود اهالی آنجا
با اقوام (کارائب) همیشه محارب بودند در فن جنگ از سایر اقوام جزیره فائق
بودند جزیره مذکور دارای یک میلیون نفوس بود

مدت غیبوبت (کریستوفر) (بی یترو مارکاریتا) حکومت قلعه (سانطوماس) را به (انرودویلا)
واگذار نموده بجای آنکه باکتشافات جبال (سیبا) بپردازد به (وکاریال) عزیمت نمود
در انجا مقیم گردید

تعلیمات حکیمانه (کریستوف) را فراموش نموده مرتکب بعضی اعمال ناشایسته گردید
قشونیکه در تحت حکم او بودند طبیعت اورا گرفته از انها هم خیلی حرکات
وحشیانه ظهور نمود کلیهٔ ماکولاتیکه بومیان صرف مینمودند چون قابل اکل
انها نبود بقدر جزئی از ان صرف نموده ما بقی را تفریط مینمودند بدانسبب
یکروز ثلث اسپانیولی معادل ماکولات یکماههٔ یکهندی بود بومیان
بدینجهت در خصوص اعاشهٔ اسپانیولیها عاجز مانده بودند پس هر کاه
انچه میطلبیدند و فورا بانها داده نمیشد جبرا از انها میگرفتند علاوه
بر ان انچه طلا در دست بومیان بود غصب و غارت میکردند و دست درازی
بچادر عصمت زنان انجام مینمودند بروز اینگونه حالات ناگوار از عساکر
درباره بومیان باعث شکایت بزرگ گشته شورش عظیمی برخواسته شد
(دون دیک کولومب) بمحض اینکه از افعال و اعمال ایشان مخبر شد بهر ای هیئت اداره
حکومت بکفهدید نامهٔ به (بی یترو مارکاریتا) ارسال نمود (بی یترو مارکاریتا) پس از مطالعه
ان خیلی متغیر گشته جواب داد [چون حکومت مستقله بعهده منست هیچ جه

دیگری

دیگری حق مداخله کارهای مرا ندارد] پس از ان راهب (بویل) با یک مقدار عسکر را
بطرف خود جلب نموده با بزابل مراجعت کرده به (دون دیک) و سایر اجزاء حکومت
که از طرف (کریستوف) معین شده بودند ابدا اعتنائی نکرده فضولتاً کشتیهائیکه
در انجا لنگر انداخته بودند ضبط نموده با طرفدارانش بطرف اسپانیول حرکت
نمود بهر وجه مشروح پس از انکه (بی یترو مارکاریتا) با اسپانیول عزیمت نمود عسکریکه
در انجا مانده بودند بیش از پیش بنای تعدی را گذاشته بومیان بالمره از دادن
ماکولات امتناع نمودند هر کجا که تنها از انها را میبافتند بقتل میرسانیدند
(کاسیک) انجا ده نفر اسپانیولی را بقتل رسانیده چهل نفر از ایشان که در یکخانه
بودند امر داد اتش زدند و در صحرای (وکاریال) قلعه که اسپانیولیها بنا نموده بودند
امر بتخریب قلعه مزبور داد (کاسیک) (کائونابو) هم ده هزار نفر جمعیت جمع نموده
مصمم شد که ناگاه بقلعه (سانطوماس) حمله نماید مستحفظین قلعه چون همیشه بیدار کار
بودند ایشان بمقصود خود نائل نگشته قلعه را محاصره نمودند مدت یکماه
محاصره طول کشید بومیان از فن محاصره چون بی بهره بودند خیلی از ایشان
مقتول شده بقیه انها هم فرار نمودند

(کائونابو) از نابود کردن اسپانیولیها خیالاتش منصرف نشده چون حرکات
ظالمانهٔ اسپانیولیها در تمام جزیره انتشار یافته بود با سایر کاسیکها اتحاد

نموده اتباع سایر (کاسیکها) هم با او موافق و همداستان شدند جز (گواکاناکاری)
که موافقت با ایشان نکرد و برعکس سایر (کاسیک) ها چند نفر مریض اسپانیولی
که بخانهٔ او انجا اورده بودند در خصوص معالجه انها دقت فوق العاده نموده
کمال محبت و مهربانی درباره ایشان بجا اورد

وقایعیکه هنگام غیبوبت (کولومب) در جزیره اسپانیول ظهور نموده عبارت از این
بود که ذکر شد و اما تدابیریکه (کولومب) بجهت رفع شورش و اختلال جزیره بکار برد
در فصل اتی ذکر خواهد شد

(فصل یازدهم)

هنگام ورود (کریستوف) بشهر (ایزابل) (گواکاناکاری) بجهت ملاقات (کولومب) بشهر مذکور
عزیمت نموده در حین ملاقات اظهار تاسف از کسالت مزاج (کولومب) نموده
و ذکر تخریب قلعه (ناوید) را درمیان اورده و در ضمن از ثبات و احمال
(کائونابو) (کریستوف) را مخبر نمود . (کریستوف) بواسطه ضعفیکه در مزاج
عارض شده بود لشکرکشی از برایش خیلی متعسر بود از طرف دیگر هم حرکات
نالایقهٔ اسپانیولیها قلوب اهالی انجا را طوری منزجر کرده بود که هر
نوع تدبیری (کریستوف) میخواست بکار برد بی نتیجه میماند ملاحظات مشروحه خیلی
باعث تشویش خاطر (کولومب) گشته چیزیکه باعث تسکین اضطراب خاطر او گردید

فقط

فقط عدم اتفاق قوی مابین حکمرانان جزیره بود بدینجهت تا یکدرجه امید اعاده
اسایش در انجا پیدا نمود (کولومب) بمحض اینکه صحت یافت فوراً عده قلیلی عسکر
بامداد محصورین قلعه (ماتانزا) فرستاده و محاصرهٔ قلعه مذکور برداشته شده
عساکر اسپانیول داخل مملکت (کاسیک) مزبور گشته خیلی از تبعه او را بقتل
رسانیدند و بقیة السیوف را هم اسیر نموده حکمرانان انجا مجبور بفرار گردیدند
(کولومب) تصور نمود که هرگاه با (گوانیکوانا) که یکی از اتباع (گواریونکس) است مناسبات
دوستانه حاصل نماید در خصوص تأمین اسایش جزیره تاثیر عظیمی خواهد
داشت لهذا نزد (کاسیک) مشارالیه مامورین مخصوص فرستاده شده او را
دعوت بحضور (کولومب) نمودند (گواریونکس) هم چون شخص صلح جو بود این تکلیف را
پذیرفته فوراً نزد (کولومب) امد

(کولومب) محض ارتباط و خصوصیت دختر او را بنکاح یکجوان هندیکه در سیاحت
اول همراه خودش باسپانیول برده و سمت مترجمی او را داشت درآورد و بجهت
حفظ اسایش در صحرای (وکارای) یک قلعه بنا نموده (کونسپسیون) بدین نام نهاد
ممالک ( ) چون کوهپایه بود لشکرکشی در انجا خیلی صعوبت داشت (کولومب)
در صورتیکه در خصوص انجا متفکر مانده بود (الونزو دو وید) ملزم گردید که او را
اسیر نموده نزد (کولومب) بیاورد و بجهت انجام مقصود ده نفر اسپانیولی همراه برداشته

عازم مملکت او گردید . ورود بدانجا فوراً نزد (کائونابو) رفته چنین
عنوان نمود که (کریتوف) او را بجهت مصالحه بین الطرفین فرستاده است و از
طرف (کریتوف) هم بعضی هدایا باو داد

بعضی از مورخین نوشته اند که وقتیکه ناقوس میزدند چون اسپانیولها او را
بکلیسا میرفتند بومیان تصور میکردند که ناقوس از آسمان نازل شده و صدای آنرا
هم کلام فرض میکردند که تکلم مینماید بدان سبب احترام وافری بدان آلت مینمودند
(انزوودیدا) چون این مطلب را درک کرده بود که یک ناقوس به (کائونابو) هدیه نمود و
(کائونابو) زیاد از حد ممنون شده راضی شد بجهت عقد مصالحه خودش نزد (کولومب)
بیاید . درحینیکه عازم شهر (ایزابل) بودند عسکر زیادی جمعشده
ملتزم رکاب (کائونابو) گردیدند (انزوودیدا) علت لزوم آنرا بیان نموده (کائونابو)
محض اینکه بشرف و حشمت آن خللی وارد نیاید راضی بدان مطلب نشده با عظمت
و جلال حرکت کرده مواصلت بنهر موسوم به (وکا) توقف نمودند پس از جزئی
استراحت و استحمام در کنار نهر مزبور (انزوودیدا) بعضی حلقه های فولادی به
(کائونابو) نشان داده چنین وانمود کرد که آن حلقه ها از آسمان نازل شده
در ایام رسمی پادشاه اسپانیول دستهای خود را بدان تزیین مینماید به
(کائونابو) هم تکلیف نمود که دست و پای خود را از آن زینت داده و برای سواری

شده

شده مثل پادشاه اسپانیول خود را بنظر عسکرش جلوه بدهد (کائونابو)
چون از کم و کیف مسئله مسبوق نبود تکالیف (انزوودیدا) را قبول نموده زنجیر
اسارت بگردنش افتاد در عساکر (کائونابو) چون حکمران خود را بدین شکل در
روی یکحیوان عجیب الشکل دیدند اظهار مسرت مینمودند
(انزوودیدا) باسب خود سوار شده همینکه شروع بحرکت نمودند متدرجاً اسپانیولها
از هندیان دور شده پس از آنکه از نهر عبور نمودند داخل یک جنگلی شده از
نظر هندیان ناپدید شدند

اسپانیولها شمشیرها را از نیام برکشیده تهدید آمیز باو گفتند هرگاه
جزئی مخالفت نماید طعمه شمشیرش خواهند نمود بعد از آن با طناب او را
باسب بسته با کمال سرعت بسمت مقصود شتاب نمودند در اثنای راه هیچ
چیز اکل ننموده بلادرنگ بشهر (ایزابل) رسانیدند (انزوودیدا) چون (کائونابو)
را با کمال سهولت اسیر نموده نزد (کولومب) آورده بود (کولومب) خیلی ممنون شده
بنای صحبت را باو گذارد . (کائونابو) خیلی متکبرانه سؤال و جواب
نموده با کمال افتخار بیان نمود که قلعهٔ (ناویداد) را خراب نموده و چندین دفعه
هم قصد تخریب قلعهٔ (ایزابل) را نموده است

(کریتوف) قرار براین داد که (کائونابو) را باسپانیول بفرستند ولی محض اینکه فرار

نمایدا ورا از حلقه اسارت خلاص نکرده در همانخانهٔ که مقیم بود توقیفش نمود (کالونابو) با کمال صبر تحمل انخال (؟) را نموده ابدا شکایت نمینمود

(کولومب) در صورتیکه دارای عنوان (ویس روا) نایب السلطنه کی بود در حین ورود بمقر حکومتش عموم با وحرمت و تواضع نمودند (کالونابو) ابدا اعتنائی باو نکرد همینکه (اتزو دویلا) وارد انجا شد فورا از جای خود بلند شده نهایت احترام بجا اورد . اسپانیولیها از او سؤال نمودند (ویس روا) بر تو که دکرد ابدا اعتنائی نکردی و بیك صاحب منصب چگونه بایستی لوازم احترام را بجا اوردی . (کالونابو) جواب داد چون بجهت اسیر کردن من در میان قشونم جرئت امدن نمود او را شایان احترام نمی بینم امروز اگرچه در بند اسارت او هستم ولی این موفقیت را بواسطهٔ (اتزو دویلا) احراز نموده است خبر اسارت (کالونابو) در میان لشکر انتشار یافته برادرش با هفت هزار هندی بمحاصرهٔ قلعه (سانطوماس) شتاب نمود فکر و نیتش این بود هرگاه چند نفر اسپانیولی را اسیر نماید در مقابل این اسرا (کالونابو) را تخلیص خواهد نمود

(اتزو دویلا) جزئی عسکر در قلعه گذارده با بقیه لشکر خود بهندیان حمله نموده کلیه انانرا پریشان نمود برادر (کالونابو) را هم اسیر کرد

(فصل دوازدهم)

چنانچه

چنانچه سابقا بیان شده بود اسپانیولیها چون مشغول تسکین عصیان بومیان بودند در عمل فلاحت انجا مسامحه نمودند چنان می پنداشتند که در اندك زمانی طلای بیحد بدست اورده مالك ثروت کلی خواهند شد بدان جهت در خصوص تهیهٔ مایلزم معیشت غفلت نموده ارزاقیکه همراه داشتند چون تمام شده بود خیلی مضطرب بودند دران اثنا چهار قطعه کشتی محمول بارزاق در تحت امر (اندونیو دو توریس) ببندر (ایزابل) رسیده این کیفیت موجب مسرت اسپانیولیها گردید با کشتیهای مزبور چند نفر زارع و یکنفر طبیب و یك جراح هم بدانجا فرستاده شده بود

۱۴۹۴ در سنه میلادی تحریراتیکه از طرف پادشاه اسپانیول بتوسط (انتونیو دو توریس) فرستاده شده بود (کریستوف) قرائت نموده از مفاد ان معلوم شد موادیکه در لایحه سابق الذکر درج نموده بود موجب ممنونیت پادشاه اسپانیول گشته اطمینان حاصل کرده بودند که کشفیات (کولومب) نتایج مفیده خواهد بخشید بجهت مخابرات دائمی مابین اسپانیول و ممالك مکشوفه قرار داده شده بود هر ماه یك کشتی امد و شد نماید

چون مسئله تفریق مستملکات پرتغال و اسپانیول هنوز در میان بود بجهت حسن انجام ان مسئله امر شده بود که نقشه و پلانهای لازم با استصحاب (کولومب) یا

برادرش و با اینکه بهر کسیکه (کرلومب) مناسب بداند نقشهای مذکور تسلیم شده
باسپانیول برود . با اسپانیولیهائیکه در ممالک جدید بودند مخصوص آنهائیکه در تحت امر (کرلومب) بودند خطاب شده بود که مطیع
امر (کرلومب) بوده هر کس مخالفت امر او را نماید مسئول دولت و مورد سیاست
خواهد بود . (کریستوف) چون هنوز ناخوش مزاج بود و برادرش (بارتولومئو) هم
وجوب قطعی داشت که نزد خودش باشد برادر دیگرش (دیه گومارک) را مناسب
دید باسپانیول بفرستد . (کرلومب) باستصحاب (دیه گومارک) طلاهائیکه
جمع شده بود با بعضی نمونه معادن و چیزهای دیگر و پانصد نفر اسیر باسپانیول
فرستاده سابقا راهب (بویل) چون باسپانیول رفته ممکن بود بعضی افتراها نسبت
به (کرلومب) داده باشد بجهت رفع مفاسد راهب مذکور دستورالعمل مخصوص
بدو داد

(فصل سیزدهم)

چنانچه سابقا بیان شده بود هندیان بمحاصره قلعهٔ (مادالای) پرداخته مغلوب
شده بودند ولی اهالی مملکت (ماکوانه) که در تحت حکم (کائونابو) بود چون حکمران
خود را اسیر دیدند بجهت انتقام از اسپانیولیها بشورش برادر
(کائونابو) را اجماع نموده قصد هلاک نمودن اسپانیولیها را نمودند (کواکاناکاری)
ابتدا دفعه هم داخل نفاق نگشته از خیالات مضره ایشان (کریستوف) را مخبر نموده

با اتباعش مهیای معاونت (کرلومب) گردید
(کرلومب) پس از استماع این خبر وحشت اثر چون قوه لازمه بجهت مقاومت
ایشان آماده نداشت خیلی مضطرب شده بر علت مزاجش افزوده شد
با وجود اینحال قرار بمقابله ایشان داده بتدارکات جنگ مبادرت نمود
دویست نفر پیاده و بیست نفر سوار تهیه نموده بعساکر (کواکاناکاری) ملحق نمود
بروایت بعضی از مورخین صد هزار نفر هندی در مقابل این عسکر جزئی
مغلوب شدند یکی از اسباب مغلوبیت هندیان این بود که اسلحهٔ آنان عبارت
از تیر و کمان و سپر و گرز بود اسباب ثانوی مغلوبیت آنان عدم اطاعت و انتظام
مابین قشون هندیان بود . علاوه بران اسپانیولیها بقدر بیست سگ درنده در
حرب همراه آورده بسوی هندیان عریان روانه نموده هندیان وحشت عظیمی از
آنها نموده فرار نمودند عساکر (کواکاناکاری) در میدان جنگ اگرچه حاضر شده بودند
ولی از فن حرب چون ربطی نداشتند امدادی از ایشان برنیامد (کریستوف)
بر منوال مشروح هندیان را مغلوب نموده در اندک وقتی جزیره را امن و امان نمود
(کریستوف) پس از اعادهٔ آسایش در جزیره مزبور در باب طرح مالیات در
آنجا بمذاکرات لازمه پرداخته بر وجه آتی بعضی نظامات وضع نمود
مادهٔ اول . در جمیع نقاط جزیره کلیه نفوس بسن چهارده که رسیده اند

بمقدار پنج (دولار) طلا بحکومت باید بدهند

مادهٔ دوم حکمرانان بیش از مقدار طلای مذکور بحکومت باید بپردازند

مادهٔ سیم در جائیکه معدن طلا موجود نباشد انهائیکه بسن چهارده که رسیده‌اند مقدار بیست و پنج لیبر پنبه بحکومت باید بپردازند

مادهٔ چهارم محض اینکه انهائیکه مالیات خود را پرداخته معلوم شود بهر یک از انان قرار بر این شد یک مدال مس داده شود در اخر سال هر کس که دارای مدال مذکور نبود چون دلالت بر این مینمود که مالیات خود را نپرداخته است مورد سیاست سختی خواهد بود

هندیان بحکمرانان خود چون مالیات جزئی میپرداختند پرداختن مالیات جدید را تکلیف شاقی بنظرشان امده در اینباب بعضی اعتراضات نمودند اعتراضات انها از طرف حکومت رد کردید عاقبت الامر بنصف مالیات مذکور تخفیف داده شد . بجهت وصول مالیات و تامین و اسایش بجز قلاع موجود در نقاط مهمه جزیره بعضی قلاع دیگر هم بنا نمودند هندیان بجهت پرداختن مالیات چون مجبور بودند که همیشه مشغول کاری باشند این فقره خیلی بنظرشان دشوار امده قرار بر این دادند که از اداره حکومت اسپانیولها خود را خارج نمایند فقط جبر حصول مقصد چون میسر نمیشد تدبیری که بخاطرشان رسید این بود که

مزرو

مزروعات را خراب نموده و کشت و زرع ننمایند تا بدینواسطه اسپانیولها دچار قحط و غلا شده از جزیره فرار نمایند در ان اثنا اذوقه و ماکولات از اسپانیول وارد شده بومیان تدبیر درباره خود شان موثر افتاده از شدت قحط و غلا و از خوف اسپانیولها بجنگلها و کوهها پناه بردند و خیلی از انان دچار امراض شده کشته تلف شدند . فقط کشت و زرع ننمودن انان چون عاقبت بحال اسپانیولها مضر بود هندیان را مجبور نمودند که بمسکن خود عودت نمایند اکثر ایشان بغارهای مرطوب پناه برده تلف شده بودند ما بقی بمسکن خود عودت نمودند بومیان بحدی از اسپانیولها خوف و وحشت نموده بودند که یکنفر اسپانیولی بدون اسلحه در تمام جزیره کردش مینمود (کواکاناکاری) چون از دایره اتفاق خود را خارج نموده با اسپانیولها همدست شده بود سایر (کاسیکها) از او نفرت نمودند اسپانیولها بدو معاونت ننموده اتباع شریر و شوریدند

(کواکاناکاری) از هر طرف مایوس شده بود بیک کوهی پناه برده در انجا وفات نمود

(فصل چهاردهم)

مقدما بیان شده بود که از اطوار نا پسند (دیپترو مارکاریتم) امنیت و اسایش در جزیره خلل پذیر کشته هنگامیکه (کولومب) مشغول تامین اسایش جزیره مذکور بود (مارکاریتا) و راهب (بویل) با اسپانیول مراجعت نموده بجهت کسر

اعتباران مغایر حقیقت بعضی سناها در حضور امپراطور باو داده بودند
ایشان در حضور امپراطور چنین اظهار داشته بودند که (کولومب) جزیره را هرج و
مرج نموده بدین سبب جیره عملجات را کسر نموده و بخدمات شاقه ایشان را وادار
نموده اکثر آنان تلف شده اند علاوه بر این (کریستوف) جزیره را بحال خود واگذار
نموده بجای دیگر رفته عرایض (رابیریلو) و (پیترو مارگاریتا) در اسائه اسپانیولیها تصدیق
نموده مقرر شد که یک شخص امین کاردانی بدانجا فرستاده شود و وضع انجا را
اصلاح نماید . و شکایاتیکه عرض و بیان شده بود تحقیق نموده هر کس که میل
توطن در جزیره داشته باشد اذن داده شود مقارن این حال (آنتونیو) با چهار
قطعه کشتی ورود نموده در اخبار اینکه در باب ممالک مکشوفه بیان نمود
مقررات سابق موقوف شد ولی یک ماموری باشد که بدانجا فرستاده شود
محض رعایت خاطر (کولومب) (جوانی اگوادو) که در سنا حاضر بود بدانجا رفته و طرف
میل (کولومب) بود بدانجا مأمور شد . بعرض راهب (دبویل) یک راهب
دیگر با یک معدن شناس ماهری بدانجا فرستاده شده در سنه میلادی ۱۴۹۵ (جوانی)
و برادر (کولومب) (دومینیک) شهر بنای جدید با چهار قطعه سفینه محمول بارذاق
حرکت نمودند و ورود کشتیها بجزیره اسپانیول بجهت اصلاح امورات انجا
یک مجلس مخصوصی مرتب شده ریاست مجلس بعهده (رودریکو دی تونسه) که

ص

خصم بزرگ (کولومب) بود محول گردید (جوانی اگوادو) محبت فدیه خود را نسبت به (کولومب)
بکلی فراموش نموده در صورتیکه ماموریت او فقط عبارت از این بود که بعضی تحقیقات
بعمل اورده نتیجه تحقیقات خود را بامپراطور عرض نماید بجمیع امورات مداخله
نموده خیلی ها را توقیف نموده . و سایر ماموریتیکه (کولومب) تعیین کرده بود بر
برانان تبلیغ نمود که هرگاه تابع امر او نباشد مسئول خواهند بود و علاوه بر
این بتمام جزیره اعلان نمود که (کولومب) و برادرش از ماموریت معزول اند امثال
اینگونه مواد خود سرانه از او ظهور نموده حکمی که متضمن ماموریت او بود از او
طلب نمود (اگوادو) ابتدا میخواست محرمانه به (کولومب) حکم مذکور را ارائه نماید
ولی پس از آن چنین تصور نمود که هرگاه امرنامهٔ امپراطور در ملاء قرائت شود باعث
اخلال شرف و اعتبار او خواهد شد در محضر عموم امرنامهٔ مذکور که بر وجه اتی
ذکر میشود قرائت نمود [نجبا و تبعهٔ اسپانیول که بر موجب مرحمت در هند ساکن
هستند اعلام میشود بتصویب رای مجلس اعیان (جوانی اگوادو) را بدانجا مأمور
(د مسعود العلیه هد از طرف بشا)
نمودیم که از طرف ما بشما ها امر میشود که بتمام اظهارات او را اجرا نمائید]
امر مذکور پس از آنکه قرائت شد بین عموم چنین شایع ظهور نمود که (کریستوف)
و تمام اجزاء او از ماموریت معزول بجای او (جوانی اگوادو) منصوب شده است
اسپانیولیهائیکه در شهر (ایزابل) بودند بخصوص انهائیکه باطنا بر (کولومب) خصومت

داشتند شکایات زیادی از او نموده اظهار نمودند که از سوء حرکات او اینگونه اغتشاش
در جزیره ظهور نموده است (آکوآدو) شکایات ایشان را ضبط نموده (کولومب) را
احضار نمود در آن اثنا (کولومب) از اجراءات (آکوآدو) اطلاع بهم رسانیده بجهت ملاقات
او فوراً بشهر (ایزابلا) عودت نمود حرکات خودسرانه (آکوآدو) اگرچه موجب هرگونه تأسف
بود ولی (کولومب) فرط عبودیتی که نسبت با مپراطور داشت از حرکات او صرف نظر
نموده نهایت تواضع و خوش رفتاری را در بارهٔ او بعمل آورد

(آکوآدو) مجدداً امر نامهٔ امپراطور را ملاء قرائت نموده (کولومب) اظهار نمود که
اوامر امپراطور مطاع و مجری است مقاصد فاسدهٔ (آکوآدو) از تکرار قرائت
نمودن امر امپراطور این بود که از (کولومب) یکنوع بی احترامی نسبت با مپراطور ظهور
نموده بدینوسیله بشهادت (کولومب) جنایتی ادعا و در حضور امپراطور مقصر نماید ولی
بخلاف مأمول او (کولومب) با کمال احترام اوامر امپراطور را استماع نموده مقاصد
فاسدهٔ (کولومب) مثمر بود انجا منتهی نگردید (آکوآدو) از حضار هم استشهادی در
خصوص عدم اطاعت (کولومب) با مپراطور طلب نموده بدانهم موفق نگردیده کما فی
السابق با مور و خصوص حکومت انجا مداخله مینمود

یومیکه خبر معزولیت (کولومب) را شنیدند در خانه برادر (کانونابو) اجلاس نموده
و متفقاً از تسلیمات او تنظیم نمودند . (آکوآدو) عرایض شکایات آمیز انها را ضبط

نموده

نموده قرار بر این داد با سپانیول مراجعت نماید (کولومب) هم با تفاق (آکوآدو)
عازم اسپانیول گشته در بین راه طوفان شدیدی ظهور نموده چهار قطعه سفینه
(آکوآدو) و دو قطعه سفینه (کولومب) غرق شدند فقط سفینه (نینا)
از خطر طوفان محفوظ ماند (کولومب) فوراً سفینهٔ مذکور را تعمیر نمود سایر کشتیها
را هم بساحل آورده مجدداً یک کشتی بنا نمود در حین تعمیر کشتیها به (کولومب)
خبر دادند که در جزیره یکمعدن طلای جدیدی پیدا شده است کشف معدن مذکور
چون بطور غریبی بود لهذا مناسب است در اینباب بعضی تفصیلات ذکر و بیان
شود (میکله دیاز) که ذکرو بیان یکی از صاحب منصبان اسپانیول و در خدمات
(کولومب) مستخدم بود با یک صاحب منصب دیگر منازعه نموده او را زخمدار نمود
پس از آن فرار نمود بشهر (سانتو دومینگ) رفته با حکمران انجا که یک زن هندی
بود معاشقه پیدا نمود . بعد از مدتی (میکله دیاز) قصد عزیمت از انجا
نموده (ملکه) چون مفارقت او را مایل نبود و در ضمن شنیده بود که اسپانیولها
مشغول جستن معدن طلا میباشند به (میکله دیاز) معادنیکه در اطراف قصبه
یافت میشد ارائه نمود اراضی انجا هم پرمحصول تر از اطراف و جوار شهر (ایزابلا)
دیده پس از آن تصور نمود که هرگاه کشفیات مذکور را به (کولومب) اطلاع بدهد
جرم او را عفو خواهد نمود لهذا با چند نفر هندی عازم شهر ایزابلا گشته مخفیانه

داخل قلعه شده در ضمن از شغالهای صاحب منصبی که زخمدار شده بود اطلاع
پیدا نموده با کمال اطمینان بحضور (کلمب) رفته کشفیات خود را عرض و بیان نمود
(کریستوف) چون او زودی انتظار داشت که ثروت ممالک جدیده را در اسپانیول اثبات
نماید از اطلاعات (میکله دیاز) خیلی مشعوف شده امر نمود که برادرش با یک
دسته سرباز با استصحاب (میکله دیاز) بدانجا بروند در عرض راه بنهر موسوم
به (هاینا) رسیدند در جوار نهر مزبور معادن طلای بسیاری مشاهده کردند حکمران
انجا با اسپانیولیها استقبال نموده پس از ان بقانون عیسوی با (میکله دیاز)
ازدواج نمود (میکله دیاز) بدو (کاتالینا) نام نهاد از ان زن دو طفل متولد شد
برادر (کلمب) بازابل عودت نموده کشفیات خود را به (کلمب) عرض و بیان
نمود در جوار نهر مذکور (کلمب) امر نمود که یک قلعه بنا کنند بلادرنگ
باستخراج معادن انجا شتاب نمایند

(فصل یازدهم)

پس از ختام تعمیر سفینه (نینا) (کلمب) برادرش را نایب الحکومه تعیین نمود خودش
در سفینهٔ مذکوره و (کوبیر) در کشتی دیگر سوار شده از اسپانیولیها هم دویست
و شش نفر در معیت (کلمب) در سایر کشتیها نشسته بطرف شرق عنان
عزیمت را معطوف داشتند پس از مدتی بجزیرهٔ (ماری گالانت) رسیدند فردای

انروز

انروز مزبور بجزیره (کواد الوپ) عزیمت نمودند ما یلزم خود را پس از آنکه از آنجا
تدارک نموده کشتیها حرکت نمود ماکولاتیکه همراه داشتند چون قریب باتمام
بود (کلمب) جیرهٔ عملجات کشتی را کسر نموده محض اینکه از ایشان شکایتی بروز نکند
خودش هم باندازه جیرهٔ یک عمله ماکولات صرف می نمود و روز بروز ماکولات
تناقص نموده و مواصلت باسپانیول هم چون مدت مدیدی مانده بود بعضی از
عملجات کشتی قرار براین دادند که هندیها را بقتل رسانیده از گوشت انها
تغذی نمایند بعضی دیگر چنان مناسب دیدند که هندیها را بدریا انداخته
بدینوسیله صرفه جوئی نمایند
(کریستوف) اظهارات انها را مغایر حقانیت و انصاف پنداشته مطالب ایشان را
قبول نکرد پس از هشت ماه سیاحت با هرگونه مشکلات ببندر (کادیس)
رسیدند حین ورود بدانجا (کاربار) وفات نمود در ان اثنا چهار قطعه سفینه
محمول بارزاق در تحت امر (انزو نیا) مهیای عزیمت اسپانیول بود برموجب امر
امپراطور که بتوسط (انزو نیا) فرستاده شده بود (کلمب) از احکامات او مستحضر شد
یک قطعه امرنامه بتوسط (انزو نیا) ببرادرش که در انجا نایب الحکومه تعیین
کرده بود ارسال نمود امپراطور بمحض شنیدن خبر ورود (کلمب) یک
قطعه دستخط التفات امیزی برای او فرستاده برموجب دستخط امپراطور

پس از چند روز استراحت بحضور امپراطور دعوت نموده شده بود
پادشاه اسپانیول در اثنا چون در شهر (اتورکوس) توقف داشت (کولومب) حاضر
شهر مذکور گشته هندیانیکه همراه آورده بود با برادر در (کاثونا) و نمونه بعضی معادن
بحضور امپراطور معروض داشت . امپراطور خدمات نمایان او را تمجید
نموده (الکرال) زیاده از حد چون مظهر التفات امپراطور گردید با کمال شوق و شعف
تفصیل سیاحاتیکه در جوار (کوبا) کرده بود عرض و بیان نمود پس از آن (کولومب)
بجهت سیاحت سیم دوازده قطعه کشتی طلب نموده تکلیفات او را امپراطور
قبول نمود . توجهاتیکه امپراطور درباره (کولومب) مبذول نمود دشمنانش
بکلی از نیات فاسده خود مایوس شدند ولی بعضی اسباب خارجی ظهور نمود که
مطالب (کولومب) بتاخیر افتاد یکی مسئله ازدواج با خانواده امپراطور
و دیگری عوایل مابین فرانسه و اسپانیول بود با همه این تفصیلات امر شد
که بجهت تدارک هشت قطعه کشتی سی هزار فرانک باو داده شود در آن هنگام
(الزونینو) از اسپانیول معاودت نموده بامپراطور عرض نمود که یک کشتی مملو از
طلا از ممالک مکشوفه آورده است قلعهٔ (دروسینیو) را فرانسه‌ها چون
خراب کرده بودند مجددا امر صادر شد که سی هزار فرانکی که به (کولومب) داده شده بود
مصروف مرمت قلعه مذکور بشود (آلنزو) پس از آنکه عریضه نایب‌الحکومه را

بامپراطور

بامپراطور تقدیم نمود از مفاد آن معلوم شد که کشتیها مملو از اسرای
هندی است و فقط طلا کاپرازمنافعی است که از اسرای مذکور حاصل خواهد شد
خلاصه در سنه ۱۴۹۷ میلادی کیفیت ازدواج پرنس ختام یافته با موقع و خصوص
اقدام نمودند ملکه توجه مخصوصی درباره (کولومب) نموده در قلعهٔ (سانتافه) یکقطعه
نامه مابین (کولومب) و دولت اسپانیول منعقد گشته از جزیره اسپانیول پنجاه
میل طول و بیست و پنج میل عرض یکقطعه اراضی با عنوان (دوک) (دوالیکا)
باو دادند (کولومب) تصور نمود که هرگاه عنوان مذکور با اراضی که باو داده شده بود قبول نماید چنین مفهوم خواهد شد که منافع او برای منافع شخص خودش بوده است بناء علیه از قبول آن امتناع نمود
بود حکومت اسپانیول تصدیق نموده و بجهت استخراج معادن و فلاحت سیصد نفر
اشخاص ماهر و مقتدر را که با آنجا بفرستند . درحالیکه امپراطور با این
درجه همراهی به (کولومب) نمود دشمنانش درباب ممالک مکشوفه تحکمات اراجیف نشر داده
بودند که اهالی مایل عزیمت بمملکت مذکور نگردید . بدانسبب برحسب امر
امپراطور اشخاصی که بنفی و حبس موبد محکوم شده بودند قرار شد که بممالک جدیده
عزیمت نمایند و شش قطعه سفینه مهیا گشت در سنه ۱۴۹۸ میلادی از بندر (سان لوکار دو)
عزیمت نمود

عنوان نیابت والیگری (آدلانتادو) که ببرادرش داده
صح

(فصل شانزدهم)

امیرال (کولومب) بجهت کشف دیار ممالک جدیده در سنه ۱۴۹۸ میلادی از بندر (سان لو
کاردو باربدا) حرکت نموده در سیاحت اول جزیره (کوبا) را متصل بخاک تصور نموده

جهت جنوبی جزیره بسمت خط استوا چون ممند بو (کریتیا) را دوان سمت می پنداشت
پادشاه پورتقال و (پایه فرو) که در فن کشتی رانی و جغرافی ماهر بودند
با (کرومب) هم رأی و هم خیال شده کشتی بطرف جنوب غربی بنای سیاحت را گذاردند
در حین سیاحت بجزیره (پورتوسانتو) و (مادرا) مصادف نموده از انجا ما یلزم خرج
کشتیها را تدارک نموده بجزیره (کنرا) مواصلت نمودند با بقای جزیره (فرو)
که رسیدند کشتیها را بدو قسمت منقسم نموده سه قطعه کشتی محمول باوذاق بجزیره
اسپانیول فرستادند . و با سه قطعه کشتی دیگر (کرومب) بجزایر دماغه (سبز)
عزیمت نموده از انجا راه جدیدی را پیموده بود سالک شده همینکه هشتاد و پنج
درجه بخط استوا نزدیک شدند بکنوع حرارت شدیدی مثل اینکه در تنور
پر از آتش افتاده بودند حس نمودند ماکولاتی که همراه داشتند بکلی فاسد شده حیات
زندگانی را محال تصور نموده بنای تشکی را گذاردند (کرومب) با وجود اینکه دو چار
تب و بعضی امراض دیگر بود کشتیها را شخصا سوق و اداره نموده طریق سیاحت را
تبدیل نمود ابتدا بطرف شمال غربی و پس از آن بطرف غرب کشتیها را سوق نمود
پس از آنکه چندی قطع مسافت نمود هوا بکلی تغییر کرد بملاحظه اینکه هرگاه قدری
بطرف جنوب حرکت نمایند مطلقا خواهند رسید کشتیها را مجددا بطرف جنوب
سوق نمودند پس از آنکه چند روزی قطع مسافت نمودند از خشکی اثری هویدا

نگشته (کرومب) بگمان اینکه در جهت جنوب جزیره (کاراثب) میباشد کشتیها را بطرف
شمال سوق نمود در حالتیکه اضطراب بادی از بابت نرسیدن بخشکی را داشت
(التزو پرز) از دور دود کوهی را مشاهده نموده از فرط سرور و خوشحالی خشکی
خشکی فریاد نمود کشتیها بدانطرف حرکت نمودند پس از مواصلت بدانجا معلوم شد
که محل مذکور جزیره (ترینیتا) میباشد (کرستوفر) ابتدا جهت شرقی جزیره مذکور
را گشت و گذار نموده در جوار دماغه (پونتا دلاگالا) بجهت استعمال شرب عملجات
کشتی از انجا آب برداشته نموده بجهت تجسس یک بندر محفوظی سواحل جزیره مذکور
را گشت و گذار نموده پس از آن بطرف جنوب شرقی جزیره (ترینیتا) بیک دماغه مواصلت
نموده دماغه مذکور را (پونتا دلاآرنال) نامید و مقابل دماغه مذکور یک دماغه دیگری
هم واقع در میان ایشان یک طوفان شدیدی دو چار شد از تنگه مذکور که بلی
زمان مارونا منهاده بود مرور نموده بیک خلیج واسعی رسیدند (کرومب) خلیج مذکور
را دریا تصور نموده . مداومت بسیاحت نموده بیک دماغه که در جزیره (ترینیتا)
واقع بود مواصلت نمود این دماغه اگرچه متصل بخشکی بود (کرومب) از اجزای جزیره
تصور نموده (ایزلا دگراسیا) نام نهاد بوغازیکه در میان دو دماغه واقع بود (بوکا
دل دراگو) بدان نام نهاد پس از آن بسوی جزیره اسپانیول شتاب نمود
در ساحل دماغه مزبور آثار معموریت مشاهده نموده در انجا قدری توقف

نمود و از عملجات کشتی چند نفر بساحل فرستاده در انجا بعضی آبادیها مشاهده
چون ذی حیاتی در انجا ندیدند بکشتی عودت نمودند آخر الامر بهجت نشسته
نموده در انجا توقف نمودند در ان حین یک قایقی که در ان چهار پنج نفر هندی
بودند بکشتی تقرب نمودند ناخدا بمحض دیدن ایشان از عملجات کشتی چند نفر
فرستاده انها را بکشتی اوردند امیرال بانها بعضی هدایا داده چون با هندیان
خوش رفتاری نمودند ایشان حسن رفتار سیاحین را با سایرین نقل و بیان نموده
فوج فوج عنقریب بکشتیها امده از قرار بیانات ایشان چنین مفهوم شد که در طرف
غرب آبادیهای بسیاری موجود است (کلومب) باتفاق چند نفر از انها بمحل مذکور
رفته بیانات انها بحقیقت پیوست در ان حین چند نفر بکشتی امده از طرف
حکمران (کلومب) را دعوت نمودند هندیهائیکه بکشتی امده بودند در گردن خود
بعضی پارچهای طلا اویزان نموده و بعضی از دوبندهای مروارید بازوهای
خود را تزیین نموده بودند از قرار تحقیقات (کلومب) چنین معلوم شد که در خلیج
پاریا مروارید زیادی موجود است (کلومب) محض اینکه در ان باب اطلاعات کامله
حاصل نماید چند نفر بدانجا فرستاد خودش با سایر عملجات باقی ماند (کاسیک) در
پذیرائی کاملی نسبت بدو نمودند اهالی انسامان نسبت بساکنین جزیره (کوبا)
سفیدتر و جنس طوطی انجا نسبت بطوطیان جزایر اختلاف کاملی داشت
(کریستوف) در انجائیکه مروارید یافت میشد بدانجا شخصا عزیمت نموده در

بین

بین راه بیک محلی رسیده محل مذکور را جزیره تصور نموده در انجا توقف نمود
بدانجا (ترینیته) نام نهاد بجهت تفتیش جغرافی انجا مامور مخصوص فرستاد از قرار
تحقیقات مامور مشار الیه معلوم شد که در طرف شرق جزیره یک تنگه موجود
و تنگه مزبور بیک خلیج مدوری منتهی میشود در اطراف خلیج مزبور چهار
مصب واقع و احتمال میرود که انها خلیج کوچک و یا مصب نهری باشند (کریستوف)
باحتمال اینکه در اطراف خلیج مروارید موجود میباشد قصد عزیمت انجا را نمود
ولی چون بدرد چشم گرفتار گردید از رفتن بدانجا صرف نظر نموده بسوی جزیره اسپانیول
شتاب نمود . پس از چند روز سیاحت جزایر (مارگاریتا) و (کوباگوا)
را کشف نموده در جزیره (کوباگوا) بومیان مشغول صید مروارید بودند چند نفر
اسپانیولی نزد انها رفته بعضی اسبابها بصیادین داده در عوض مروارید
زیادی از ایشان گرفتند . درد چشم (کلومب) چون روز بروز
شدید تر میشد بسرعت هر چه تمامتر بجانب مقصود مسارعت نموده سی
میل مسافت دور از جزیره (اوزاما) بجزیره (بیاتا) رسیدند در انجا باد شدیدی
وزیدن گرفته مجبور بتوقیف گردید (کلومب) چون احتمال داد که انقلاب
هوا طولانی گردد از راه خشکی یک کاغذی بجزیره اسپانیول فرستاده
هوا هم کسب اعتدال نموده خودش مبادرت بعزیمت نمود در بین راه بیک سفینه

تصادف نموده سفینه مذکور کشتی برادر (کولومب) بود که پس از وصول کاغذ
برادرش باستقبال او آمده بود (کولومب) از ملاقات برادرش مشعوف گشته
بسوی مقصود خود راه پیمودند

(فصل هفدهم)

پس از عزیمت (کولومب) باسپانیول (بارتولومئو) شروع باستخراج معدن ها نموده
در آنجا مقدار کافی عسکر جمع نموده مدت سه ماه در آنجا توقف نموده
در ظرف این مدت ماکولاتشان تمام شده از بومیان هم تحصیل آذوقه
چون امکان نداشت برادر (کولومب) دو نفر در قلعه گذارده با خودش با
سایر اتباع بقلعه (کونسپسیون) عزیمت نمود در آنجا مدت یکماه اقامت نموده مشغول
جمع کردن مالیات گردید و آذوقه لازمه هم در آنجا تدارک نمود در آن
اثنا سه کشتی محمول با آذوقه وارد نموده فوراً العساکر تقسیم شد از قرار دستور
العملیکه (کولومب) بواسطه (آنتونیو) فرستاده بود سیصد نفر هندیها اینکه متهم بودند
باسپانیول فرستاده در جوار نهر (اوزاما) یکقلعه بنا نموده ابتداء (ایزابل) و موخراً
(سان دومینگو) نامید (بارتولومئو) بیست نفر عسکر در آنجا گذارده خودش به (زاراگوا)
عزیمت نمود زوجه (کائونابو) پس از اسارت شوهرش چون حکمرانی آنجا بعهده
برادرش بود به آنجا آمده بود محض اینکه خودش هم گرفتار اسارت نشود پذیرائی

کا

کاملی باسپانیولها نموده مقدار کافی آذوقه و ماکولات بآنها هدیه نمود و
بشرف مسافرین حکمران آنجا جشن باشکوهی ترتیب داده در آن جشن حکمران با
خانواده اش رقص نمودند . پس از دو روز اقامت (بارتولومئو)
مقصودش که برای قرارداد اخذ مالیات بود بیان نمود (کائوناکا) چون مسبوق بود که
اسپانیولها بجهت تجسس معدن طلا بدین آنجا آمده و صعوبت اخراج معدن مذکور
را هم چون میدانست متعهد براین شد که در نقطه قلمرو حکومت او معدن طلا موجود
نمیباشد لهذا فیما بین قرار شد که بعوض مالیات مقدار معینی پنبه داده شود خلاصه
(بارتولومئو) پس از آنکه مملکت مذکور را خراجگذار کرد بشهر (ایزابل) معاودت نمود
مدت غیبوبت او اکثر اسپانیولها وفات نموده و ما بقیهم گرفتار امراض شدیده
گردیدند . و آذوقه و ذخایریکه داشتند تمام شده در آن خصوص هم
خیلی صدمه داشتند (بارتولومئو) چون اسپانیولها را مشغول شورش دید آنهائیکه
مریض بودند در یک محلیکه ماکولات یافت میشود فرستاده و سایرین را
هم بشهر (ایزابل) جلب نمود مابین شهر (ایزابل) و (سان دومینگو) پنج برج بنا نموده خودش
بجزیره (سان دومینگو) عودت نمود
در آن هنگام یکراهبی در صحرای (وگا) یکجا نزاده هنگ را بمذهب عیسوی
در آورده (کائوسیکه) آنجا را هم سعی زیادی نمود که بمذهب عیسوی در آورد حکمران

مذکور ابتدا این عیسوی را قبول نموده اتباعش چون او را ذم و تقبیح نمودند بمذهب
سابق خود عودت نمودند راهب سابق الذکر بجهت خانواده که عیسوی شده بودند یک باب
کلیسا بنا نمود پس از عزیمت راهب مذکور هندیان کلیسا را غارت نمودند
(بارتولومئو) مقصرین را در آتش انداخته هندیان از این فقره خیلی دلتنگ شدند
متفقا قرار بر این دادند که هنگام تحصیل مالیات اسپانیولیها را بقتل رسانند
برادر (کولومب) از قرارداد ایشان مطلع شده با یک مقدار عسکر بقلعه (کونسپسیون)
شتاب نمودند پس از مواصلت بدانجا مشاهده نمود که هندیان مسلحا اجتماع
نموده اند (بارتولومئو) بلاتوقف تدابیر مقتضیه بکار برده هندیان را پراکنده نمود حکمرانان
ایشان را اسیر نموده هندیان عفو ایشان را درخواست نموده ده نفر از آنها مظهر
عفو گردیدند بدینوسیله تسکین اختلال آنها میسر گردید (بارتولومئو) پس
از آن اسوده خاطر بشهر (ایزابل) عودت نمود . بجهت استحصال مالیات
(بارتولومئو) با یک مقدار عسکر باقامتگاه (کوارینکس) رفته در آنجا سی و دو نفر
(کاسیک) جمع شده مالیات سوی خود را پرداختند در آنجا یکنوع نان هم موجود
بود بعوض مالیات قرار شد بعلاوه بعضی نان هم در جزو مالیات بدهند
حکمران آنجا پرداختن مالیات جدید را قبول نموده بجهت حمل آنان از (ایزابل)
یک کشتی جلب گردید تا ورود کشتی مذکور اسپانیولیها در آنجا توقف نموده

بر

پس از ورود آن مالیاتیکه اخذ شده بود حمل بشهر (ایزابل) نموده (بارتولومئو) هم بشهر
مذکور عودت نموده مدت غیبوبت (بارتولومئو) یکی از نوکرهای (کولومب) که بحکومت
نصب شده بود علم استقلالیت برافراشته (کواندو) که مامور فوق العاده بدانجا
فرستاده شده بود از این کیفیت استفاده نموده معزولیت (کولومب) را همه جا
شایع نمود و ابقای فساد را انجا نموده با هفتاد نفر همدست شده در فکر ضبط قلعه
(کونسپسیون) افتاد قلعه مذکور چون در ذروه یک کوهی واقع بود و از ثبات آن محافظین
قلعه مختبر شده بودند اقدامات آن مثمر ثمر نیفتاد (بارتولومئو) بامداد قلعه شتاب
نموده یک ماموری نزد او فرستاده بواسطه بعضی نصایح او را بقلعه آوردند (بارتولومئو)
اسباب شورش و اختلال او را سوال نموده جواب داد از سوء سلوک تو من میخواهم
اهالی جزیره را خلاص نمایم پس از گفتگوی زیادی (ماک رکوا) رفته در آنجا بنای
مفسده را گذاردند در آن هنگام در تحت امر (فرناندز) دو کشتی محمول بارزاق بجزیره
(سانتودومینگ) ورود نموده حکومت آنجا بر حسب فرمان امپراطور بعهده (بارتولومئو)
محول شده بود . خبر مراجعت (کولومب) شایع گشته همدستان (رولدان)
خیلی مضطرب شدند (فرناندز) نزد (رولدان) مامور مخصوص فرستاده بتکلیف اطاعت
و انقیاد نمود (رولدان) جواب فرستاد که بجز (کولومب) باحدی اطاعت نخواهد نمود
در آن هنگام (رولدان) با تبعه (کوارینکس) بقلعه (کونسپسیون) حمله نمود (بارتولومئو) با قوه

کافیه بامداد قلعه شتاب نمودند اقدامات انها بی ثمر ماند (گوارپونکس) بکوه (سیکوآی)
پناه برده مظهر معاونت (کاسیک) انجا گردید و قصبه هائیکه مطیع اسپانیولها
بودند غارت نموده اسپانیولها را بقتل میرسانید (بارتولومئو) باجم غفیری بجهت تادیب
انها بکوه (سیکوآی) شتاب نمود (کاسیک) ها که حلیف عرض مطاوعت نموده (گوارپونکس) با
(کاسیک) انجا فرار نموده مختفی شدند آخر الامر انها هم بچنگ اسارت افتاده (بارتولومئو)
بقلعه (کونسپسیون) مراجعت نموده پس از آنکه دفع شورش و اختلال در جبال سیکوی و صحرای
(دوگا) گردید (بارتولومئو) بقلعه (سان دومینگ) رفته منتظر (کولومب) گردید

(فصل هیجدهم)

از بیانات سابق الذکر چنان معلوم شد پس از ورود (کولومب) در صحرای (دوگا) و
جبال (سیکوآی) دفع شورش و اختلال گشته ولی مقر (رولدان) مشوش و شوب بود
سه قطعه کشتی که (کولومب) بجزیره اسپانیول فرستاده بود بواسطه وزیدن بادهای
مخالف کشتیها بساحل (ازکرکوا) تقرب نموده (رولدان) و طرفدارانش ناخدا را
اغفال نموده مقدار کلی اذوقه و اسلحه از کشتی بردند ناخدا پس از انکه حرکات
مفسدانه انها را فهمید هر چه سعی نمود که (رولدان) را از حرکات خود نادم کرده
بمسلک مستقیم وادارد (رولدان) تمکین بنصایح او ننموده جواب داد بجز (کولومب)
باحدی تمکین نخواهد نمود کشتیها پس از ورود بجزیره اسپانیول بیان کیفیت را

بر

به (کولومب) نموده پس از تفکر زیادی (کولومب) (رولدان) را احضار نموده (رولدان) بدعوت
(کولومب) اجابت نکرد بناء علیه (کریستوف) پنج قطعه کشتی با یک لایحه
بحضور امپراطور ارسال نموده حرکات خود سری (رولدان) را در لایحه مذکور
درج نموده و بجهت اجرای سیاحت سیم لایحه دیگر پیشنهاد داده با اسپانیول فرستاد
(رولدان) هم یکعریضه شکایت امیزی عرض نموده چنین اظهار داشت که مقصود او
دفع شورش و فتنه ئیکه در سواد داده (کولومب) بروز نموده است
پس از عزیمت کشتیها (کولومب) مجددا (رولدان) دعوت نموده در اثنا که یک کاغذ
متضمن استعفانامه (رولدان) بود به (کولومب) رسید عفونامه (کولومب) به رولدان حسن تاثیر
نموده مشاوره (کولومب) را موافقت نموده در قلعه (کونسپسیون) یک مقاوله نامه
بین الطرفین منعقد شد برحسب شروح مندرجه مقاوله نامه مذکور
اولاً تا پنجاه روز دیگر (رولدان) و رفقایش با اسپانیول باید عودت نمایند ثانیاً
ما یلزم و عرض راه از طرف (کولومب) بایت بانها داده شود ثالثا تا اینکه مقاوله
نامه امضا شود معاش بانها اعطا گشته یک تصدیق نامه که مشعر بحسن رفتار
او بدست ماموریتش بود باو داده شود و ایضا از اسرای هندی چند نفر اسیر باو
داده شده انهائیکه با زنان هندی مزاوجت نموده اند هر گاه راضی بمراجعت بوطن
خود نشوند در ان باب ممانعت نشود خامسا اموالیکه مصادره شده بود غرامت

کتابخانه آستان قدس

انها داده شود قرار براین شد مقاوله نامه تا هشت روز دیگر هرگاه امضا نکردند
احکام آن از درجه اعتبار ساقط است

مقاوله مذکوره در مدت مذکوره معین که قرار شده بود طرفین امضا نموده و یک
لایحهٔ محرمانه که متضمن تحرکات خود سرانه (رولدان) بود نوشته بواسطهٔ یک
صاحب منصبی که امنیت کاملی بدو داشت با دو قطعه کشتی بجهت حمل مسافرین
باسپانیول فرستاده (کولومب) یک برادرش را در آنجا نایب الحکومه نصب نموده
با برادر دیگرش نگشت و کذا جزیره پرداخت از سوء حرکات (رولدان) وضع ممالک
جدیده مشوش گشته (کولومب) در حینیکه در اسباب مشغول تدابیر مقتضیه بود خبر
آوردند که (رولدان) و رفقایش عزیمت نکرده اند (کولومب) بهر نحوی بود او را باسپانیول
فرستاده سایر همدستان او را هم در جهات مختلفه جزایر پراکنده نمود

مقارن این حال (اترودویل) با چهار قطعه سفینه ورود نمود چنانچه سابقا ذکر شده
بود (اترود) در معیت (کولومب) باسپانیول عودت نموده مدتیکه در آنجا بود هوس
مکنت و تمول افتاده با (فونسکا) مناسبات پیدا نموده بجهت اجرای کشفیات
اسند عامه از وی تبعیت نمود

(فونسکا) محض اینکه به (کولومب) مضر نموده باشد اسند عامه (اترود) را قبول نموده او هم چهار
قطعه کشتی تدارک نموده با (آمریکو وسپوکی) که یکی از نجبای اسپانیول بود بسوی ممالک

جدید

جدیده حرکت نمود . از قرار روایات بعضی مورخین (آمریکو
وسپوکی) در سنهٔ ۱۴۵۱ میلادی متولد شده در یک مدرسه تحصیل فنون ریاضی و طبیعی نموده
از مشاهیر دانشمندان عصر خود شد . سیاحین مشار الیهم بجزیره
اسپانیول مواصلت نموده پس از اندک توقفی در آنجا بوطن خود عودت نمودند
(آمریکو وسپوکی) یک سیاحتنامه در باب ممالک جدیده داده ممالک مذکوره باسم
او (امریک) مشهور کردید بدینوسیله شرف حضیض (کولومب) از میان رفته
(آمریکو وسپوکی) حقوق صریحه (کولومب) غصب نموده سیاحت نامهٔ (آمریکو وسپوکی)
همه جا منتشر گشته پادشاه پورتغال هم بجهت کشف بلاد جدیده چند قطعه کشتی
در تحت امر (کابرال) داده سیاح مشار الیه (برزیل) را کشف نموده از کشفیات
خود دولت متبوعه خود را مخبر ساخت

(فصل نوزدهم)

(کریستوف) پیوسته اوقات خود را صرف دفع شورش و اختلال جزیرهٔ اسپانیول
نموده تدابیریکه در اسباب تکلیف بکار میبرد چون مفصلا بحکومت اسپانیول اطلاع
میداد بنا بر اینکه در باب ممالک جدیده داشت معوق مانده بود در حالتیکه
مایل بر این بود که وضع آنجا را منظم نماید و پس از اعادهٔ آسایش بواسطهٔ استخراج معادن
صاحب ثروت و مکنت کرده پارهٔ فتنه‌ها یکه دشمنانش در اسپانیول نموده

بودند ماندن او را در انجا حکومت مضر منافع خود دانسته (دبوبادیلا) مامور
انجا کردید و بمامور مشار الیه امر شده بود که سوء حرکات (دکولمب) هرگاه معلوم شود
(دکولمب) را معزول نموده بجای او برقرار باشد معرض الیه باد و قطعه کشتی بسوی
ممالک مکشوفه حرکت نموده بمحض ورود مأموریتش در جزیره منتشر کردید
در این حین (دکولمب) در قلعه (دکونسپسیون) اقامت داشت (دبوبادیلا) مجرم بیکبار (دکولمب) حبس نموده
از حبس آزاد کرده امر امپراطور که متضمن مأموریتش بود علنا قرائت نموده (دکولمب)
را احضار نمود (دکریستوف) بسهل خاطر نزد او آمد (دبوبادیلا) او را بحضورش قبول نکرده امر
نمود که (دکولمب) و برادرش را در کشتی حبس نمایند و ایشان را بجزئی محاکمه محکوم
باعدام نموده اوراق محاکمات ایشان را با خودشان باسپانیول فرستاد
(دکریستوف) بمحض ورود باسپانیول ملک لاچه تقدیم ملکه نموده پادشاه او را بسرای
دعوت نمود پس از بیان نطق بلیغی اثبات نمود که (دبوبادیلا) بغرض او را محکوم نموده
پس از آنکه بی‌تقصیری او ثابت شد مظهر لطف امپراطور گشته جزء اجزاء دربار
امپراطور گردید (دنیکولا اواندیس) مامور بممالک مکشوفه گردیده با سی و دو قطعه
کشتی و هزار و پانصد نفر جمعیت از اسپانیول بسوی ممالک جدیده حرکت نمود (دبوبادیلا)
هنگام ورود بامریکا از سوء تدابیر او وضع انجا خیلی مغشوش شده بود چونکه
محض اینکه از اسپانیولها جذب قلوب نماید آزادی بی اندازه بایشان داده همه

ستم تعدی و ظلم نسبت ببومیان از اسپانیولها بروز مینمود و بجهت استرضای
خاطر اسپانیولها بومیانیکه اسیر کرده بودند با ایشان تقسیم نموده و ایشان
بومیان را در معادن استخدام نموده بحدی بخدمات شاقه ایشان را اجبار نموده
بودند که در اندک مدتی اکثر ایشان وفات نمودند
والی جدید پس از ورود بدانجا (دبوبادیلا و رولدان) را عزل نموده باسپانیول
فرستاد و بعموم هندیان آزادی داده اسارت را لغو نموده و بعضی تدابیر مؤثره
بکار برده وضع انجا را منظم ساخت

(فصل بیستم)

در فصل سابق بیان شده بود که (دکولمب) جزء اجزاء دربار (فردیناند) گشته از
والیگری امریکا معزول شده بود بر حسب مقاوله نامه که ما بین او و دربار دولت
اسپانیول منعقد شده بود والیگری ممالک مذکوره بشخص (دکولمب) اختصاص
داشت بنابراین در اینباب بعضی مذاکرات در میان آورده مطالبش بهیچ اجابت
نپیوست . مقارن این زمان بر حسب امر پادشاه پرتقال سیاح مشهور
(دواسکو دوگاما) راه طریقی بجهت هند شرقی بحری تجسس نموده در راه دماغه
امید واری بساحل زنگبار اتصال داده و از انجا به (دکالیکوت) مواصلت نمود
(دکریستوف) از راه بوغاز یکی از دو شبه جزیره (درایین) واقع بود راه طریقی بهند شرقی

محلا پیدا نموده بجهت کشف طریق مذکور از دربار دولت اسپانیول اجازه سیاحت
درخواست نموده استدعایش قبول شد

در سنه ۱۵۰۲ میلادی (کرومب) با برادر و پسرش با چهار قطعه کشتی از بندر (کادیس) بسوی
جزایر (کانارے) حرکت نمود و وصول بجزیره (سان دومینک) از (نیکولا او واندس) اجازه
دخول درخواست نمود بدو اجازه داده نشد مشارالیه که در فن کشتی رانی دانشت
ظهور طوفان شدیدی را قبل الوقوع کشف نموده مجددا تا اختتام طوفان اجازه
دخول طلب نموده و در آن اثنا چند قطعه کشتی از آنجا چون عازم اسپانیول
بودند تا حین عزیمت آنها را هم اخطار نموده

(نیکولا او واندس) نه اذن دخول بدو داد و نه اینکه اخطارات او را اعتنائی نمود
(کریستوف) بجهت حفظ کشتیها خودش یک مکان مناسبی تجسس نموده طوفان
شدیدی در اثنا ظهور نمود کشتیها را با کمال صعوبت از خطر طوفان محافظت نموده
کشتیها ایکه بجانب اسپانیول حرکت کرده بودند بجز سه قطعه از آنها
ما بقی غرق شدند و آن سه قطعه هم دو قطعه اش شکسته به (سان دومینک)
مراجعت نمود یکقطعه از آنها با سپانیول رسیدند پس از اختتام طوفان (کریستوف)
پیوسته سیاحت نمود بجزیره (کوانا) رسید پس از رسیدن بجزیره مذکور برادرش را
با چند نفر بجهت تحقیق حال جزیره بدانجا فرستاد

اسپانیو

اسپانیولها همینکه نزدیک بخشکی رسیدند یک قایق تصادف نموده در آن چند نفر
هندی نشسته بودند . هندیان از اسپانیولها فرار نموده عاقبت دوچار
ایشان شدند چون از طرف (کریستوف) سفارش شده بود که با ایشان کمال خوش
رفتاری را نمایند بعضی هدایا با یکدیگر مبادله نمودند بواسطه اشاره بعضی
اطلاعات از ایشان استحصال نمودند و یکی از آنها که زرنگ و قابل بود بجهت
بلدیت نگاهداری نموده سایرین را مرخص نمودند

از وضع اشارات آنها معلوم شد که در طرف غرب معادن طلای زیادی
موجود است جهت مذکور چنین مفهوم شد که مملکت (مکزیک) میباشد
همراهان (کرومب) میل سیاحت بدان طرف را نموده اصل مقصود (کرومب) چون
کشف تنگه (داریین) بود کشتیها را بطرف شرق سوق نمود پس از آنکه چند میل
قطع مسافت نمود بیک دماغه رسیده دماغه مذکور را (کاکیتا) نام نهاد
و پیوسته مشغول سیاحت بود تا آنکه بمصب یک نهری رسیدند که نهر مذکور را
(فیوم دولا پوسه سیون) نامید هندیانیکه در حوالی نهر مذکور بودند پوست بدن
خود را بالوان مختلفه ملون نموده بعضی از آنها بحدی گوشهای ایشان دراز بود
که از سوراخ گوش آنها یک تخم مرغ میگذشت (کریستوف) بمناسبت بزرگی گوش
آنها آنجا را ساحل گوش نامید بعد از آن بسیاحت مشغول گشت اخر الامر

در جوار جزیره معروف به (هورتا) لنگر انداختند در مقابل ساحلیکه کشتیها لنگر انداخته
بودند یک قصبه موجود و ساکنین انجا محض اینکه مرور سیاحین را منع نمایند
مسلح گشته در ساحل اجتماع نمودند پس از چند روز همینکه اطمینان حاصل
نمودند که مسافرین درباره ایشان سوء نیت ندارند بقایق نشسته بکشتیها امدند
و با سپانیولیها مناسبات پیدا نموده برهنوال معتاد (کریستوف) بعضی تعارفات
بانها داده جذب قلوب انها نمود بومیان مسافرین را بجشنکی دعوت نموده (کولومب)
دعوت ایشانرا اجابت نمود پس از ان بومیان بمقر خود عودت نموده فردای انروز
یک پیرمرد در حالیکه یک پیرهنی در دست داشت با یک دختر نزد سیاحین
امده از ایشان دخول بجشنکی را درخواست نمودند برادر (کولومب) دعوت انهارا اجابت
نمود در حین گردش محرر برادر (کولومب) قلمدان از جیب خود بیرون اورده مشغول
تحریر اوضاع طبیعی قصبه مذکور گردید بومیان محرر مذکور را ساحر گمان
کرده قلم و کاغذ را هم الت سحر کار کرده بدان ملاحظه با کمال خوف از اسپانیولیها
فرار نمودند محرر مذکور بنیت انها اگاه گشته با هزار گونه مشکلات بانها نشان
فهمانید که التیکه در دست بود ادوات قرطاسیه میباشد پس از ان بومیان
بخانه های خود رفتند (بارتلمی) بکشتی مراجعت نمود پس از چند روزی کریستوف
از محل مذکور عزیمت نموده بسواحل حرکت نمودند و نفر از بومیان را بجهت

بلدیت

بلدیت راه همراه برداشته بومیان چنین پنداشتند که انهارا اسیر نموده است
بجهت استخلاص ایشان دو راس خوک باسپانیولیها هدیه نموده بومیان اظهار
نمود که بجهت بلدیت مسافت ان دو نفر را نگاه داشته است خلاصه (کریستوف)
شروع بحرکت نموده بساحل (کوستاریکا) مواصلت نمود در انجا داخل یک جزیره
گشته پس از سیر و تماشای جزیره مذکور مراجعت نموده عنان عزیمت
را بسوی (دارکدا) سوق نمود بمصب یک نهر رسیده در انجا پنج قصبه کشف نمود
(کولومب) تحقیقات لازمه را بعمل اورده چنین معلوم شد که از همه جا بیشتر
در انجا معادن طلا موجود است پس از ان (کولومب) بجانب مقصود روانه
شد بیک بندر موسوم به (اکریترت) تصادف نمود با اهالی انجا هم مناسبات
پیدا نموده بجهت استخراج معادن بسوی (وراگواس) مراجعت نمود

(فصل بیست و یکم)

(کریستوف) از بندر (اکریترت) حرکت نموده یکروز بعد به (پوئرتو بللو) مواصلت
نمود بواسطه وزیدن بادهای مخالف با هزار گونه اشکالات داخل یک بندر
کوچکی شده در انجا نه روز اقامت نمود هندیان مقیم انجا بجهت محافظت از
حشرات مضره خانهای خود را در روی شاخه درختان بنا نموده بودند
روز چهارم از انجا حرکت نموده بممالک (وراگواس) مواصلت نمودند

کتابخانه آستان قدس

برادر (کرومب) یک آدمی نزد حکمران انجا فرستاده (کاسیک) استقبال او نمود
در ضمن اظهار داشت اشتیاق ملاقات (کرومب) را برادر (کرومب) با کمال مسرت قبول
نموده بمحل خود معاودت نمود . (بارتلمو) تحقیقات لازمه را بعمل آورده
چنین معلوم شد که معادن طلای بسیاری در انجا موجود است

(کرومب) پس از آنکه از این قضیه مخبر شد یک قلعه در انجا بنا نموده برادر خود
را در انجا سکنا داده حکمران انجا چون مشاهده نمود که اسپانیولیها در انجا
سکنی گرفتند قصد آتش زدن خانهای انها را نمود (کرومب) از این فقره آگاهی
بهم رسانیده (بارتلمو) را با یک عده عسکر مامور اسیر نمودن حکمران انجا نمود (بارتلمو)
بمحل ماموریت خود رفته (کاسیک) را اسیر نموده بساحل آورد ولی همینکه بساحل
رسیدند (کاسیک) خود را بدریا انداخته فرار نمود اسپانیولیها خانه
او را غضب غارت نمودند اموالش را مصادره نمودند

یک روز تبعه (کاسیک) اتباع خود را جمع نموده بمحل اقامت اسپانیولیها حمله
نمود (بارتلمو) با کمال مهارت مدافعه نموده هندیها را مجبور بفرار نمود ولی
اسپانیولیها اقامت انجا را مغایر مصلحت دانسته عزم رحیل از انجا نمودند
(کریستوف) با سه قطعه کشتی از انجا حرکت نموده بسوی جزیره اسپانیول شتاب
نمود در بین راه طوفان شدید ظهور نموده یکی از کشتیها ناپدید شد دو کشتی

دیگر

دیگر بسوی جزیره (ژامائیک) حرکت نموده مجددا دچار طوفان شدید گردیدند
کشتیها بیکدیگر مصادمه نموده تلاطم دریا انها را بساحل انداخته سیاحین
با کمال مشکلات خود را خلاص نمودند در میان آنان (کریستوف) هم از خطر طوفان
خود را خلاص نموده قرار در این داد که والی را از حال خود مسبوق نماید در
این اثنا دو نفر اسپانیولی با اهالی انجا مناسبات پیدا نموده بومیان متعهد شدند
که با دو کرجی انها را بجزیره اسپانیول ببرند مسافرین سوار کرجی گشته
عازم جانب مقصود شدند پس از آنکه چهل و هشت ساعت راه پیمودند
گمان کردند که راه را گم کرده زیاده از حد مضطرب شدند مقارن انحال از
دور یک جزیره مشاهده نموده بسوی آن شتاب نمودند همینکه داخل
جزیره شدند انجا را غیر مسکون دیدند پس از استراحت جزئی از انجا بسوی
جزیره اسپانیول شتاب نمودند

اسپانیولیهائیکه در جزیره (ژامائیک) مانده بودند از سایر رفقایشان
مدتی گذشته خبری معلوم نشد تصور نمودند که انها غرق و تلف شده اند
بدین ملاحظه از جهت قطع امید نموده بر (کرومب) شوریدند ده قطعه کرجی
که (کرومب) از بومیان ابتیاع نموده بودند ضبط نموده هر کس بخیال خود حرکت
بیک سمتی رفت در انحال (کرومب) هم اسیر فراش گشته با برادر و چند نفر

خلعه در انجا ماند . پس از چندی بومیان به (کولومب) ماکولات نداده (کولومب) و اتباعش نزدیک بهلاکت رسیدند (کریستوف) چون در علم هیئت مهارت کاملی داشت قبل از وقت وقوع خسوفی را در انجا کشف نموده با اهالی انجا پیغام فرستادم که خداوند با اهالی انجا را غضب نموده عنقریب بلا نازل خواهد نمود و علامتش هم اینست که قمر سیاه خواهد شد بومیان ابتدا اعتنائی به پیغام (کولومب) ننموده همینکه قمر شروع بانخساف نمود خوف عظیمی از ان کیفیت نموده به (کولومب) التجا اوردند (کولومب) چون مقصودش حاصل شد اطمینان بایشان داد که رفع نزول بلا را از خداوند درخواست نموده قمر بحالت اول رجعت خواهد نمود پس از چند ساعتی بومیان قمر را بشکل اول مشاهده نموده اعتقاد کاملی به (کولومب) بهمرسانیده تابع و مرید او گردیدند

(فصل بیست و دوم)

دو نفر اسپانیولی که از جزیره (ژامائیک) بجزیره اسپانیول عزیمت نموده بودند یک ماه مرور نموده خبری از انان معلوم نشد و سایر اسپانیولیها که در اطراف (کولومب) بودند پراکنده شده بنای تعدی را ببومیان گذاردند در ان حین یک کشتی ورود نموده یک شخصی کاغذی نزد (کولومب) اورده محرمانه با او ملاقات نمود مجددا بکشتی سوار شده معاودت نمود (اوواندا) چون میل مراجعت (کولومب) را

نداشت

نداشت بجهت تفتیش حال انشخص را بدانجا فرستاده بود و در ضمن بیان معذرت نموده بود که بقدر کفاف حمل ایشان یک کشتی موجود نمیباشد (کولومب) مقصود او را درک نموده ولی باتباع خود اطمینان داد که عنقریب یک کشتی ورود خواهد نمود مدت مدیدی گذشته چون خبری معلوم نشد اسپانیولیها بنای سرکشی را گذارده حتی (کولومب) را تهدید مینمودند (کولومب) با وجود اینکه مریض بود با انها مقابله نموده بعضی از انها را مجبور بفرار نمود و در میان انها (فرانسکو) هم داخل بوده برادر (کولومب) اسلحه او را با دست خود گرفته او را اسیر کرد عاصیان چون فتوت و انصاف (کولومب) را میدانستند عفو تقصیرات خود را درخواست نمودند (کولومب) از جرایم ایشان درگذشت و انها یکه محرک دیگران بودند بجهت محاکمه توقیف نمود پس از اعاده اسایش دو قطعه کشتی بجزیره (ژامائیک) ورود نموده اهل (کولومب) مهیای عزیمت جزیره اسپانیول گردیدند

(فصل بیست و سیم)

(کریستوف) و برادرش و سایر اسپانیولیها که در جزیره (ژامائیک) بودند با ان دو قطعه کشتی که امده بودند سوار شده در سنه ۱۵۰۴ میلادی از جزیره (ژامائیک) حرکت نموده بسوی جزیره اسپانیول عازم شدند بواسطه عدم مساعدت هوا بین

راه در جزیرهٔ (بیاتا) توقف نموده پس از کسب اعتدال هوا عازم جانب مقصود
گردیده به بندر (سان دومینگ) مواصلت نمودند
والی جزیره اسپانیول (اوواندا) و اجزاء حکومت باستقبال (کولومب) مبادرت
نموده لدی الورود بمقر حکومت بردندش (اوواندا) اگرچه نهایت احترام داد
حق (کولومب) بجا آورد ولی (فرانسکو) را آزاد نموده از اتباع (کولومب) انهائیکه بسر کشتی
به (کولومب) نموده بودند تهدید نمود در باب فتنه‌ایکه در جزیره (ژامائیک) ظهور نموده
بود مابین (کولومب) و (فرانسکو) بعضی سخنان برخاسته شد قرار براین شد که
(فرانسکو) بجهت اجرای محاکمه بمجلس محاکمهٔ هند غربی که در اسپانیول تشکیل شده
است فرستاده شود در خصوص ادارهٔ امور مابین (کولومب) و (اوواندا) منافرات
ظهور نموده (کولومب) تصور نمود که هرگاه مدتی دیگر در آنجا اقامت نماید انجام کار
بمنازعه خواهد رسید لهذا متهیء عزیمت اسپانیول گردیده در بین راه طوفان شدیدی
ظهور نموده (دکل) کشتی (کولومب) شکست (کولومب) بکشتی برادرش سوار شده پس از
چندی کشتی برادرش هم معیوب شد (کولومب) هم چون مریض شد دچار مشکلات عظیمه
گردید بالاخره با کمال صعوبت و سختی مسافرت به بندر (سان لوکار) مواصلت نموده
(کولومب) بجهت استراحت و اعادهٔ صحت بشهر (سویل) عزیمت نموده چون بجهت
معیشت خود ثروت کافی نداشت شرح حال خود را بامپراطور عرضه داشت استدعای اعانتش

بعد

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
ثبت شد

بمحل قبول نه پیوست و بواسطهٔ مرضیکه عارضش شده بود خودش هم بحضور
(فردیناند) مشرف نگشته مجدداً عریضه بامپراطور عرض نمود باز هم نتیجه حاصل
نشد از قراریکه مفهوم (کولومب) گردید دشمنانش هر قسم عواطف امپراطور را در
بارهٔ او مانع شده در آن اثنا هم خبر مریض شدن ملکه که حامیش بود مسموع
شد موجب مأیوسیت او گردید پس از چندی ملکه وفات نموده وقوع این کیفیت
بر مأیوسیت او افزود (کولومب) پس از آنکه اعادهٔ صحت نمود شخصاً بحضور امپراطور
رفته شرح حال خود را بامپراطور معروض نموده یک قصبه که در ایالت
(کاستیل) واقع بود بدو امپراطور واگذار نمود و معاش معینی هم برایش تخصیص
نمود در اثنا (کولومب) مجدداً مریض شده در سنه ۱۵۰۶ میلادی وفات نمود کلمهٔ
اخیری که از دهان (کولومب) بیرون آمده بود این بود [ای خدا روحم را
بتو تسلیم میکنم] جنازهٔ (کولومب) را در سنه ۱۵۱۰ میلادی بمنا...
(سان فرانسکو) حمل نموده پس از آن در سنه ۱۵۳۶ میلادی با جنازهٔ
پسرش بجزیره اسپانیول حمل نمودند در (سان دومینگ)
دفن نمودند از آنجا هم پس از چندی جنازه‌اش
را نقل نموده در جزیره
(کوبا) در شهر (اوانا)
دفن نمودند

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

باز بین شد
۱۳۵۳